

پژوهش‌های جامعه‌شناختی

سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مدیر مسئول: دکتر سهیلا علیرضا نژاد

سر دبیر: دکتر سید محمد صادق مهدوی

مدیر داخلی: دکتر سروش فتحی

نظارت: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

اعضای هیأت تحریریه:

دکتر باقر ساروخانی	استاد دانشگاه تهران
دکتر علی اکبر فرهنگی	استاد دانشگاه تهران
دکتر مهر داد نوابخش	استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
دکتر علیرضا کلدی	استاد دانشگاه توانبخشی و بهزیستی
دکتر خدیجه سفیری	استاد دانشگاه الزهرا
دکتر سیدمحمدصادق مهدوی	استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر منصور وثوقی	استاد دانشگاه تهران
دکتر علیرضا محسنی تبریزی	استاد دانشگاه تهران
دکتر طاهره میرساردو	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
دکتر سهیلا علیرضا نژاد	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
دکتر سروش فتحی	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

همکاران علمی این شماره به ترتیب حروف الفبا:

دکتر مصطفی ازکیا، دکتر بهرنگ اسماعیلی شاد، دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی، دکتر فرح ترکمان، دکتر اسماعیل جهانبخش، دکتر منصور شریفی، دکتر حبیب‌الله کریمیان، دکتر مهدی مختارپور، دکتر سعید معدنی، دکتر هوشنگ ظهیری، دکتر عباس قلناش، دکتر فاطمه پاکرو، دکتر الهام رحمت‌آبادی

نشانی دفتر مجله و مرکز پخش: گرمسار- صندوق پستی 35815-144- تلفن: 0232-4225009-12 داخلی 251

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهش‌نامه علوم اجتماعی گرمسار به استناد شانزدهمین جلسه کمیسیون بررسی و تایید نشریات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به شماره مجوز 87/162342 مورخ 1383/9/1 سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به صورت فصلنامه منتشر و بر اساس رای پنجاه و نهمین جلسه کمیسیون مذکور مورخ 1388/8/4 از درجه علمی پژوهشی برخوردار است. و بر اساس نامه وزارت علوم تحقیقات و فن آوری به شماره 3/18/225786 مورخ 1391/11/29 عنوان مجله به پژوهش‌های جامعه‌شناختی تغییر یافت.

Website: journals.iau-garmsar.ac.ir

E-mail: sociological-research@iau-garmsar.ac.ir

مقالات این مجله به پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC وارد می‌شود.

مقالات این مجله در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می‌شود.

الف) شرایط پذیرش مقاله

- ✓ مقاله ارسالی برای چاپ در فصلنامه دارای محتوای علمی و آکادمیک بوده، فقط جنبه پژوهشی داشته باشد و حاصل تحقیقات نویسنده/نویسندگان باشد.
- ✓ فصلنامه، مقالاتی را در دستور کار برای بررسی و نشر قرار خواهد داد که قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و تحت بررسی برای چاپ نیز نباشد. چنانچه نویسنده به هر دلیلی نسبت به چاپ مقاله ارسالی در دوشهریه اقدام نماید مسئولیت و عواقب ناشی از آن به عهده نویسنده بوده و هیچ گونه مسئولیتی در این باره برعهده مجله نخواهد بود. این مجله مقالات در موضوعات تخصصی علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی را به چاپ می‌رساند. لازم است مقالات ارائه شده در عین علمی و تحقیقی بودن، ساده و روان بوده و قواعد نگارشی فصلنامه نیز در آن رعایت شده و فاقد غلط‌املائی باشند.
- ✓ مقاله‌هایی در اولویت چاپ قرار خواهند گرفت که در آنها به مقاله‌های چاپ شده در شمارگان قبلی فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی استناد شده باشد.
- ✓ مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسنده/نویسندگان است.
- ✓ کلیه مقالات ارسالی، اعم از مقالات دارای پذیرش یا مقالات رد شده؛ در آرشیو مجله نگهداری خواهد شد.

- ✓ آراء و نظرات مندرج در مقالات لزوماً مبین نظرات و آراء مجله نیست.
- ✓ هیأت تحریریه حق قبول یا رد، ویرایش، تلخیص و تنظیم مقالات را دارد.
- ✓ ترتیب تقدم و تأخر چاپ مقالات به ارزش علمی و یا شخصیت نویسندگان ارتباطی ندارد.
- ✓ محتوای مقاله باید با اهداف مجله متناسب باشد. تشخیص این مورد با هیأت تحریریه است.
- ✓ با توجه به سیاست‌های هیأت تحریریه، مجله از بررسی و چاپ مقالات ترجمه شده معذور است.

ج) راهنمای نگارش مقاله

- ✓ مقاله در ابعاد A4 فراهم شود. تعداد صفحات هر مقاله بین 22-15 صفحه در قطع وزیری با (فونت 12 B Zar) و (فونت 10 Time New Roman برای متن انگلیسی) در نرم افزار ورد 2003 تایپ شود و از طریق سایت مجله ارسال گردد.
- ✓ در تایپ متن مقالات فاصله بین کلمات «ها»، «می» و ضمائر از فعل و غیره از هم جدا شوند (مثل: می‌شود، شماره‌ها و رفته‌ایم) و هم‌چنین کلماتی که از دو قسمت تشکیل شده‌اند (مثل: صاحب نظران ...) رعایت شود. لازم است نویسندگان محترم به آیین نگارش فارسی توجه کافی داشته باشند. تمامی زیرنویس‌ها به ترتیب شماره درج شود. همچنین منابع ارجاع داده شده در داخل متن (استناد درون‌متنی) منابع در آخر مقاله و بر اساس APA به صورت القابیی و بدون شماره گذاری یا علامت در کنار منبع با فونت 10 B zar درج شود.

✓ ارجاع به مقالات مرتبط و منتشر شده در شماره های چاپ شده مجله تشویق مدنظر قرار گیرد.

✓ صفحه عنوان: در صفحه اول، عنوان کامل مقاله؛ نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه هم به فارسی و هم به انگلیسی زیر عنوان آورده شود. مسئولیت صحت اسامی نویسندگان به انگلیسی به عهده نویسنده / نویسندگان است. چنانچه نویسندگان بیش از دو نفر باشند فرد پاسخ گوی مکاتبات مقاله (نویسنده مسئول) و پست الکترونیک وی باید در زیر نویس مشخص گردد. اعلام رشته تحصیلی نویسنده یا نویسندگان و سمتهای آکادمیک آنها در قسمت نویسندگان در سامانه فصلنامه الزامی است. لازم است شماره ORCID نویسندگان در صفحه مشخصات و همچنین در فایل های ارسالی در فایل نویسندگان درج شود.

✓ چکیده مقاله: چکیده مقاله باید حداکثر در 300 کلمه به دو زبان انگلیسی و فارسی تهیه شود. چکیده لازم است معرف مناسبی برای مقاله بوده و همچنین واژه گان کلیدی در پایان آن درج شود.

✓ متن: چارچوب مقاله باید شامل چکیده (در صفحه اول مقاله)، مقدمه (طرح مساله، اهمیت و ضرورت مساله و هدف، ادبیات تحقیق و چهارچوب نظری) روش شناسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری و منابع باشد.

✓ عنوان جدول در بالا و عنوان شکل در زیر آن نوشته شود. از عنوان هایی مثل نمودار، عکس و نقشه استفاده نشود و فقط از کلمه شکل استفاده نمایند. همه اعداد، واحدها و مقیاس ها در تمام قسمت های مقاله باید به فارسی باشد.

✓ فایل هر شکل، علاوه بر آمدن در متن به صورت جداگانه و با پسوند JPG و با کیفیت حداقل 300 dpi به همراه مقاله در سامانه فصلنامه بارگذاری شوند. برای چاپ ممکن است شکل ها کوچکتر شوند، لذا نوشته ها و اعداد روی شکل ها درشت و کاملاً خوانا باشند.

✓ نحوه ترتیب و ویرایش منابع طبق دستور زیر اعمال گردد:

• الف) ارجاعات داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار : شماره صفحه و در داخل پرانتز آورده شون. به طور مثال: (ووثقی، 1384: 35) و (Giddens, 2003: 143).

• ب) اطلاعات کتاب شناسی به ترتیب حروف الفبا و با رعایت نکات زیر به فارسی یا زبان دیگر آورده می شوند.

• کتاب با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.

• کتاب با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.

• ترجمه کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام. سال انتشار. عنوان. نام و نام خانوادگی مترجم. محل نشر: ناشر.

• مقاله با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.

- مقاله با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
 - مقاله در مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان مقاله." صفحه شروع و پایان مقاله در نام مجموعه مقالات، نام و نام خانوادگی گردآورنده(گان). محل نشر: ناشر.
 - چکیده مقاله: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه. محل نشر: ناشر.
 - گزارش: نام مؤسسه. سال انتشار. عنوان. نام تهیه کننده. محل نشر: ناشر.
 - پایان نامه: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. پایان نامه دکتری / کارشناسی ارشد. نام دانشگاه.
 - روزنامه، خبرنامه: نام خانوادگی، نام. سال، ماه و روز انتشار. "عنوان." نام روزنامه / خبرنامه. محل نشر.
 - پایگاه اطلاعاتی اینترنت: نام خانوادگی، نام. سال، ماه. عنوان. آدرس پایگاه اطلاعاتی اینترنت.
 - منابع بدون شماره یا علامت و بدون بلد شدن به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.
- سایر شرایط ساختاری نگارش مقاله در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای جامعه شناختی

توضیحات	شرایط		عناوین
	Font Size	Font	
	12	B Zar	اندازه و فونت متن
	9	B Zar	اندازه و فونت ارجاعات(رفرنس) داخل متن
	12	B Zar Bold	اندازه و فونت تیر عنوان مقاله
	10	Bkoodak	نام و نام خانوادگی و سمت آکادمیک نویسندگان
	12	B Zar Bold	اندازه و فونت سر تیر های مقاله
	10	B Zar Bold	اندازه و فونت متن چکیده
	9	B Zar	عناوین جداول
	8	B Zar	متن و داده های داخل جداول بصورت فارسی باشد
	10	B Zar	منابع
	10	Times New Roman	کلیه اصطلاحات و متن انگلیسی
	10	Times New Roman Bold	عنوان مقاله به انگلیسی
	10	Times New Roman	متن چکیده انگلیسی

فهرست مطالب

- ۱ واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده
مریم همتی، مرضیه حیدری
- ۳۰ بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز
فرشید ناهید، مجید رضا کریمی، کورش سرورزاده
- ۵۵ فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک
شاهو رستگاری، اسدالله بابایی فرد
- ۸۳ بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱
یاور عیوضی، سید مرتضی میرتبار، علیرضا ادیسی، مرتضی گلشنی گهرآز
- ۱۰۶ نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان
کمال جوانمرد، کامبیز صنعتی، آزاده موسوی
- ۱۲۲ فراترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان
سعید غلامی، محسن نیازی، اسداله بابایی فرد

DOI: [10.71854/soc2024-7117122](https://doi.org/10.71854/soc2024-7117122)

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

مریم همتی

کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، واحد آباده، دانشگاه آزاد اسلامی، آباده، ایران

مرضیه حیدری^۱

دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد آباده، دانشگاه آزاد اسلامی، آباده، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱/۳۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۵

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، "واکاوی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن شهر آباده" بوده است. روش پژوهش، آمیخته (کیفی و کمی) بود که در بخش کیفی از رویکرد فراترکیب و در بخش کمی از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مبانی نظری موجود شامل اهم مطالعات داخلی و خارجی مرتبط پیرامون قلمرو موضوعی پژوهش و در بخش کمی شامل مجموع روان‌شناسان (59 نفر)، زوجین در شرف طلاق (با محدودیت سنی 20 تا 60 سال به تعداد 60 نفر) و مراجعه‌کننده‌ها به مراکز مشاوره (در مجموع با کمیت 119 نفر در شهر آباده) بودند. روش نمونه‌گیری در رویکرد فراترکیب، هدفمند و در بخش کمی، نیز به دلیل حساسیت موضوع و عدم همکاری عمومی، غیرتصادفی از نوع در دسترس انتخاب شد. روایی در شیوه کیفی از طریق شیوه مثلث‌سازی و در شیوه کمی از نوع محتوایی انجام و تایید شد. همچنین پایایی در رویکرد فراترکیب بر مبنای شاخص‌های لینکلن و گوبا (1985) و در بخش کمی از طریق برآورد ضرایب آلفای کرونباخ انجام شد. جهت تحلیل یافته‌های این مطالعه در بخش کیفی از اسنادکاوی و در بخش کمی نیز از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج در نهایت نشان داد، عوامل شخصیتی- خانوادگی، عوامل محیطی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل جسمی- روان‌شناختی و عوامل مالی- اقتصادی به عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق تشخیص داده شدند. به همین دلیل به نظر می‌رسد داشتن یک شخصیت فردی قوی، همراهی خانواده‌ها، تقویت درآمد اقتصادی، بهبود شرایط جسمی و روانی زوجین و حضور در محیط‌های آرام و شاد در کنار توجه ویژه زوجین و خانواده‌های آنها به مقوله‌های فرهنگی قبل از شکل‌گیری ازدواج از مواردی است که می‌تواند تا حدود زیادی از بروز طلاق و پیامدهای منفی حاصل از آن جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: افزایش طلاق، زوجین، آباده

¹ نویسنده مسئول : mhidary@iaubadeh.ac.ir

Study of the critical factors affecting the increase of divorce between couples living in Abadeh city

Maryam Hemti,

Department of Educational Sciences, Abadeh Branch, Islamic Azad University, Abadeh, Iran

Marzieh Heydari¹

*Associate Professor of Educational Sciences, Abadeh Branch, Islamic Azad university,
Abadeh, Iran*

Abstract

This research aims to "examine the key factors affecting the increase in divorce among couples living in Abadeh." The mixed method (qualitative and quantitative) uses the qualitative part of the meta composite approach and the quantitative part of the descriptive method of the correlation type. The statistical population in the qualitative section includes the existing Nepri foundations, including the most critical domestic and foreign studies related to the subject area of the research, and in the quantitative section, it includes the total of psychologists (59 people) and couples about to divorce (with an age limit of 20 to 60 years, 60 people). They were active in counseling centers (119 people in Abadeh city). The sampling method was targeted and theoretical. Validity was confirmed in a qualitative method using the triangulation method and in a quantitative method using the content type. Also, reliability in the meta-composite approach was determined based on Lincoln and Goba indices, and Cronbach's alpha coefficients estimated the quantitative part. In order to analyze the findings of this study, descriptive statistics (demographic indicators using SPSS software) and inferential statistics (resulting from structural equation modeling criteria were used in the qualitative part of the document analysis and the quantitative part. Finally, the results showed that personal-family, environmental, cultural-social, physical-psychological, and financial-economic factors were recognized. These critical factors affect the increase in divorce. For this reason, it seems that having a strong individual personality, accompanying families, strengthening economic income, improving the physical and mental conditions of couples, and being in calm and happy environments, along with special attention of couples and their families to cultural categories before the formation of marriage, are among the things, which can essentially prevent the occurrence of divorce and its negative consequences.

Keywords: Increasing divorce, Couples, Abadeh

¹Corresponding Author: mhidary@iauabadeh.ac.ir

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

مقدمه

یکی از معضلات مهم زندگی زناشویی در کنار ازدواج و آسیب‌شناسی‌های ازدواج پدیده طلاق است (ایمانزاده و همکاران، ۱۴۰۰). شیوع روزافزون این پدیده پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان حوزه خانواده و ازدواج را بر آن داشته‌است تا در مورد علل و عوامل تأثیرگذار بر طلاق؛ به بررسی و کنکاش بپردازند (دوندار^۱، ۲۰۲۲).

طلاق، به معنای پایان شرعی و قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است (میری و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین طلاق یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی است و کارشناسان بر این باورند که روند طلاق معمولاً به این ترتیب است: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و تشدید آن‌ها، جدایی یا بی‌میلی یکی از طرفین نسبت به دیگری، نزاع‌های طولانی مدت و تکرار آن، زوجین. خستگی ناشی از نزاع و درگیری، طلاق عاطفی و طلاق قانونی (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۱).

زوج‌ها زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می‌کنند اما محو شدن تدریجی صمیمیت اولیه را مشاهده می‌کنند. زوجین به مرور زمان با ریتمی یکنواخت و کسل‌کننده به زندگی خود ادامه می‌دهند، متوسل به الکل، پرخوری، مصرف مواد مخدر، روابط نامشروع شده در تلاش برای تجربه دوباره صمیمیت و صمیمیت جنسی در نهایت کارشان به طلاق می‌انجامد (علیجانی و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

دوباره پیش‌بین‌های شکست و موفقیت رابطه زناشویی؛ نظریه‌ها، مدل‌ها و رویکردهای متعددی مطرح شده‌است. در واقع، تحولات اجتماعی در کنار تضعیف خانواده مردسالار و رشد تعارضات و تقابل‌های اجتماعی فزاینده، به فروپاشی سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی جدید منجر شده‌است. این تحولات مفاهیم سنتی و شیوه‌های قدیمی زندگی خصوصی و خانوادگی را به چالش کشیده‌است (مصدق و همکاران^۳، ۲۰۲۳).

^۱ Dündar

^۲ Alijani et al

^۳ Mosadegh et al

برخی از پژوهش‌هایی که در مورد عوامل زمینه‌ساز طلاق صورت گرفته نشان داده که یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوج‌ها است. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (تابین و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

به نظر می‌رسد بررسی این موضوع می‌تواند به ارتقای فرهنگ جامعه در این زمینه کمک کند. همان‌طور که هر تحقیق علمی در عین این که از نظر شناختی و روش شناختی اهمیت دارد، کارکرد عملی نیز دارد با این حال، مرور مطالعات مختلف نشان داد که بیشتر این نوشته‌ها در قالب تحقیقات مقطعی و کمی دسته‌بندی شده‌اند و از این رو در این مطالعه سعی شده است از یک رویکرد آمیخته بر خلاف سایر مطالعات مشابه برای شناسایی عوامل موثر بر طلاق زوجین استفاده شود. برای این منظور در زیر به بررسی برخی از مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی مشابه پرداخته شده است.

به طور مثال میری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر طلاق در جامعه ایرانی؛ الگویابی با استفاده از روش دیمتل» استدلال کردند مؤلفه‌ی «عوامل اخلاقی» بیشترین اثرگذاری را بر سایر عناصر دارا بود و در مقابل «باورهای مذهبی» که کمترین مقدار را به خود اختصاص داد، که به شدت تحت تأثیر دیگر عناصر الگو قرار دارد و مهم‌ترین عامل اثرپذیر شناسایی شد. مؤلفه‌ی «عوامل روانی» بیشترین تعامل را با دیگر عوامل داشته است و در مرکز مدل قرار گرفت. همچنین، از بین عوامل فرعی هم، خیانت، عدم آمادگی روانی برای ازدواج، ازدواج تحمیلی با ضریب تعیین ۰/۵۸۶ در رتبه‌ی نخست، عدم تناسب سنی زوجین با ضریب تعیین ۰/۵۷۱ در رتبه‌ی دوم، خیانت خانواده‌ها با ضریب تعیین ۰/۵۰۱ در رتبه‌ی سوم، عدم ارضای نیازهای جنسی و فقدان خلق و خوی مناسب با ضریب تعیین ۰/۳۵۸ در رتبه‌ی چهارم و عدم تناسب اجتماعی و فرهنگی میان خانواده‌های زوجین با ضریب تعیین ۰/۳۱۲ در رتبه‌ی پنجم قرار دارد و بقیه ضرایب نیز در رتبه‌های بعدی قرار داشت.

اسکندری نژاد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک)» با بررسی ۹۰ مقاله از پایگاه‌های اطلاعاتی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور و پرتال جامع علوم انسانی،

^۱ Tobin et al

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

با کلیدواژه‌های علل و عوامل طلاق نشان دادند عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت‌شناختی و جسمی) و عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، قانونی و موقعیتی در ایجاد طلاق نقش داشتند. به علاوه، توجه به آمادگی‌های درونی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده نیز مزید علت شده و باعث افزایش روزافزون طلاق گردید. افزون‌بر آن، فرهنگ و عوامل شخصی و شخصیتی نشئت گرفته از فرهنگ به عنوان عامل مستعدساز، در رأس عوامل پدیدآورنده طلاق به‌شمار آمد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، عوامل زمینه‌ساز (فرهنگ و فاکتورهای شخصی و شخصیتی ناشی از فرهنگ)، از مهم‌ترین عواملی بود که سیر پیشرفت طلاق را کاهش داد و امید به پایداری و ثبات در زندگی زناشویی را بالا برد. عواملی مثل روابط نادرست بین زوجینی و اقتصاد، از نوع آشکارساز بود و در نهایت، قوانین و عوامل موقعیتی، تداوم بخش طلاق بود.

ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر طلاق و ارائه مدلی برای پیش بینی طلاق با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم» بین ۳۹۹ نفر از مراجعین به مراکز مشاوره شهر تبریز از سوی دادگاه خانواده در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ گزارش دادند رابطه جنسی، داشتن تحصیلات پایین، وجود سابقه ازدواج قبلی و تجربه خیانت یکی از زوجین از عوامل موثر در بروز طلاق بود و در نقطه مقابل تحصیلات بالاتر، وابستگی درآمدی (سطوح درآمدی پایین‌تر برای جنس مونث) و خانواده پرجمعیت پدری از مهم‌ترین دلایل رضایت و سازش زوجین در خانواده‌های مورد مطالعه بود.

رضانی فر و قدیمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل موثر بر طلاق عاطفی» بر اساس روش نظریه‌مبنایی در میان ۲۱ نفر از زنان درگیر طلاق عاطفی به روش هدفمند در شهرستان تنکابن نشان دادند مقولاتی همچون بی‌توجهی مردان به زنان، بی‌مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل و نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت موجب بروز طلاق عاطفی شد و عواملی همچون شرایط خانوادگی و دخالت‌های خانواده‌ها و پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت زمان ازدواج و سن زوجین موقع ازدواج باعث تشدید عوامل علی مؤثر بر طلاق عاطفی شد.

نیازی و افرا (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل موثر بر طلاق عاطفی» با بررسی ۵ مقاله در خصوص طلاق عاطفی از میان ۶۰ مقاله منتشر شده در

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

پایگاه‌های اطلاعاتی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ نشان دادند اندازه‌های اثر متغیرهای میزان دین‌داری زوجین معادل ۰/۳۱۶، میزان دخالت خانواده‌ها ۰/۳۰۳، ساختار قدرت در خانواده ۰/۳۸۷ است که برحسب نظام تفسیری کوهن متوسط رو به بالا ارزیابی شد.

عبدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق با استفاده از تحلیل شبکه عصبی» در قالب یک روش علی مقایسه‌ای بین ۳۳۳ فرد به شیوه نمونه‌گیری در دسترس که با زوجین غیرمتقاضی طلاق ۴۲۱ نفر که از بین والدین دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر تبریز انتخاب شده بودند نشان دادند متغیرهای رضایت از رابطه زناشویی، داشتن رابطه با خانواده همسر و بالابودن سطح تحصیلات همسر از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشین در عدم تقاضای طلاق و در نقطه مقابل درآمد بالای فرد، اختلاف سنی بالای زوجین، تجربه ازدواج قبلی فرد و تجربه خیانت از سوی همسر از مهم‌ترین عوامل پیش‌بین در بروز پدیده طلاق در بین نمونه آماری مورد مطالعه بود. همچنین از بین ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری اثر معناداری بر بروز طلاق در بین افراد مورد مطالعه داشت.

زارعان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه اخیر)» در قالب یک روش فراتحلیل نشان دادند عوامل اجتماعی و فرهنگی نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی بر طلاق مؤثرتر بودند. از میان عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق «ضعف زوجین در میزان کیفیت روابط اجتماعی با ۰/۴۰ و متغیر مشارکت اجتماعی ۰/۴۰ بیشترین نقش را در ناپایداری زندگی زناشویی ایفا کردند.

دلدار و فلاحی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استانهای ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی» در قالب یک الگوی اقتصادسنجی از نوع الگوی داده‌های تابلویی از نوع تاثیرات ثابت در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ در ۲۸ استان کشور تعیین کردند برآوردهای الگوی تجربی رابطه مثبت و معناداری بین طلاق و متغیرهای مستقل تحقیق را نشان داد، به طوری که با افزایش یک درصد بیکاری، ۰/۱۳۴ درصد طلاق افزایش یافت. هم‌چنین وقتی میزان تحصیلات عالی یک درصد افزایش یافت، میزان طلاق ۰/۱۳ درصد افزایش و در نهایت زمانی که میزان شهرنشینی یک درصد افزایش یافت، میزان طلاق، ۲/۸ درصد افزایش یافت. نتایج برآورد

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

تأثیرات استان ها حکایت دارد که عوامل ناشناخته در استان های کوچک و مذهبی همچون یزد و قم، تاثیر مثبت و در استان های بزرگ مثل تهران و خراسان، تأثیر منفی بر طلاق داشت.

کریمی و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی که با عنوان «بررسی سلامت روانی و شخصیتی زوجین عادی و در شرف طلاق» و بین ۸۷ زوج در شرف طلاق شهر اصفهان مورد بررسی قرار گرفت نشان دادند میزان سلامت روانی و شخصیتی افراد و مؤلفه های آن (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کنش اجتماعی، افسردگی) و مؤلفه های روان شناختی در زوجین عادی به طور معناداری بالاتر از زوجین طلاق بود. دوندار (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «نقش جنسیت در اثر اشتغال بر طلاق» در ۲۶ منطقه ترکیه نشان دادند افزایش اشتغال زنان، باعث افزایش میزان طلاق شد. تابین و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی ویژگی های مذهبی و فرهنگی زوجین در بخش طلاق» نشان دادند زوجینی که به راحتی از هم جدا شده و طلاق توافقی می گرفتند، هیچ گونه دل بستگی به هم نداشته و به لحاظ فرهنگی و مذهبی با هم فاصله داشتند. مهلتلوله^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «عوامل موثر در طلاق در بین زوج های جوان» نشان دادند تغییر ناگهانی شخصیت، عدم ارتباط و ارتباطات ضعیف، مشکلات مالی، سوءاستفاده و خیانت با طلاق در بین زوج های جوان مرتبط بود. فینکنار و حزام^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با هدف بررسی «مقایسه زوجین در شرف طلاق، در مقابله با عوامل فشارزای روانی» نشان دادند زوجین در طلاق توافقی با توجه به این که از اعتقادات مذهبی پائین تری برخوردار بودند، نسبت به فشارهای روانی مقاومت بیشتری از خود نشان دادند. کالمجن و همکاران^۳ (۲۰۰۵) در مطالعه ای با هدف بررسی «ازدواج و خطر طلاق و اثرات اختلاف در مذهب و ملیت» در بین زوجین کشور هلند نشان دادند اختلافات مذهبی و فرهنگی زوجین با توجه به ویژگی های هر فرد در اخذ مذهب و نوع فرهنگ، در بین زوجین عادی بسیار پائین اما بین زوجین طلاق به مراتب بالاتر بود. آن ها همچنین دریافتند که تفاوت ها در بین زوجین طلاق توافقی در مقوله مذهب پائین تر و در بین زوجین طلاق غیر توافقی تفاوت های مذهبی به مراتب بالاتر بود.

^۱ Mohlatlole

^۲ Finkenaur & Hazam

^۳ Kalmijn et al

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

این مطالعه البته می‌تواند در قیاس با سایر مطالعات مشابه نیز دارای نوآوری بوده و به‌نوعی حس کاربردی آن به مخاطب القا شود. چراکه این مطالعه بر خلاف سایر مطالعاتی که به اثرات عوامل مختلف بر میزان طلاق انجام شده است (براون، ۲۰۱۴)؛ به واکاوی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش طلاق اشاره دارد و قرار است مشخص نماید چه شاخص‌هایی روند صعودی مسیر اختلاف والدین را افزایش داده و متوقف نکرده‌است. ضمن آن‌که در این پژوهش سعی شده بین مراکز مشاوره و خانواده در شهر آباد و عواملی که می‌توانند چه به‌تنهایی و چه با تکمیل سایر عوامل به افزایش تعداد افرادی که طلاق گرفته و یا در شرف طلاق هستند، بپردازد که در مطالعات قبلی بدین شکل کمتر بدان پرداخته شده‌است. از این‌رو نتایج این مطالعه می‌تواند در راستای افزایش اطلاعات و آگاهی کلیه مدیران و مسئولین شهری، مراکز تخصصی مشاوره خانواده و روانشناسی، استادان حوزه علوم رفتاری و جامعه‌شناسی در شهر آباد، همچنین پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در این حوزه، مفید باشد.

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

در شهر مورد مطالعه این پژوهش (آباد)؛ همچون سایر شهرهای با جمعیت نسبتاً بالا و تا حدودی نیز مهاجرخیز مشکلات عدیده در ارتباط با ازدواج و همچنین سوگیری به سمت طلاق وجود دارد. عدم تناسب فرهنگی بین خانواده‌ها، عدم شناخت درست زوجین؛ تعجیل در برقراری یک ارتباطی که حتماً منجر به ازدواج شود، اجبار به ازدواج از سوی برخی از خانواده‌ها و بزرگان فامیل در کنار گسترش روزافزون اعتیاد به مواد مخدر به ویژه بین پسران، بیکاری و نبود شغل مناسب برای تأمین حداقل مخارج زندگی، ناپختگی سنی در هنگام ازدواج؛ عدم حمایت صحیح از فرزندان، دخالت‌های بیجا از سوی اطرافیان و والدین، مشکلات مالی و مانند آن، از مشکلاتی است که باعث افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد شده است. در این پژوهش با استفاده از یک فراترکیب سعی در شناخت این عوامل و میزان اثرگذاری آن در مسیر طلاق بین زوجین شده است تا با علم و آگاهی لازم در این خصوص، راه کارهای اجرایی برای کاهش این معضل ملی ارائه شود. اما ابهامی که باعث شده است، این پژوهش در شهر آباد انجام گیرد؛ افزایش میزان طلاق زوجین به ویژه در ۵ سال اخیر در شهرستان مذکور بوده است. این مطالعه، هم درصدد کشف مهم ترین عوامل افزایش طلاق است و هم به دنبال آسیب شناسی هرچند ابتدایی، به عنوان اولین گام در راستای کاهش میزان طلاق در شهر آباد است. از این رو، پرسش های اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد کدامند؟
۲. عوامل شناسایی شده تا چه اندازه اعتبار دارند؟

روش پژوهش

در این مطالعه از یک روش ترکیبی (کیفی- کمی) برای گردآوری داده‌های موردنظر به شرح زیر استفاده شد:

بخش کیفی

برای این منظور، ابتدا در شیوه کیفی از رویکرد فراترکیب استفاده شد. این رویکرد به عنوان یکی از رویکردهای معمول شیوه کیفی به ویژه در یک دهه اخیر، بسیار پر کاربرد شده است و به دلیل مرور نسبتاً جامع و سامانمند مطالعات قلمرو موضوعی پژوهش پیش روی، از اهمیت بنیادی برخوردار است. در بخش کیفی این مطالعه، کدهای مفهومی و عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق زوجین

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

ساکن از بین اسناد موجود بالادستی و حدود ۳۵ مطالعه داخلی و خارجی گردآوری شد که پس از حذف مطالعات غیرمرتبط، تعداد ۲۰ مطالعه مرتبط (در مورد عوامل موثر بر طلاق توافقی و غیر توافقی زوجین در داخل و خارج از کشور)، در جامعه نمونه، نهایی شد. پس از تعیین کدهای مفهومی، مانند اکثریت رویکردهای روش کیفی، کدها در سه مرحله (باز، محوری و انتخابی) غربال شد و در نهایت ۵ مقوله اصلی به عنوان عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین استخراج و تثبیت شد. جهت اعتبار سنجی در در بخش‌های روایی داده‌ها از شیوه مثلث‌سازی از نوع مؤلفین (انتخاب کد مفهومی که حداقل سه مؤلف بر روی آن نظر داشته باشند) و جهت پایایی یا همان صحت داده‌ها، از چهار معیار شامل مقبولیت^۱، قابلیت اطمینان^۲، قابلیت انتقال^۳ و قابلیت تأیید^۴ لینکلن و گوبا^۵ (۱۹۸۵) استفاده شد. در این بخش، برای تأیید اعتبار و مقبولیت داده‌ها، از روش درگیرشان با داده‌ها در طول مدت حداقل سه ماه مداوم استفاده شد. همچنین بررسی مستندات موجود اعم از مطالعات داخلی و خارجی برای قابلیت اطمینان استفاده شد. معیار سوم قابلیت انتقال، یعنی کاربردی بودن داده‌ها در محیط‌ها و گروه‌های مشابه بود و در نهایت نیز، جهت تعیین وضعیت معیار چهارم یعنی قابلیت تأیید، تمامی مراحل از زمان شروع کدگذاری تا تبدیل به مقوله، ثبت شد تا پژوهشگران آتی، بتوانند از مستندات مکتوب این مطالعه بهره ببرند و این خود مصداق قابلیت تأیید بود.

بخش کمی

در بخش کمی استفاده از روش پیمایشی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مدنظر بوده است. جامعه آماری در این شیوه، کلیه مدیران مراکز مشاوره و روان‌شناسان فعال در مراکز مشاوره آباده و زوجین متقاضی طلاق و در شرف طلاق بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کمی؛ نمونه‌گیری در دسترس بود، زیرا استفاده از برخی از خبرگان؛ جهت پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه مدنظر بود و نمونه مورد نظر در بخش کمی شامل مدیران مراکز مشاوره و روان‌شناسان فعال در مراکز مشاوره

^۱ credibility

^۲ dependability

^۳ transferability

^۴ conformability

^۵ Lincoln & Guba

واکاوی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

آباد (۵۹ نفر) و برخی از زوجین متقاضی طلاق و در شرف طلاق که به مراکز مشاوره مراجعه می‌کردند (۶۰ نفر)، بودند که به دلیل محدودیت در جذب این افراد، با لحاظ محدود کردن سن از ۲۰ سال تا ۶۰ سال، کلیه افراد در دسترس (۱۱۹ نفر) برای این منظور انتخاب و مورد استفاده قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده در بخش کمی، استفاده از پرسشنامه بر اساس مطالعات نظری بود. در نهایت برای بررسی پایایی در بخش کمی نیز از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد که این مقدار پس از تدوین مدل و محاسبات نهایی، برای عوامل محیطی ۰/۷۴، عوامل فرهنگی و اجتماعی ۰/۹۱، عوامل جسمی و روان شناختی ۰/۸۲، عوامل مالی و اقتصادی ۰/۷۹، عوامل شخصیتی و خانوادگی ۰/۸۱ و طلاق ۰/۸۱ برآورد گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از نرم افزار SPSS و در بخش استنباطی از نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پاسخ به سوال اول پژوهش: عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد کدام است؟ برای عملیاتی کردن متغیرها در این پژوهش، در ابتدا در شیوه کیفی با استفاده از رویکرد فراترکیب و در قالب اسناد کاوی مدارک، مستندات و مهم‌تر از همه مطالعات پیشین، مفاهیم نظری استخراج و پس از تبدیل به کدهای نهایی یا انتخابی؛ مدل مفهومی و یا پژوهشی تدوین شد. کدهای استخراجی برای هر جواب مقایسه شد و در صورت مشابهت، حذف گشت. بدین ترتیب که زمان اتمام اسناد کاوی در رویکرد فراترکیب؛ پس از اتمام کدگذاری، مضامین کدگذاری شده باز تکراری، حذف شد تا کدهای باز غیر تکراری مشخص شود. سپس کل کدهای باز (۴۴ کد) در مرحله دوم، به کدهای محوری (۱۰ کد) تبدیل شد. در این مرحله، کدها به مضامین واقعی‌تر و البته نزدیک‌تر به قلمرو موضوعی مورد بررسی تبدیل شد. به طوری که هر کد دارای اهمیت؛ خود دارای یک جدول شد و کدهای مرتبط با آن در مرحله کدگذاری باز به عنوان زیرمجموعه این کد محوری، قرار گرفت. در این مرحله نیز پس از حذف کدهای محوری تکراری و یا عدم توافق بر ارتباط بین کدهای باز با کدهای محوری در هر بخش، کدهای محوری مورد توافق، ثبت و وارد مرحله بعد یعنی کدگذاری انتخابی شد. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز، پس از حذف کدهای کم‌اهمیت و تکراری، هر کد انتخابی، شامل چندین کد محوری، نزدیک به هم شد و در نهایت

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مضامین مورد نظر در قالب کدهای مفهومی انتخابی (۵ کد) استخراج گشت. پس از شکل‌گیری کدها، مدل مفهومی و یا پژوهشی تدوین شد. در ادامه یافته‌های حاصل از کدگذاری آورده شده است.

تحلیل بخش کیفی

جدول ۱. کدگذاری باز در فواترکیب

واکای عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین	
ردیف	کدهای مفهومی باز
۱	تغییر ناگهانی شخصیت
۲	اخلاق فردی
۳	اخلاق اجتماعی
۴	عدم مشارکت خلاق
۵	شغل زوجین
۶	درآمد زوجین
۷	سن زوجین
۸	دین‌داری زوجین
۹	ارتباطات ضعیف
۱۰	ساختار قدرت در خانواده
۱۱	اقتصاد خانواده
۱۲	شرایط خانوادگی
۱۳	دخالت‌های خانوادگی
۱۴	مدت زمان ازدواج
۱۵	بی‌توجهی مردان به زنان
۱۶	روابط زناشویی و جنسی
۱۷	عدم حضور مؤثر مردان در منزل
۱۸	تغییرات فرهنگی و اجتماعی
۱۹	روابط نادرست زوجین
۲۰	ضعف زوجین در میزان کیفیت روابط اجتماعی
۲۱	مشارکت اجتماعی
۲۲	نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت
۲۳	فرهنگ فردی و اجتماعی
۲۴	افزایش اشتغال زنان
۲۵	افزایش فاصله فرهنگی و مذهبی
۲۶	تغییرات اجتماعی
۲۷	سوءاستفاده و خیانت
۲۸	فشارهای روانی

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

۲۹	سلامت روانی و شخصیتی افراد
۳۰	علائم جسمانی افراد
۳۱	اختلال خواب
۳۲	اختلال در کنش اجتماعی
۳۳	اضطراب
۳۴	افسردگی
۳۵	روان رنجورخویی
۳۶	تجربه پذیری
۳۷	وظیفه‌شناسی
۳۸	افکار پارائونیدی
۳۹	نوع ازدواج
۴۰	اختلال خواب
۴۱	نبود درآمد کافی
۴۲	بیکاری در بین به‌ویژه مردان
۴۳	بدن‌درد
۴۴	مشکلات و فشارهای جسمی

جدول ۲. کدگذاری محوری در فراترکیب

ردیف	کدهای مفهومی باز	کد مرتبط محوری	منبع
1	تغییر ناگهانی شخصیت		
2	اخلاق فردی	ویژگی‌های شخصیتی	اسکندری‌نژاد و همکاران (1400)
3	اخلاق اجتماعی		میری و همکاران (1401)
4	عدم مشارکت خلاق		عبدی و همکاران (1398)
5	شغل زوجین		میری و همکاران (1401)
6	درآمد زوجین	ویژگی‌های جمعیت	عبدی و همکاران (1398)
7	سن زوجین	شناختی	رمضانی فر و قدیمی (1400)
8	دین‌داری زوجین		نیازی و افرا (1399)
			عنایت و همکاران (1392)
9	ارتباطات ضعیف		فینکنار و حزام (2010)
10	ساختار قدرت در خانواده		نیازی و افرا (1399)
11	اقتصاد خانواده	ویژگی‌های موروثی و خانوادگی	فینکنار و حزام (2010)
12	شرایط خانوادگی		رمضانی فر و قدیمی (1400)
13	دخالت‌های خانوادگی		نیازی و افرا (1399)
14	مدت‌زمان ازدواج		رمضانی فر و قدیمی (1400)

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

	شرایط ازدواج	بی توجهی مردان به زنان	15
اسکندرنیژاد و همکاران (1400)		روابط زناشویی و جنسی	16
عنایت و همکاران (1392)		عدم حضور مؤثر مردان در منزل	17
کالمجن و همکاران (2005)	مشکلات فرهنگی	تغییرات فرهنگی	18
اسکندرنیژاد و همکاران (1400)		روابط نادرست زوجین	19
مهلتلوله (2018)		افزایش فاصله فرهنگی و مذهبی	20
زارعان (1396)		ضعف زوجین در میزان کیفیت روابط اجتماعی	21
اسکندرنیژاد و همکاران (1400)	مشکلات اجتماعی	تغییرات اجتماعی	22
زارعان (1396)		مشارکت اجتماعی	23
رضائی فر و قدیمی (1400)		نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت	24
مهلتلوله (2018)		فرهنگ فردی و اجتماعی	25
دوندار (2022)		افزایش اشتغال زنان	26
کریمی و همکاران (1392)	مشکلات جسمی	فشارهای جسمی	27
اسکندرنیژاد و همکاران (1400)		درد بدن	28
زارعان (1396)		علائم جسمانی افراد	29
میری و همکاران (1401)		سوءاستفاده و خیانت	30
ایمان زاده و همکاران (1400)		فشارهای روانی	31
کالمجن و همکاران (2005)			
عبدی و همکاران (1398)		سلامت روانی و شخصیتی افراد	32
		اختلال خواب	33
کریمی و همکاران (1392)	مشکلات روان شناختی	اختلال در کنش اجتماعی	34
		اضطراب	35
		افسردگی	36
		روان رنجورخویی	37
شاهمرادی و همکاران (1390)		تجربه پذیری	38
		وظیفه شناسی	39
		افکار پارانوئیدی	40
		نوع ازدواج	41
عبدی و همکاران (1398)	مشکلات مالی خانواده	نبود درآمد کافی	42
زارعان (1396)		بیکاری در بین به‌ویژه مردان	43
رضائی فر و قدیمی (1400)	مشکلات اقتصادی جامعه	میزان تورم	44
اسکندرنیژاد و همکاران (1400)		قدرت خرید کم	45

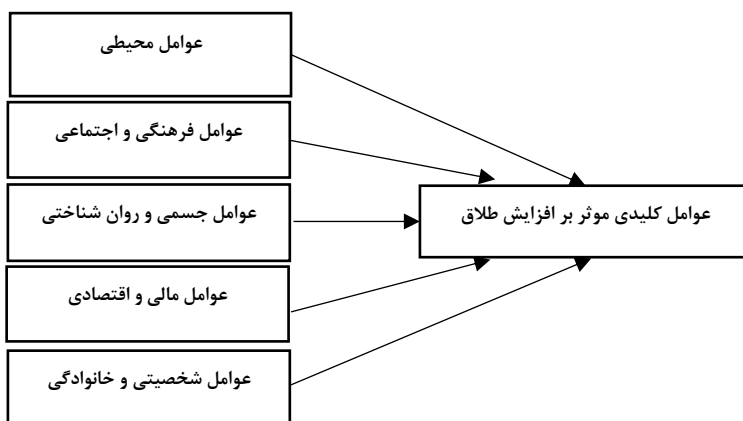
جدول 3. کدگذاری انتخابی در فراترکیب

واکاوی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین		
رديف	کدهای مفهومی	کد مرتبط انتخابی
	محوری	

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

عوامل محیطی	شرایط ازدواج	1
عوامل شخصیتی و خانوادگی	ویژگی‌های شخصیتی	2
	ویژگی‌های جمعیت شناختی	3
	ویژگی‌های موروثی و خانوادگی	4
	مشکلات فرهنگی	5
عوامل فرهنگی و اجتماعی	مشکلات اجتماعی	6
	مشکلات جسمی	7
عوامل جسمی و روان‌شناختی	مشکلات روانی	8
	مشکلات مالی	9
عوامل مالی و اقتصادی	خانواده	10
	مشکلات اقتصادی	
جامعه		

پس از مشخص شدن کدهای انتخابی، مقوله‌های اصلی به‌عنوان عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین به‌صورت زیر در قالب شکل شماره ۱ نمایش داده شده است.

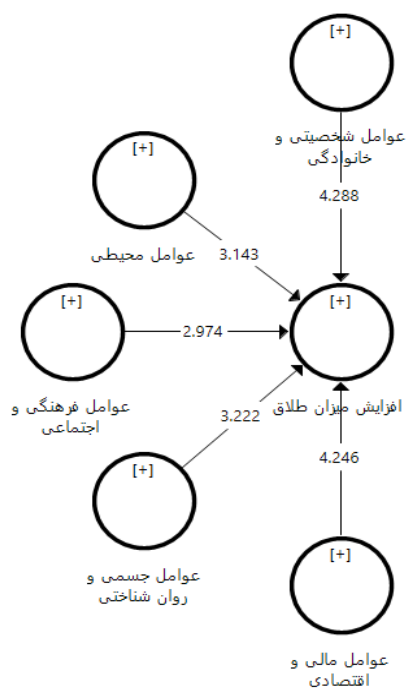


شکل ۱. مدل استخراجی پژوهش از بخش کیفی

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تحلیل بخش کمی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری

پاسخ به سوال دوم پژوهش: عوامل شناسایی شده تاثیر گذار بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آبادیه تا چه اندازه اعتبار دارند؟ پس از استخراج مدل پژوهش حاصل از اسناد کاوی و فراترکیب، در بخش کمی برای بررسی هم زمان روابط بین متغیرها و برازش مدل استخراجی پژوهش کیفی از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است که در ادامه یافته های بخش کمی آورده شده است. قبل از بررسی انواع سازگاری درونی باید مشخص شود، ارتباط معناداری بین متغیرها وجود دارد یا خیر؟



شکل ۲. ضرایب معناداری در مدل

مطابق با شکل ۲ کلیه ضرایب بین متغیرهای مستقل با وابسته در سطح حداقل ۰/۰۱ معنادار است. از این رو اولین و مهم ترین معیار در این بخش مورد تأیید است.

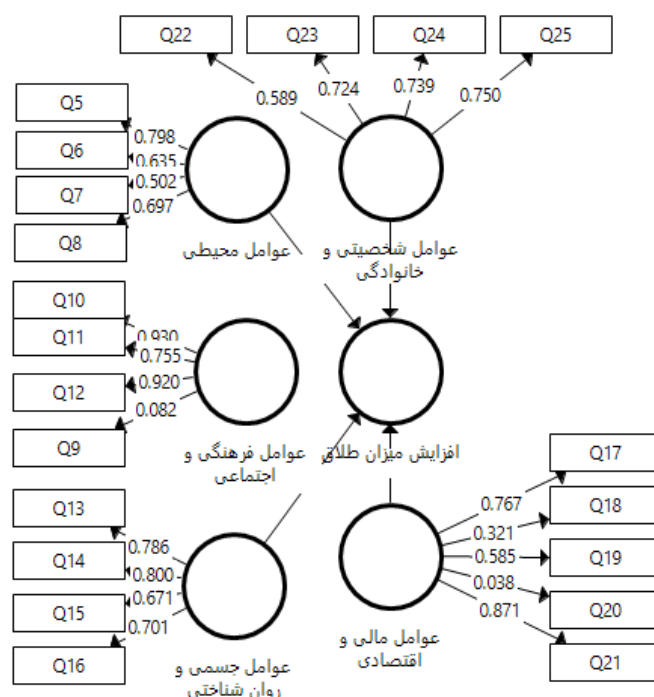
واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

سازگاری درونی (پایایی به روش کروناخ و پایایی به صورت مرکب/ ترکیبی)

جدول ۴. مقادیر سازگاری درونی در مطالعه نهایی

متغیرها	گروه‌های مرتبط	تعداد گروه	پایایی کروناخ	پایایی مرکب
افزایش طلاق	گروه‌های ۱-۴	۴	۰/۷۱۴	۰/۷۴۸
عوامل محیطی	گروه‌های ۵-۸	۴	۰/۷۲۶	۰/۷۶۶
عوامل فرهنگی و اجتماعی	گروه‌های ۹-۱۲	۴	۰/۷۴۸	۰/۷۸۳
عوامل جسمی و روان‌شناختی	گروه‌های ۱۳-۱۶	۴	۰/۷۲۱	۰/۷۴۴
عوامل مالی و اقتصادی	گروه‌های ۱۷-۲۱	۵	۰/۸۳۶	۰/۸۴۹
عوامل شخصیتی و خانوادگی	گروه‌های ۲۲-۲۵	۴	۰/۷۳۳	۰/۷۷۷

با توجه به مناسب بودن ضرایب پایایی کروناخ و مرکب در مؤلفه‌های مدل که همگی بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد، این معیار مورد قبول است.



..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

شکل ۳. مقادیر بار عاملی/ پایایی معرف

پایایی معرف یا بار عاملی: شکل ۳ ارقام پایایی معرف و یا پایایی شاخص‌ها موسوم به بار عاملی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی پایایی پس از سازگاری درونی نشان می‌دهد. ضریب بسیار خوب برای بار عاملی؛ مطابق با نظرات مؤلفین روش حداقل مربعات جزئی برابر با حداقل ۰/۶ است (هیر و همکاران، ۲۰۱۶). به گفته هیر و همکاران (۲۰۱۶) زمانی که ضرایب کمتر از ۰/۶ بود حذف گویه باید با احتیاط بسیار زیاد صورت گیرد و یا با تغییر گویه در یک بعد، نیاز به حذف گویه نباشد. مطابق با شکل ۲، گویه‌های ۹، ۱۸، ۲۰ باید با لحاظ احتیاط کامل، از شاخص‌ها حذف شوند. البته ضرایب نزدیک به ۰/۶ در صورتی به‌طور قطعی حذف می‌شود که، تعداد شاخص‌های یک متغیر جوابگوی ادامه مسیر در مدل باشد. به نظر می‌رسد گویه‌های شماره ۹، ۱۸ و ۲۰ باید با لحاظ احتیاط از متغیرهای مرتبه اول درون مدل در شکل ۳ حذف شوند.

روایی سازه: همگرا و یا میانگین واریانس استخراج‌شده

جدول ۵. مقادیر روایی همگرا

متغیرها	گویه‌های مرتبط	تعداد گویه	مقادیر روایی همگرا
افزایش طلاق	گویه‌های ۱-۴	۴	۰/۶۶۴
عوامل محیطی	گویه‌های ۵-۸	۴	۰/۶۴۱
عوامل فرهنگی و اجتماعی	گویه‌های ۹-۱۲	۴	۰/۶۰۷
عوامل جسمی و روان‌شناختی	گویه‌های ۱۳-۱۶	۴	۰/۶۴۷
عوامل مالی و اقتصادی	گویه‌های ۱۷-۲۱	۵	۰/۷۰۸
عوامل شخصیتی و خانوادگی	گویه‌های ۲۲-۲۵	۴	۰/۶۱۴

پس از مشخص شدن خروجی نرم‌افزار در شاخص روایی همگرایی جدول ۵، به شرط بالاتر بودن روایی همگرا برای اکثریت متغیرهای مرتبه اول از ۰/۵؛ ضرایب نیز قابل قبول است. مطابق با جدول ۵، کلیه ضرایب بالاتر از ۰/۵ بوده و مورد قبول است.

جدول ۶. مقادیر روایی افتراقی از طریق ماتریس فورنل و لارکر

متغیرها	1	2	3	4	5	6
1 عوامل محیطی	0/815					
2 افزایش طلاق	0/245	0/8				
3 عوامل فرهنگی و اجتماعی	0/514	0/207	0/779			

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

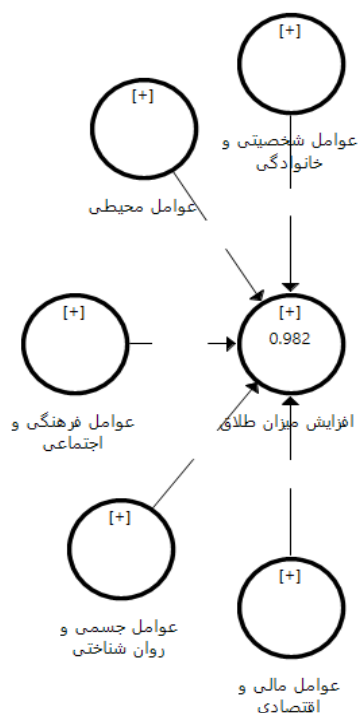
4	عوامل جسمی و روان‌شناختی	0/662	0/541	0/744	0/804
5	عوامل مالی و اقتصادی	0/046	0/711	0/665	0/301
6	عوامل شخصیتی و خانوادگی	0/312	0/695	0/121	0/664
					0/258
					0/783

روایی افتراقی (واگرا): در صورتی که جذر روایی واگرا در ستون دوم جدول ۶ بزرگ‌تر از روایی همگرا باشد، همبستگی بین روایی همگرای ابعاد جدول، بالاتر از روایی واگرای آن‌ها است و روایی افتراقی و یا همان واگرا؛ مورد تأیید است.

بررسی ضریب R^2 :

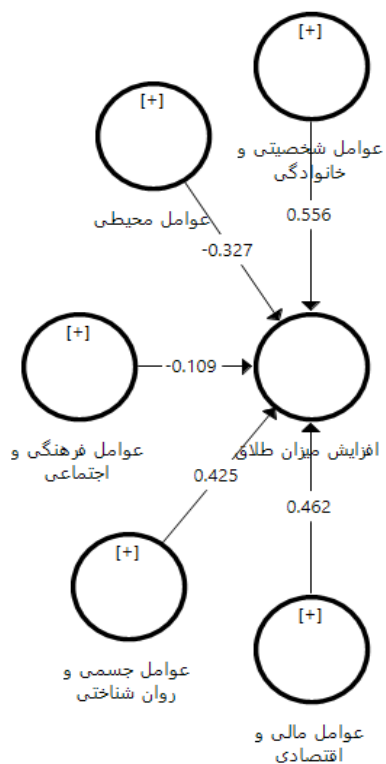
بررسی ضریب R^2 یکی از معیارها برای بررسی برازش مدل ساختاری است. طبق نتایج شکل (4) با توجه به این که عدد درون دایره متغیرهای درون‌زای مدل بالاتر از رقم 0/33 است (0/982)، این معیار قابل قبول بوده است.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳



شکل 4. ضرایب R^2 ویژه متغیرهای درون زای مدل

واکاوی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

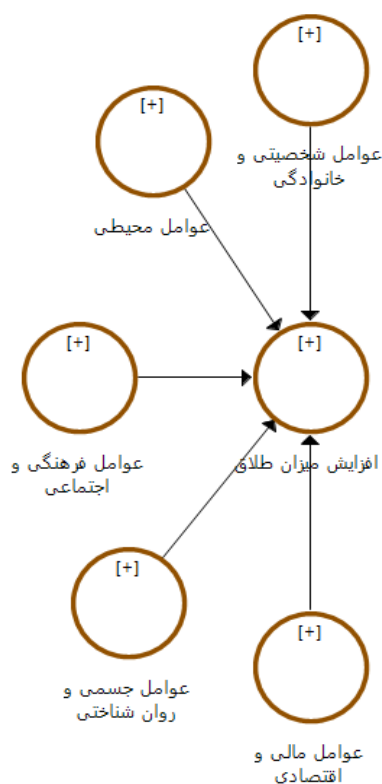


شکل ۵. خروجی ضرایب استاندارد مسیر

ضرایب استاندارد مسیر: مطابق با شکل ۵ مشخص می‌شود که تأثیرپذیری و یا همان تغییرات واریانسی و قدرت پیش‌بینی متغیرهای برون‌زا بر درون‌زا به چه میزان بوده‌است. به طور مثال عوامل مالی و اقتصادی به میزان ۴۶۲/۴۶ درصد، توانسته بر افزایش میزان طلاق مؤثر باشد.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

برازش مدل



شکل 6. مدل برازش شده

جدول ۷. شاخص برازش مدل

مدل تخمین زده شده	مدل اشباع شده	شاخص های برازش مدل
0/1478	0/1478	SRMR
17/3011	17/3011	d_ULS

با توجه به خروجی شکل ۶ و جدول ۷ اعداد برازش در حالت اشباع شده و تخمین زده شده یکسان است و نشانه تأیید برازش مدل پژوهشی است.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف واکاوی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن شهر آبادان انجام شد. در بخش کیفی ابعاد مدل اکتشافی نشان می دهند، ۵ عامل شخصیتی- خانوادگی، عوامل

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباده

محیطی، عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل جسمی-روان‌شناختی و عوامل مالی-اقتصادی به عنوان عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن شهر آباده مشخص و تدوین شد. پس از تعیین ۵ عامل کلیدی فوق، نتایج نمونه آماری مورد نظر برای صحنه گذاشتن بر اثرات این عوامل بر افزایش طلاق، از طریق برازش مدل در قالب استراتژی مدل سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی، به شرح زیر تعیین شد:

عوامل محیطی: مطابق با نتایج به دلیل معناداری ضرایب مرتبط و معیارهای مربوطه در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ عوامل محیطی بر افزایش طلاق بین زوجین معتبر می باشد. نتایج حاصل همسو با نتایج مطالعات رضوانی فرو قدیمی (۱۴۰۰) و دوندار (۲۰۲۲) است که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر عوامل محیطی مؤثر بر طلاق تأکید داشته‌اند. در همین باره به طور مثال، رضوانی فر و قدیمی (۱۴۰۰) نشان دادند مقولاتی همچون بی‌توجهی مردان به زنان، بی‌مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، عدم حضور مؤثر در منزل و نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت موجب بروز طلاق عاطفی شد و عواملی همچون شرایط خانوادگی و دخالت‌های خانواده‌ها و پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت زمان ازدواج و سن زوجین موقع ازدواج باعث تشدید عوامل علی مؤثر بر طلاق عاطفی شد. و دوندار (۲۰۲۲) نیز نشان داد بین مردان و زنان شاغل در طلاق تفاوت معناداری مشاهده نشد. اما افزایش اشتغال زنان، باعث افزایش میزان طلاق شد. در تبیین این فرضیه می توان عنوان داشت یکی از مهم‌ترین مواردی که می تواند زوجین را در مسیر طلاق قرار دهد، تحت تأثیر شرایط و عوامل بیرون از خانه قرار گرفتن است که می تواند جوی را در قالب شاخص محیطی در فضای کاری و یا فضای ارتباطی بین همسایگان، اطرافیان و غیره ایجاد نماید و همین موضوع، افراد را در مسیر دو دلی برای ادامه مسیر زندگی مشترک قرار دهد و از این رو می تواند یکی از عوامل موثر بر افزایش میزان طلاق بین شهروندان باشد.

عوامل فرهنگی و اجتماعی: مطابق با نتایج، به دلیل معناداری ضرایب مرتبط و معیارهای مربوطه در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ عوامل فرهنگی و اجتماعی بر افزایش طلاق بین زوجین معتبر است. نتایج حاصل همسو با نتایج مطالعات نیازی و افرا (۱۳۹۹)، تاین و همکاران (۲۰۲۰)، فینکنار و حزام (۲۰۱۰) و کالمجن و همکاران (۲۰۰۵) است که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر طلاق تأکید داشته‌اند. در همین باره به طور مثال، نیازی و افرا (۱۳۹۹)

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

نشان دادند اندازه‌های اثر متغیرهای میزان دین‌داری زوجین معادل ۳۱۶/، میزان دخالت خانواده‌ها ۳۰۳/، ساختار قدرت در خانواده ۳۸۷/ است که بر حسب نظام تفسیری کوهن متوسط رو به بالا ارزیابی شد. تابین و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند زوجینی که به‌راحتی از هم جدا شده و طلاق توافقی می‌گرفتند، هیچ‌گونه دل‌بستگی به هم نداشته و به لحاظ فرهنگی و مذهبی با هم فاصله داشتند. فینکنار و حزام (۲۰۱۰) نشان دادند زوجین در طلاق توافقی با توجه به این که از اعتقادات مذهبی پائین تری برخوردار بودند، نسبت به فشارهای روانی مقاومت بیشتری از خود نشان دادند. و در نهایت، کالمجن و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند اختلافات مذهبی و فرهنگی زوجین با توجه به ویژگی‌های هر فرد در اخذ مذهب و نوع فرهنگ، در بین زوجین عادی بسیار پائین اما بین زوجین طلاق به‌مراتب بالاتر بود. آن‌ها همچنین دریافتند که تفاوت‌ها در بین زوجین طلاق توافقی در مقوله مذهب پائین تر و در بین زوجین طلاق غیر توافقی تفاوت‌های مذهبی به‌مراتب بالاتر بود. در تبیین این فرضیه می‌توان عنوان داشت همانند عوامل محیطی، یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند زوجین را در مسیر طلاق قرار دهد، شرایط اختلافی مذهبی و فرهنگی و یا اختلاف سطوح فرهنگی خانوادگی است. در صورتی که در بخش مذهبی هر دو همسو نباشند و یا اختلاف‌های نسبتاً عمیقی داشته باشند مسیر طلاق هموارتر خواهد شد. در مورد اختلاف فرهنگی بین دو خانواده نیز وضع به همین منوال است به طوری که اختلاف خانواده‌های شهری و روستایی، اختلاف قبیله‌ای، اختلاف در سلیقه فرهنگی و مانند آن و حتی دوری و یا عدم درک فرهنگ‌های یکدیگر از عوامل مهم و مؤثر بر توسعه طلاق شهنروندی است.

عوامل جسمی و روان‌شناختی: مطابق با نتایج، به‌دلیل معناداری ضرایب مرتبط و معیارهای مربوطه در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ عوامل جسمی و روان‌شناختی بر افزایش طلاق بین زوجین معتبر می‌باشد. نتایج حاصل همسو با نتایج مطالعات کریمی و همکاران (۱۳۹۲) است که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر اثرات عوامل جسمی و روان‌شناختی مؤثر بر طلاق تأکید داشته‌است. در همین باره به‌طور مثال، کریمی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند میزان سلامت روانی و شخصیتی افراد و مؤلفه‌های آن (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کنش اجتماعی، افسردگی) و مؤلفه‌های روان‌شناختی در زوجین عادی به‌طور معناداری بالاتر از زوجین بود و تفاوت معناداری بین ویژگی‌های روان‌شناختی زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی نهان شد. در تبیین این

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

فرضیه می‌توان عنوان داشت، بدون شک سلامت عقلانی و جسمانی دو طرف بسیار مهم است، که البته بهتر است قبل از ازدواج بیشتر بدان توجه شود و لازم است در این باره مشاوران و موارد مشابه کمک نمایند؛ اما به‌طور کلی اختلال‌های روانی و مشکلات روان‌شناختی و حتی مشکلات جسمی که شاید حتی بعد از ازدواج خود را نشان دهد، یکی از شرایط مؤثر بر ایجاد طلاق شهروندان است.

عوامل مالی و اقتصادی: مطابق با نتایج، به دلیل معناداری ضرایب مرتبط و معیارهای مربوطه در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ عوامل مالی و اقتصادی بر افزایش طلاق بین زوجین معتبر می‌باشد. نتایج حاصل همسو با نتایج مطالعات زارعان (۱۳۹۶) و مهلتوله (۲۰۱۸) است که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر اثرات عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر طلاق تأکید داشته‌اند. در همین باره به‌طور مثال، زارعان (۱۳۹۶) نشان دادند در مجموع از میان ۷۰ مقاله و ۳۸ پایان‌نامه فارسی «تنها ۱۴ مقاله که با موضوع بررسی عوامل مؤثر بر طلاق» شرایط حضور در فرا تحلیل کمی را داشتند وارد تحلیل شدند و مشخص شد عوامل اجتماعی و فرهنگی نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی بر طلاق مؤثرتر بودند. از میان عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق «ضعف زوجین در میزان کیفیت روابط اجتماعی با ۰/۴۰ و متغیر مشارکت اجتماعی با ۰/۴۰ بیشترین نقش را در ناپایداری زندگی زناشویی ایفا کردند. مهلتوله (۲۰۱۸) نیز نشان دادند تغییر ناگهانی شخصیت، عدم ارتباط و ارتباطات ضعیف، مشکلات مالی، سوءاستفاده و خیانت با طلاق در بین زوج‌های جوان مرتبط بود. در تبیین این فرضیه می‌توان عنوان داشت در کنار تمامی موارد مؤثر بر توسعه و افزایش میزان انواع طلاق به‌ویژه عاطفی زوجین شاید یک مورد از همه مهمترین و بدون شک دارای اثربخشی بالاتری باشد زیرا بر همه موارد اولویت داشته و به نوعی می‌تواند عوامل دیگر را نیز تعدیل نماید. موارد مالی و اقتصادی، سطوح درآمدی، شرایط مثبت اقتصادی خانواده و غیره می‌تواند تا حدودی اختلاف‌ها و نزاع‌های زوجین را کاسته و تا حدی از مسیر طلاق دور نماید. خانواده‌ای که همواره برای معیشت اولیه و یا در سطحی بالاتر خریدهای زن خانه و غیره مشکل دارد، در طولانی مدت نمی‌تواند سازگاری را حفظ کرده و طلاق حادث می‌شود.

عوامل شخصیتی و خانوادگی: مطابق با نتایج به دلیل معناداری ضرایب مرتبط و معیارهای مربوطه در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری؛ عوامل شخصیتی و خانوادگی بر افزایش طلاق بین زوجین

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

معتبر می‌باشد. نتایج حاصل همسو با نتایج مطالعات اسکندری نژاد و همکاران (۱۴۰۰) است که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر اثرات عوامل جسمی و روان‌شناختی موثر بر طلاق تأکید داشته‌است. در همین باره به‌طور مثال، اسکندری نژاد و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت‌شناختی و جسمی) و عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، قانونی و موقعیتی در ایجاد طلاق نقش داشتند. به‌علاوه، توجه به آمادگی‌های درونی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده نیز مزید علت شده و باعث افزایش روزافزون طلاق گردید. افزون‌بر آن، فرهنگ و عوامل شخصی و شخصیتی نشأت گرفته از فرهنگ به‌عنوان عامل مستعدساز، در رأس عوامل پدیدآورنده طلاق به‌شمار آمد. براساس نتایج به‌دست آمده، عوامل زمینه‌ساز (فرهنگ و فاکتورهای شخصی و شخصیتی ناشی از فرهنگ)، از مهم‌ترین عواملی بود که سیر پیشرفت طلاق را کاهش داد و امید به پایداری و ثبات در زندگی زناشویی را بالا برد. عواملی مثل روابط نادرست بین زوجین و اقتصاد، از نوع آشکارساز بود و درنهایت، قوانین و عوامل موقعیتی، تداوم بخش طلاق بود. در نهایت در تبیین این فرضیه مانند سایر فرضیه‌های این پژوهش باید عنوان شود عوامل شخصیتی که البته تا حدودی می‌تواند نزدیک به عوامل روان‌شناختی باشد می‌تواند زوجین را برای جدایی عاطفی تحت تأثیر قرار دهد. اگرچه مسائل روان‌شناختی خود بخش مهمی از شخصیت است، اما منظور در این بعد، ویژگی‌های اصلی فردی و جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن، تعداد اعضا خانواده، ترتیب جنسیت اعضای خانواده و یا متأهل و مجرد بودن اعضای خانواده‌ها باشد که مطابق با برخی از مطالعات جدید می‌توانند در مسیر طلاق و یا عدم طلاق مؤثر باشند.

بر اساس نتایج پژوهش، که مشخص شد عوامل محیطی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل جسمی - روان‌شناختی، عوامل مالی - اقتصادی و عوامل شخصیتی - خانوادگی به‌عنوان عوامل کلیدی بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن شهر آبادیه مؤثر می‌باشد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به تأثیر عوامل محیطی بر افزایش طلاق، پیشنهاد می‌شود بر ساختار قدرت با محوریت مرد در خانواده تجدیدنظر صورت گرفته و محوریت خانه و خانواده با تعدیل بین زن و مرد انجام شود.
- با توجه به تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر افزایش طلاق، پیشنهاد می‌شود دخالت‌های اجتماعی در زندگی زوجین کمتر شود تا اثرات نامطلوب اطرافیان کاهش یابد و قبل از ازدواج به تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی توجه ویژه شود.

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آباد

- با توجه به تأثیر عوامل جسمی و روان‌شناختی بر افزایش طلاق، پیشنهاد می‌شود اختلال‌های روانی احتمالی قبل از شروع زندگی مشترک مشخص و تا حدود زیادی درمان شود.
- با توجه به تأثیر عوامل مالی و اقتصادی بر افزایش طلاق پیشنهاد می‌شود شرایط مالی به‌ویژه مرد در جلسات قبل از ازدواج به‌طور شفاف برای زوج و خانواده وی تشریح شود
- با توجه به تأثیر عوامل شخصیتی و خانوادگی بر افزایش طلاق پیشنهاد می‌شود مشاوره قبل از ازدواج در مورد شرایط شخصیتی هر یک از زوجین بررسی و طرف مقابل از این ویژگی‌ها اطلاع داشته‌باشند و بر همان اساس تصمیم‌گیری نماید.

منابع

- اسکندری نژاد، حدیجه و فتحی آشتیانی، علی. (1400). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک). مطالعات اسلامی زنان و خانواده. 8 (14)، 53-86.
- ایمانزاده، وحیده، محب، نعیمه، عبدی، رضا و هنرمند عظیمی، مرتضی. (1400). شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم. پژوهش‌های کاربردی روانشناختی. 12 (2)، 247-263.
- دلدار، فائزه و فلاحی، محمدعلی. (1395). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان‌های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی. فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، 10، 135-154.
- رمضانی فر و قدیمی، بهرام. (1400). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. زن در توسعه و سیاست. 19 (2)، 167-191.
- زارعان، منصوره. (1396). فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه اخیر). پژوهش‌های مشاوره. 16 (61)، 146-134.
- عبدی، احمد و ساداتیان، محمدعلی. (1398). شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق با استفاده از تحلیل شبکه عصبی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، 8 (9)، 61-74.
- کریمی، سمیه، مصری پور، شیما، آقایی، اصغر و معروفی، محسن. (1392). مقایسه بخشودگی و مؤلفه‌های آن و سلامت روانی در زوجین عادی و در شرف طلاق شهر اصفهان. تحقیقات علوم رفتاری، 11 (4)، 260-252.
- کیهان‌نیا، احمد. (1398). زن امروز-مرد دیروز، تحلیلی بر اختلافات زناشویی. چاپ هشتم. تهران. چاپ هشتم. انتشارات قومس.
- گودرزی امیرحسین. کیخسروانی، مولود. دیره، عزت. گنجی، کامران. (1401). اثربخشی درمان هیجانمدار بر دلزدگی زناشویی و تعهد اخلاقی در زوجین متقاضی طلاق. علوم پزشکی رازی، 29 (5)، 117-126.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- ملک محمودی الیگودرزی، احسان. (1399). قوانین و مقررات مربوط به ازدواج و طلاق. تهران. چاپ هشتم. نشر حسین فهمیده.
- میری، سمیه. مقصودی، پسیده و نیازی، محسن. (1401). عوامل مؤثر بر طلاق در جامعه ایرانی؛ الگویابی با استفاده از روش دیمتل. فرهنگ تربیتی زنان و خانواده، سال چهارم (14)، 175-197.
- نیازی، محسن. سمیه میری و افرا، هادی. (1399). فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 17 (64)، 1-17.
- Alijani, F., Najafi, S., & Nazari, F. (۲۰۲۲). The Role of Psychological Capital and Differentiation of Self in Predicting Emotional Divorce in Female Teachers [Research]. *Journal of Health Promotion Management*, ۱۱(۴), ۱۲-۲۳. <https://doi.org/10.22034/JHPM.11.4.12>.
- Brown S. L. (۲۰۱۴). Union Transitions among Cohabitors: The Significance of Relationship Assessments and Expectations. *Journal of Marriage and the Family*, ۶۲(۳)، ۸۳۳-۸۴۶.
- Charmaz, K. J. S. P. (۲۰۰۰). Teachings of Anselm Strauss: remembrances and reflections. 5۱۶۳-5۱۷۴.
- Dündar, Ö. (۲۰۲۲). The Role of Gender in The Effect of Employment On Divorce: Dynamic Panel Data Analysis.
- Finkenaur, C., & Hazam, H. (۲۰۱۰). Disclosure and Secrecy in marriage: Do both contribute to marital satisfaction? *Journal of Social and Personal Relationships*, ۱۷(۲), ۲۳-۳۸.
- Glaser, B. (۱۹۹۲). Basics of grounded theory analysis. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sarstedt, M. (۲۰۱۶). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM): Sage publications.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (۱۹۸۵). Naturalistic inquiry (vol. ۷۵). In: Sage Thousand Oaks, CA.
- Mohlatlole, N. E., Sithole, S., & Shirindi, M. L. J. S. W. (۲۰۱۸). Factors contributing to divorce among young couples in Lebowakgomo. ۵۴(۲), ۲۵۶-۲۷۴.
- Mosadegh, H., Darbani, S. A., & Parsakia, K. (۲۰۲۳). The mediating role of sexual satisfaction in the relationship between personality traits and emotional divorce in men. *Journal of Applied Family Therapy*, ۴(۴), ۱۹۱-۲۰۲. https://www.aftj.ir/article_184086.html?lang=en
- Thadathil, A., & Sriram, S. (۲۰۲۲). Divorce, families and adolescents in India: A review of research. *Journal of Divorce & Remarriage*, ۶۱(۱), ۱-۲۱. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1586226>.

واکاوی عوامل کلیدی موثر بر افزایش طلاق بین زوجین ساکن در شهر آبادیه

Tobin, R.M., Graziano, W.G., Vanman, E.J., & Tassinari, L.G. (۲۰۱۹). Personality, emotional experience, and efforts to control emotions. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۷۹, ۶۵۶-۶۶۹.

DOI: [10.71854/soc.2024-3121388](https://doi.org/10.71854/soc.2024-3121388)

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

فرشید ناهید^۱

دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

مجید رضا کریمی

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

کوروش سرورزاده

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱

چکیده

پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، در زندگی بشر سهم بسزایی داشته است. نمی‌توان تغییرات بنیادین ناشی از ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی نادیده گرفت. لذا هدف این پژوهش تبیین تغییرات مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی جوانان توسط شبکه‌های مجازی می‌باشد. روش تحقیق پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و برحسب شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی است. داده‌ها با روش پیمایشی و با بهره‌گیری از یک پرسشنامه محقق ساخته از ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر شیراز گردآوری شد. نمونه‌گیری از طریق فرمول کوکران و به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با $0/001$ $\text{Sig} =$ رابطه کاملاً معنی‌داری بین مؤلفه‌های اجتماعی و هویت مجازی وجود دارد. ضریب به‌دست‌آمده $0/154$ - می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف و معکوس می‌باشد، این بدان معناست که هرچه مؤلفه‌های اجتماعی در مرتبه بالاتری قرار گیرد به همان نسبت، هویت مجازی در آنان رو به کاهش می‌گذارد و بالعکس. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که حدود $0/354$ درصد از واریانس یا پراکندگی هویت مجازی توسط مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی تعیین گردید. نتیجه نهایی پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های اجتماعی، مؤلفه‌های سیاسی، جوانان، هویت مجازی، شیراز

^۱ . نویسنده مسئول Fnahid23@gmail.com

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

Investigating Social and Political Components Affecting the Virtual Identity of Youth in Shiraz

Farshid Nahid¹

PhD Candidate, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University,
Jahrom, Iran

Majid Reza Karimi

Assistant Professor, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad
University, Jahrom, Iran

Kurosh Sarvarzadeh

Assistant Professor, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad
University, Jahrom, Iran

Abstract

Differences between age groups are a critical issue that can be the source of various cultural and social phenomena and issues. This research investigated intergenerational social capital and its dimensions among men and women in Tuyserkan city. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population included men and women over 15 years of age in Tuyserkan City in 2019, of which 392 arrived into samples by cluster sampling. ANOVA, Independent T-test, and Path Analysis were used in SPSS-25 software to analyze data. The results showed a difference between generations in terms of social capital; the older generation has higher social capital than younger ones; there is a difference between women and men, and men have more social capital than women. There is a difference between age groups regarding social capital; the age group of 66 to 75 years has a higher tendency to have social capital. Also, there is a relationship between income and social capital ($P < 0.05$). In short, we can say that there is a relationship between intergenerational variables, gender, age groups, income, type of job, marital status, level of education, place of residence, age of marriage, presence in society, and social capital; There is a difference between men and women as well as between different generations in terms of the variables of the age of marriage, presence in society, economic capital, individual and social freedoms, social trust, and social mobility.

Keywords: Social components, political components, youth, virtual Identity, Shiraz

¹. Corresponding Author: Fnahid23@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جوامع معاصر شاهد تحولات چشمگیری بوده‌اند که حوزه‌های زیست انسان، اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این بین یکی از چالش‌برانگیزترین دگرگونی‌ها به تغییرات شناختی و به‌طور مشخص تحولات هویتی افراد مربوط می‌شود. در گذشته مقوله هویت به شکلی که امروز مطرح است مهم قلمداد نمی‌شد چرا که باورها و ارزش‌های سنتی مسیر زندگی انسان را هدایت می‌کردند اما با افول منابع هویت‌یابی سنتی همچون ارزش‌های مذهبی، الگوهای خانوادگی و آموزشی از یک سو و رشد الگوهای هویت‌ساز جدید مانند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی از سوی دیگر، فرایند دگرگونی هویت افراد دچار تغییرات گسترده‌ای شده‌است. گذار از سنت به مدرنیته نقش بسیار مهمی در تحولات گسترده هویتی بر عهده داشته‌است، زیرا هویت مفهومی است که در هر بستر اجتماعی و تاریخی می‌توان آن را مطالعه کرد. به عقیده جیدان^۱، هویت و مضامینی که با آن در عصر حاضر مرتبط هستند، به دلیل واقعیتی است که دوران گذار یعنی حرکت از جامعه سنتی به مدرنیته نامیده می‌شود، دورانی که تحولات شدید هویتی به واسطه آن رخ داده است (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۲).

طی چند دهه اخیر ظهور صنایع الکترونیک و گسترده فضای اطلاعاتی جدید در بسترهایی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی تشدید دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی را در پی داشته و نگرش افراد به ویژه نسل جوان را دچار تغییرات عمده‌ای کرده‌است. مجموعه این تحولات موجب شده‌است که مسئله مهمی مانند هویت و ابعاد مختلف آن و نیز تأثیر این مفهوم بر کنش و نگرش نسل جوان اهمیتی دوچندان یابد. چنانچه نسل جوان از نگرش و باور پویا و مستحکم فرهنگی تهی شود و نتواند دنیای درونی و ذهنی خود را با هنجارها و ارزش‌های بادوام تطبیق دهد دچار انزوای بی‌انگیزگی و نوعی بدبینی نسبت به جامعه می‌شود و به این ترتیب شرایط برای بحران هویت در جامعه فراهم می‌آید. در جوامع پیشامدرن هویت، یک امر انتسابی و از پیش مشخص است، به همین دلیل نیز هویت افراد بر این اساس تغییر چندانی نمی‌کند، اما در جوامع مدرن، هویت انعطاف‌پذیر است و هویت افراد جامعه هر لحظه تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار دگرگونی می‌شود (مهدی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵). با گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در محیط وب و اینترنت، نوع خاصی از

^۱ J.Dan

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

ارتباطات در بسترهای مجازی میان افراد شکل گرفته که خروجی مهم آن شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده است. این شبکه‌ها شامل گروه‌هایی از افراد می‌شوند که از طریق یک یا چند نوع وابستگی به هم مرتبط شده‌اند و در بستر یک جامعه اطلاعاتی پیچیده با یکدیگر کنش‌های ارتباطی دارند. این شبکه‌ها بر مبنای اجتماعات آنلاین بنا شده‌اند که امکان دستیابی به شکل جدیدی از ارتباطات و تبادل اطلاعات را فراهم می‌کنند و به کاربران خود نیز امکان می‌دهند که علایق، نظریات و فعالیت‌هایشان را با یکدیگر به اشتراک بگذارند (شاوردی، ۱۳۹۶: ۶۹). از سوی دیگر، با ظهور برخی از مؤلفه‌های مدرنیته همچون فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش آن دسته از مؤلفه‌های سنتی که در شکل دادن هویت ایرانی مهم بوده، بسیار کم‌رنگ شده است چراکه، رسانه‌هایی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی فرد را از مکان جدا کرده و به فرایند جهانی شدن پیوند زده‌اند. بر این اساس، افراد جامعه و به‌ویژه نسل جوان با منابع هویت‌یابی متکثری روبه‌رو شده‌اند و هویت آنان شکلی غیر محلی و جهانی پیدا کرده است. در جامعه ایرانی، نهادهای سنتی که در تکوین هویت نقش داشته‌اند با پیدایش ساختارهای جدید مدرنیته، برای مثال سبک زندگی نوین مبتنی بر مصرف‌گرایی، سرگرمی و شیوه‌های نوین تعیین هویت در بستر رسانه‌هایی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی به شدت تهدید شده‌اند به باور آنتونی گیدنز^۱، مؤلفه‌های مدرنیته تأثیر شگرفی بر هویت افراد داشته‌اند به طوری که هیچ فردی هویت واحدی ندارد و به عبارت دیگر، قابلیت انعطاف هویت در چهارچوب مدرنیته و مؤلفه‌های مربوط به آن به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، امری که حکایت از ظهور بستری تازه برای تکوین هویت دارد. حضور کمی رسانه‌های متفاوت در زندگی افراد و به‌طور خاص جوانان به‌ویژه با فراگیر شدن تلفن همراه به همه اوقات بیداری انسان گسترش یافته و از سوی دیگر حضور کیفی رسانه‌ها در زندگی فردی و اجتماعی بیش از گذشته شده است (رضوی زاده ۱۳۸۵: ۱۰۹).

به‌طور کلی، با گسترش نوگرایی و نوکاربران اینترنت برخلاف نسل اول که در فضای واقعی و حقیقی فعالیت می‌کردند، امروزه در فضای مجازی مشغول هستند. بر همین اساس، بسیاری از کارکردهای خانواده در جامعه‌پذیری افراد به‌وسیله این رسانه‌های تعاملی در محیطی مجازی صورت می‌گیرد (حسین بیگی، ۱۳۸۳: ۵۳)؛ بنابراین اینترنت

^۱ Anthony Giddens

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

دارای قابلیت است که به واسطه‌ی آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیای جدید بسازند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود، زیرا امکان دارد که تصویر ارائه‌شده از سویی که فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌های غیر از شکل موردنظر وی تفسیر شود. حتی امکان معرفی خود در وبگاه‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد؛ به طوری که افراد بتوانند در جریان ارتباط‌گیری، هویت «الکترونیک چندگانه» برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. از سویی، فقدان نشانه‌های بافت اجتماعی در ارتباط‌های اینترنتی، تأثیر مهمی بر چگونگی ابراز هویت شخص در فضای مجازی دارد. (کرم‌الهی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

هویت اجتماعی بیش از هر گروهی برای نوجوانان و جوانان به دلیل این که این مرحله از زندگی، مرحله تکوین هویت مستقل و استقلال‌یابی می‌باشد، مسئله‌ساز است. توسعه تکنولوژی و عوامل تکنولوژی باعث تغییرات عمده‌ای در ارزش‌ها و نگرش‌ها و شیوه‌های زندگی افراد منجر شده و تغییرات هویتی، به‌ویژه برای دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ایجاد کرده‌است؛ بنابراین پژوهشگر درصدد است، تا به این مسئله پردازد که شبکه‌های مجازی چه تأثیراتی در شکل‌گیری هویت مجازی جوانان که بیشترین تأثیر را از حضور و فعالیت در فضای مجازی می‌گیرند، دارد.

در عرصه جهانی، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری رخ داده که سبب دگرگونی نقشه‌های اجتماعی و آگاهی جوانان شده‌است. از این‌رو، مسئله هویت جوانان در چند دهه اخیر ذهن پژوهشگران حوزه‌های مختلف اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی را به خود مشغول کرده‌است. حضور مؤلفه‌هایی مانند دوگانگی ساختاری، جوان بودن هرم سنی جمعیت، نوسازی فرهنگی و آموزشی، مصرف کالاهای فرهنگی، جهانی‌شدن و غیره، باعث نوگرایی نسل حاضر و در نتیجه، آمادگی این نسل برای پذیرش الگوها و شیوه‌های جدید حیات اجتماعی، پذیرفتن دگرگونی‌های مدرن و پافشاری نکردن به حفظ الگوهای سنتی و قدیمی را باعث شده‌است (تاج‌بخش ۱۳۹۲: ۳۷). در حال حاضر بررسی و شناخت نگرش و عوامل مؤثر بر هویت جوانان به‌ویژه شکل‌گیری آن یکی از ضرورت‌های مهم به شمار می‌رود چراکه برنامه‌های در نظر گرفته شده این بخش از وجوه مختلف توسعه‌یافتگی و سلامت اجتماعی در بخش کلان است تا از

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

این راه عوامل مرتبط با آن مانند رضایتمندی جوانان از زندگی سالم و حفظ تعادل هویت‌مندی در نظام جهانی با توجه به تحولات روبه رشد به شکل بهتری برنامه‌ریزی و اجرا شود. بی‌توجهی به این امر منجر به ابهام نقشی و سردرگمی هویتی جوانان خواهد شد و اثرات زیان‌باری چون آسیب‌های اجتماعی در پی خواهد داشت. از سوی دیگر در ایران شبکه‌های اجتماعی مجازی طرفدار بسیار دارند و مورد استفاده بسیاری از افراد جامعه به‌ویژه نسل جوان قرار می‌گیرند. ارائه آمار دقیق از کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی در کشور دشوار است، اما می‌توان بر اساس وبسایت رسمی کافه بازار ادعا کرد که در ایران شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون واتساپ ۳۶ میلیون، تلگرام ۳۲ میلیون و اینستاگرام ۲۸ میلیون کاربر دارند و وجود این آمارها حکایت از رغبت زیاد جامعه ایرانی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی است.

با توجه به مطالب ذکر شده، این پژوهش درصدد پاسخ به این مسئله است که: چگونه فضای مجازی بر هویت جوانان، اشاعه و تقویت باورهای اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی و تصویرسازی مثبت از ساختار سیاسی بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز تأثیر می‌گذارد. بنابراین دو متغیر اشاعه و تقویت باورهای اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های اجتماعی و دو متغیر مشارکت سیاسی و تصویر مثبت از ساختار سیاسی به عنوان مؤلفه‌های سیاسی در نظر گرفته شده‌است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

امنیتی که کاربران در فضای مجازی به دنبال آن هستند و برای تأثیرگذاری در مؤلفه‌های سیاسی- اجتماعی از آن استفاده می‌نمایند، تحت‌الشعاع سیاست‌های کلان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد؛ اما این کارکردهای آنان، بدون توجه به پیامدهای احتمالی نادیده گرفته می‌شود، در میان جوانان به دلیل ویژگی‌های سنی و امکان بروز فردیت در این فضاها را به‌عنوان اولویتی برای مشارکت در نظر می‌گیرند. از این‌رو، تأثیرات روابط متقابل در شکل‌گیری هویت سیاسی- اجتماعی بخصوص در میان جوانان که متأثر از این فضا و ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند، ضرورت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد که باهدف این تبیین تغییرات هویت سیاسی- اجتماعی توسط شبکه‌های مجازی انجام شده‌است. علاوه بر این، از آنجاکه هویت مجازی بخش عمده و مؤثری از هویت سیاسی- اجتماعی را در عصر جدید باوجود شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تشکیل می‌دهد، ضرورت دارد عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. از طرفی شاید در مورد هویت تحقیقات زیادی انجام شده باشد اما هویت مجازی امری است که اخیراً در دو دهه‌ی اخیر به دلیل گسترده‌ی شبکه‌های اجتماعی بسیار حائز اهمیت شده است. هویت مجازی که بخش زیادی از هویت جوانان را تشکیل می‌دهد کمتر مورد توجه بوده است لذا بررسی هویت مجازی برای برنامه‌ریزان در حوزه‌های آموزش و پرورش و دیگر حوزه‌های اجتماعی می‌تواند راه‌گشا باشد. همچنین در این تحقیق برخی‌ها و یا متغیرهای سیاسی و اجتماعی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. با این دیدگاه که جوانان بمولفه بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های اجتماعی و نفوذ و گسترده‌ی شبکه‌های اجتماعی می‌باشند؛ بنابراین ضرورت انجام تحقیقات این چنین را بیش از پیش می‌نماید.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره هویت صورت گرفته و هر پژوهش با رویکردی متفاوت به این موضوع پرداخته است. در دو دهه اخیر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی در کشور و اثرگذاری این شبکه‌ها بر تمامی سطوح زندگی افراد در جامعه ایرانی بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی با سایر مقوله‌های مهم جامعه‌شناختی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. در این بین مطالعاتی در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی و مؤلفه‌های متفاوت هویتی انجام شده که بررسی آن‌ها ضرورت دارد. در ادامه، به برخی از مطالعاتی که رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و ابعاد هویتی را مورد بررسی قرار داده‌اند می‌پردازیم.

لطفی جلال‌آبادی و زروندی در پژوهشی، تأثیر شبکه‌های اجتماعی را بر تغییرات فرهنگی با تأکید بر سبک زندگی، بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که: استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر ارزش‌ها و باورها و به دنبال آن بر سبک‌های زندگی تأثیر می‌گذارند. میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تغییرات فرهنگی در این پژوهش در سه طبقه اصلی باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها و عوامل رفتاری و نمادها بررسی شده است (لطفی جلال‌آبادی و زروندی، ۱۴۰۲).

یوسف خجیر در پژوهشی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بومی را بر تبلیغ دین بررسی کرده است. هدف پژوهش شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید شبکه اجتماعی بومی در تبلیغ دین و ارائه راهبردهای مناسب برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی بومی برای تبلیغ دین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که: مهم‌ترین نقاط قوت شبکه اجتماعی بومی برای تبلیغ دین، احراز

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

هویت بر اساس کدملی و واقعی بودن هویت کاربر، فراهم کردن زمینه برای انتشار محتوای دینی توسط مبلغان دینی و مهم‌ترین نقاط ضعف عدم شناخت کاربران ایرانی از شبکه‌های بومی مبلغ دین است (خجیر، ۱۴۰۲).

امیر بیک و بابائی در پژوهشی هویت جنسیتی جوانان را تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط انسانی و الگوهای ارتباطی تأثیر دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: رابطه‌ی مثبتی بین بازتاب طرح واره‌های جنسیتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت جنسیتی در زنان و مردان وجود دارد. همچنین رابطه‌ی مثبت و معنادار بین جامعه‌پذیری جنسیتی در رسانه اجتماعی مجازی از طریق بازنمایی از نقش‌های جنسیتی و هویت جنسیتی گروه زنان وجود دارد در حالی که در مورد گروه مردان رابطه‌ی معناداری حاصل نشده‌است (امیر بیک، بابائی، ۱۴۰۲).

خطیب زاده و بنی‌هاشمی در پژوهشی در صدد طراحی مدل تولید محتوای فرهنگی برای زنان در فضای مجازی هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که: ایرانی و اسلامی بودن، توجه به تنوع قومیت‌ها در ایران، توجه به هویت و فطرت زنانه، توجه به کانون خانواده، توجه به ویژگی‌های زنان الگو در اسلام، ارائه سبک زندگی ایرانی - اسلامی، پاسخگویی متقن به سؤالات و دغدغه‌های زنان و توجه به مهارت‌های زندگی از شاخص‌های اصلی مدل تولید محتوای فرهنگی برای زنان در فضای مجازی است (خطیب زاده و بنی‌هاشمی، ۱۴۰۱).

نعمتی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی نقش واسطه‌های بحران هویت و انسجام خانواده در تعیین رابطه مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با نگرانی از تصویر بدنی در میان دانش آموزان پرداختند. نتایج نشان داد که اصلاح میزان و شیوه استفاده نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی و برگزاری جلسات آموزشی به منظور تسهیل گذاری از مرحله بلوغ و پیشگیری از بحران هویت دارای اهمیت است تا زمینه کاهش نارضایتی از تصویر بدن و ارتقای سلامت روانی نوجوانان فراهم آید.

فرامرزیانی و جعفری (۱۴۰۰) به نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل پرداختند. نتایج نشان داد که: بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی و مؤلفه‌های هویت شخصی مدرن (توسعه فردی توسعه نظام ارتباطات بین فردی، توسعه انتخاب‌ها و تغییر در نظام ارزشی و ترجیحی فرد، تغییر در پیوندها، دل‌بستگی‌های فردی و حوزه خصوصی

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

زندگی و دسترسی فوری یا فرهنگ فوری همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. بیشترین همبستگی مربوط به توسعه فردی و کمترین همبستگی نیز مربوط به توسعه ارتباطات بین فردی است. نتایج پژوهش نشان داد که گسترش استفاده از شبکه‌های مبتنی بر تلفن همراه به فردیت و فردی شدن می‌انجامد.

نواح و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان (مورد مطالعه جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر اهواز) پرداختند. نتایج نشان داد که: بین متغیرهای مستقل میزان حضور در فضای مجازی، انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با متغیر وابسته هویت اجتماعی هویت ملی و هویت دینی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.

بیات و قنبری برزبان (۱۳۹۶) به بررسی تبیین ارتباط رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای مجازی با هویت ملی مطالعه موردی؛ جوانان عرب‌زبان اهواز پرداختند. نتایج نشان داد که بین دیدن موسیقی، تصویری فیلم سینمایی و برنامه جنسی از ماهواره و استفاده از اینترنت با هویت ملی ارتباط وجود دارد و استفاده بیشتر از فضای مجازی و رسانه‌های جمعی سبب برجستگی هویت قومی در برابر هویت ملی شده است.

باب وبک و همکاران^۱ (۲۰۲۲) به بررسی تنوع قومی فرهنگی شبکه‌های اجتماعی شخصی مهاجران ادغام هویت دو فرهنگی و هویت جهانی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده ارتباط بین داشتن روابط اجتماعی نزدیک و متنوع از نظر قومی فرهنگی و هویت برتر بود.

مک کانل و همکاران^۲ (۲۰۱۸) به بررسی این که همه افراد تمام زندگی را در فیس بوک قرار می‌دهند: مدیریت شبکه‌های اجتماعی و هویت جوانان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که: فیس بوک بستر مناسبی برای به اشتراک‌گذاری تجربیات جوانان و ایجاد تعامل و ارتباط با دیگران است.

اهداف اهداف تحقیق

۱. کاوش هویت مجازی جوانان در شیراز

^۱ Bobowik

^۲ Mc Connell

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

۲. بررسی رابطه بین اشاعه و تقویت باورهای اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) و هویت مجازی
۳. بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) و هویت مجازی
۴. بررسی رابطه بین افزایش مشارکت سیاسی (مؤلفه سیاسی) و هویت مجازی
۵. بررسی رابطه بین تصویرسازی مثبت از ساختار سیاسی (مؤلفه سیاسی) و هویت مجازی

مبانی نظری پژوهش

مفهوم هویت

هویت در زبان فارسی به معنای آنچه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود، ذکر شده است. از میان مفاهیم فارسی، واژه یا مفهوم «تشخیص»^۱ می‌تواند راهبرد خوبی برای تعریف اصطلاح هویت باشد. بدین معنی که اصطلاح هویت مجموع‌های از شاخص‌ها^۲ و علائم در حوزه مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از گروه، گروه از گروه دیگر یا اقلیت یا اقلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (ابوالحسنی، ۲۰۱۳: ۲۲). در لغت‌نامه دهخدا، هویت «تشخیص» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۸۶۶). معین هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: آنچه را که باعث «شناسایی» شخص باشد (معین، ۱۳۸۷: ۵۲۲۸).

ازلحاظ لغوی واژه‌ی هویت در دو معنای ظاهراً متناقض بکار می‌رود:

۱- همسانی و یکنواختی مطلق

۲- تمایزی که دربرگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است (تفاوت یا تعقل). گرچه در معنای هویت متناقض و متضاد هستند، اما در اصل به دو معنای اصلی و مکمل معطوف‌اند و اکثر قریب به اتفاق نظریه‌پردازان هویت درباره دو معنای آن اتفاق نظر دارند (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۵۴).

برخی از تعاریف بر بعد احساسی و عاطفی^۳ هویت تأکید داشته و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه‌ای که عضو آن است، می‌دانند. در تعاریفی دیگر، هویت به معنای وجه تمایز اعضای یک گروه از دیگران و تفکیک‌کننده "من" و "ما" از "غیر" و دیگری^۴ به کاررفته است (میر محمدی، ۱۳۸۳: ۸).

^۱ Diagnosis

^۲ Index

^۳ Emotional

جرج هربرت در تعریف هویت معتقد است: هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به عبارت دیگر تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که به خود پیدا می‌کند، در اصل بازتاب نگرشی است که دیگران از او دارند. هریس، معتقد است که هویت عبارت است از شناخت فرد از خویشتن خود (خدایار و فتحی، ۱۳۸۷: ۳۵).

موضوع و ماهیت هویت، یکی از مسائل چالش‌برانگیز و پر دامنه است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از روشنفکران، اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. از آنجایی که بیشتر این تأمل‌ها، فاقد وجه تجربه و عینی‌اند، معمولاً بر پایه پیش‌فرض‌ها، ذهنیات و گرایش‌های شخصی (نه الزامات به صورت نظریه‌ای) درباره هویت قضاوت می‌شود. از آنجایی که انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند، پس دارای هویت اجتماعی هستند. «زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن این که دیگران کیستند و بدون نوعی درک از این که خود ما که هستیم غیر قابل تصور است. بدون وجود چارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت‌های فردی، من همان بودم که شما هستید، هیچ‌یک از ما قادر نمی‌بود با دیگری نسبت معنی‌دار یا سازگاری برقرار کند؛ در واقع بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نیست» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷).

به نظر گیدنز^۱ هویت در رابطه با فرهنگ است و عبارت است از: خود، آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی، پیوسته آن را تغییر می‌دهد. هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش، نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند. این فرایند ناآگاهانه، قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی به وجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست. از نظر وی هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد؛ به عبارت دیگر هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم

^۱ Giddens

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

کنش‌های اجتماعی فرد به وی تفویض شده‌باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش موردحفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). گیدنز معتقد است که خود، یک امر منفعل نیست که فقط از طریق تأثیرات درونی شکل بگیرد، افراد ضمن این که اقدام به ساختن و پرداختن هویت شخصی خویش می‌کنند به‌علاوه در ایجاد بعضی از تأثیرات اجتماعی دنیای اطراف خود مشارکت دارند. در نتیجه افراد با انتخاب‌های متعددی روبرو می‌شوند که جوامع امروزی در پیش روی آن‌ها قرار داده‌است و این وضعیت سبب می‌شود که افراد در تشکیل هویت خود دارای تنوع و گوناگونی مراجع هویت‌ساز باشند. گیدنز بر این باور است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی‌شدن در دوران متأخر دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶). یکی از مشهورترین صاحب‌نظرانی که به‌طورجدی به طرح نظریه هویت پرداخته‌است تاجفل^۱ است که نوعی پیوند علی بین ملزومات هویت و اشکال مختلف رفتار بین گروهی قائل است. کانون توجه تاجفل این فرضیه است که هویت‌های اجتماعی مردم در ابتدا از طریق مقایسه اجتماعی شکل می‌گیرد که گروه خودی را از گروه‌های غیرخودی متمایز می‌سازد. بر این اساس می‌توان گفت که این ایده، غلبه گروهی را، حتی در صورت نبود تضاد منافع واقعی، تبیین می‌کند.

ایده اساسی در این نظریه این است که افراد دارای عضویت‌های مقوله‌ای هستند که تعریف آن‌ها از خودشان و ویژگی‌های گروهی را که دستورالعمل رفتار یا نشانه‌های هنجاری رفتار را تجویز می‌کند، مشخص می‌کند. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی^۲ (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی^۳ (فرضیاتی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی^۴ (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بر این اساس، هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از: آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (گروه‌های) اجتماعی همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن

^۱ Tajfl

^۲ Cognitive element

^۳ Value Element

^۴ Emotional Element

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

عضویت سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵). از دیگر صاحب‌نظرانی که مشخصاً به مقوله‌ی هویت اجتماعی پرداخته و آن را در چهارچوب نظریه‌های علوم اجتماعی بسط داده‌اند ریچارد جنکینز است. از نگاه وی هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیست‌اند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست. از این رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و فقدان توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون و چرا پرداخت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۷). جنکینز در توضیح رویکرد خود به هویت اجتماعی یادآور می‌شود که نظریه هویت اجتماعی‌اش تحت تأثیر اندیشه‌های کسانی چون هربرت مید، اروینگ گافمن و فردریک بارث مردم‌شناس است. جنکینز شکل‌گیری نظریه خویش را به این صورت خلاصه می‌کند: «اگر هویت شرط ضروری برای حیات اجتماعی است، برعکس آن نیز صادق است. در توضیح بیشتر می‌توان گفت هویت فردی که در خویشی تجسم‌یافته - جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست. هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد؛ اما هویت فردی و خویشی به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شوند؛ یعنی در فرآیندهای اجتماعی شدن اولیه (مثلاً خانواده، مدرسه، دوستان و مذهب) و متعاقب آن، در فرآیندهای جاری تعامل اجتماعی که در چهارچوب آن‌ها، افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند.

بورديو نیز در خلال بحث عادت واره، موضوع هویت را نیز مورد توجه قرار داده است (قادرزاده و معیدفر، ۱۳۸۹). به‌زعم وی، نمی‌توان ساختار و کارکرد جهان اجتماعی را تبیین کرد، مگر اینکه مفهوم سرمایه در تمامی اشکال آن و نه صرفاً در شکل اقتصادی آن مفهوم‌سازی شود. به اعتقاد بورديو، سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در صحنه حاصل می‌گردد مؤثر واقع می‌شود و در چهار شکل بنیادی متجلی می‌شود:

الف) سرمایه اقتصادی

ب) سرمایه اجتماعی

ج) سرمایه فرهنگی

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

ت) سرمایه نمادین^۱، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است. بوردیو، در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی اشاره می‌کند که هر کس برحسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و بر اساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارائی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. (بوردیو، ۱۹۸۶: ۴۸۶). بوردیو، با تفکیک عادت واره فردی و طبقه‌ای بر این باور است که عادت واره فردی، از فردیت و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی‌ناپذیر است و عادت واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان‌های تعاملاتی نشئت می‌گیرد، بر هویت‌های جمعی مشترک دلالت دارد و نشانگر بازنمایی عاملان از محیط هنجاری و پنداشتی است که از جهان اجتماعی و از جایگاهشان در آن دارند. عادت واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروه‌ها و طبقات مختلف به گونه‌ای نمود می‌یابد که از ذائقه غذایی تا سلاطین زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی که دربرگیرنده هویت سیاسی آنان است را جهت می‌بخشد (بوردیو، ۱۳۸۶: ۱۱۶ - ۱۱۲). با توجه به دیدگاه بوردیو می‌توان گفت که افراد حاضر در یک جامعه از لحاظ انواع سرمایه متفاوت هستند و دارای پایگاه‌ها و عادت واره‌های متفاوتی هستند که در کم و کیف تعلقات جمعی و هویت آنان نمود می‌یابد؛ بنابراین بر طبق نظر بوردیو می‌بینیم که انواع مختلف سرمایه و ابعاد آن‌ها بر هویت افراد دارای تأثیر است.

فضای مجازی و هویت

وقتی صحبت از فضای مجازی به میان می‌آید مردم اغلب به کامپیوتری فکر می‌کنند و این که به اینترنت متصل است در حالی که این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. از نگاه دیوید بل (۲۰۰۲) فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد بیت ردوبدل می‌کنند.

^۱ Symbolic capital

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری‌های جدید ارتباطی را دربر می‌گیرد. این نام نخستین بار به وسیله ویلیام گیسون دررمان نورومانسر (۱۹۸۴) ابداع شد (هولمز، ۲۰۰۵). همان‌طور که کاترین هابلس (۱۹۹۶) نشان می‌دهد، دیدگاه گیسون خودبه‌خود به وجود نیامده بود و دگرگونی‌های مبتنی بر فناوری انجام‌شده در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نقش زیادی در ظهور این اصطلاح داشت (نقل‌شده درویتاگر، ۲۰۰۴). فلیشی (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که ظهور فضای مجازی در واقع درست بعد از پایان جنگ جهانی دوم و با راه افتادن موج فناوری‌های جدید کامپیوتری در فرم اولیه آن اتفاق افتاد (نقل‌شده درویتاگر، ۲۰۰۴).

اینترنت دارای قابلیت است که به واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیاها جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به‌زعم خودش، قادر به دستیابی به آن نباشد. این‌ها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارائه‌شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌هایی غیر از شکل موردنظر وی تفسیر شود (امیر بیگ، بابائی، ۱۴۰۲: ۱۸-۷). حتی امکان معرفی خود در سایت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد. به‌طوری‌که افراد بتوانند در جریان ارتباط‌گیری «هویت الکترونیکی چندگانه‌ای» برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص فضای مجازی‌اند. در مجموع، هویت اینترنتی یا هویت مجازی با دیدگاه‌های متعارف درباره هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره هویت به دنبال کلیت‌سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه‌نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن را بر فرد در نظر می‌گیرند؛ اما با این اوصاف در فضای مجازی استفاده از چنین تعاریفی برای هویت دشوار می‌شود و با گسترده‌تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت مخدوش می‌شود. به‌هرحال اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی محصول درهم‌شکستگی هستی‌شناختی و پیچیده‌تر شدن فزاینده تفاوت‌های فردی هستند و با آن سنخیت تام دارند. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها و همسایگان نیز به‌ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روزبه‌روز دشوارتر می‌سازد. آلن تورن به‌خوبی این شرایط به‌ظاهر تناقض‌آمیز انسانی را توصیف کرده است: ما در سکوت زندگی می‌کنیم، در شلوغی

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

به سر شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت با تأکید بر بحران هویتی مان می‌بریم، منزوی هستیم، در دریای خلق گم شده‌ایم (تورن، ۱۳۸۰، ۱۶۰). از این حیث، هویت مجازی را می‌توان با فرایند اساساً مدرن تشکیل هویت به وسیله خویشتن و رسیدن به فهمی از خود و هویت‌یابی مربوط دانست. فرد در دوره مدرنیته از جا کنده می‌شود و اضطراب‌های وی افزایش پیدا می‌کند. اینترنت نه تنها این وضع را متحول کرد؛ بلکه به آن شدت بخشید. در اینجا ساختار و فردیت به هم می‌رسند و توأماً مهم‌ترین جنبه پست‌مدرنیستی اینترنت را می‌سازند. امکانات موجود برای انتخاب انواع متفاوت خروجی‌های اینترنت نه تنها فردیت کاربران را تقویت می‌کند؛ بلکه موجب تکثر بیشتر می‌شود. در عین حال، هم‌زمان با افزایش میزان تفاوت‌ها، در اثر رشد استفاده عمومی از اینترنت، جهان‌بینی‌های افراد واگراتر می‌شود (گیبیز و ریمر: ۱۳۸۸، ۸۷). اینترنت شبیه یک بازار ارتباطی است و همین به تکثر هویتی و رشد فردیت کمک می‌کند و اشکال ابراز وجود شخصی را متنوع‌تر می‌کند، اما در عین حال نمی‌توان از این ایراد چشم‌پوشی کرد که وسایل ارتباطی به تدریج نقش فزاینده‌ای در سست کردن انسجام اجتماعات واقعی و ذره‌ای کردن جوامع انسانی دارد. هم‌چنین اینترنت باعث رشد یک فرهنگ شخصی شده و حاصل تخیلات و تصورات و پندارهای فردی است. این امر به قیمت کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت‌سازی‌های فردی تمام می‌شود و می‌تواند به شکل‌گیری منابع جدید هویتی بیانجامد (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۵) علاوه بر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیسبوک، به دنبال ایجاد جوامع مجازی هستند. این جوامع مجازی بر اساس ساختار و تعاریف خود به طبع دارای ارزش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند. به طوری که این جوامع مجازی توانسته‌اند مفاهیمی چون "دوست"، "ارتباط"، "خانواده"، "هویت" و حتی مسائلی جزئی مانند نحوه احوال‌پرسی کردن را بازتعریف کنند. اگرچه کاربران خود در شکل‌دهی این جوامع نقش چشمگیری ایفا می‌کنند، اما قوانین این جوامع مجازی و گفتمان حاکم بر آنان در تأثیرگذاری و شکل‌دهی هویت اعضای خود نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ابتدایی‌ترین تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کاربران این است که هویت فعلی او را به چالش می‌کشند؛ ابتدا کاربر را از خود واقعی تهی می‌کنند و سپس به او فرصت می‌دهند خود ایده‌آلش را بروز دهد، در حالی که به طور ناخودآگاه، این خود جدید در فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی بر ساخته شده‌است. شبکه‌های اجتماعی صحنه‌ای فراهم می‌آورند که، کاربران می‌توانند از

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

هر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیتی که باشند، در آن ظاهر شوند و نقش دلخواه خود را بازی کنند. در این سطح، شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاربر را به هویتی فرد مدار شده با مشخصات منحصر به فرد سوق می‌دهند. در واقع با شبکه‌های اجتماعی مجازی این قابلیت به فرد داده می‌شود تا خود را هرگونه که می‌خواهد، فراتر از هویت واقعی خود در جهان فیزیکی بازتعریف و روایت کند؛ بنابراین، با قبول این فرض که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در درون جامعه مصرفی خلق شده‌اند، خود منشأ بازتولید مکرر چنین جامعه‌ای می‌شوند.

دهقان (۱۳۸۴) معتقد است فضای مجازی یک شبکه گسترده جهانی است که شبکه‌های مختلف رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می‌کند. فناوری‌های ارتباط راه دور اساس فضای مجازی را تشکیل می‌دهند (ویتاگر، ۲۰۰۴). هرچند برخی از این فناوری‌ها مانند تلگراف و تلفن در اوایل قرن نوزدهم اختراع شده بودند اما همه‌گیر و ارزان شدن این فناوری‌ها و بالا رفتن توان فنی آن‌ها که شرط اصلی ظهور فضای مجازی است در چند سال اخیر اتفاق افتاده است. ویتاگر در توضیح این مسئله به رویداد تاج‌گذاری ملکه انگلستان اشاره می‌کند که حدود بیست میلیون نفر آن را از تلویزیون تماشا کردند. در حالی که تعداد تلویزیون‌ها در انگلستان تا قبل از چند ماه مانده به مراسم ۶۰۰۰۰۰ دستگاه برآورد می‌شد، در این چند ماه تقریباً همین تعداد تلویزیون در انگلستان خریداری شد. رواج فناوری‌های ارتباطی در سال‌های بعد رفته‌رفته به شکل‌گیری و ظهور فضای مجازی منجر شد. کلمه فضای مجازی (سایبر اسپیس) از درون کلمه سایبرنتیکس که در سال ۱۹۴۸ به‌وسیله نوربرت وینر ابداع شده بود پدید آمد. سایبرنتیکس علم نظریه کنترل است و در مورد سیستم‌های پیچیده به کار می‌رود کلیه دستگاه‌هایی که با روش‌های خود فرمایی اداره می‌شوند در واقع سیستم‌های سایبرنتیکی هستند. گاهی اوقات کلمه سایبرنتیکس در معنایی غیر از معنای اولیه آن مثلاً به معنای قانون‌گذاری و قانونمندی به کار می‌رود (دامسایر، ۱۹۹۳ و بیر، ۱۹۹۴). دلیل این نوع نام‌گذاری به پیچیدگی این نوع قوانین مربوط می‌شود. ارتباط واژه‌ای فضای مجازی (سایبر اسپیس) و سایبرنتیکس هم به مسئله پیچیدگی برمی‌گردد.

لیندلاف (۲۰۰۲) ارتباطات کامپیوتری را بسیار متفاوت از سایر انواع ارتباطات می‌داند و معتقد است این‌گونه ارتباطات باید با یک روش شناسی متفاوت از بقیه روش‌ها تجزیه تحلیل شوند. لیندلاف در

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

این مورد معتقد به یک رویکرد ساختار اجتماعی است. رویکرد ساختار اجتماعی عوامل غیر انسانی را هم در ارتباطات دخیل می‌داند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش به صورت انتخابی بر مبنای نظریات ارائه شده تدوین شده است. می‌توان گفت هویت برخلاف گذشته که به عنوان امری ثابت در نظر گرفته می‌شد امروزه به عنوان یک فرایند پویا و سیال عمل می‌کند. هویت امروزی در بسترهای مختلفی شکل می‌گیرد و عوامل بسیاری همچون روابط فرامرزی و جهانی شدن کنش‌های روزمره شرایط خاص اقتصادی فرهنگی، سیاسی و عوامل دیگری مانند ظهور فناوری‌های نوین می‌تواند هویت را دستخوش تغییر و تحول کند. به عقیده اندیشمندانی چون گیدنز و رابرتسون هویت مقوله‌ای است که به واسطه جهانی شدن می‌تواند دچار دگرگونی شود، در عصر جهانی شدن ما شاهد برخورد هویت‌های مختلفی هستیم که با یکدیگر تعارضی ندارند. برای رابرتسون بعد فرهنگی هویت در کنار بعد جهانی آن مهم تلقی می‌شود اما برای گیدنز در کنار بعد جهانی بعد سیاسی نیز مهم است. از سوی دیگر، اندیشمندانی چون برگر و جنکینز به بر ساخته شدن هویت در محیط‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کنند. برگر هویت را به مثابه پدیده‌ای می‌بیند که در جریان زندگی روزمره و در کنش‌ها و گفتگوها ساخته می‌شود و به نوعی بر هویت اجتماعی - فرهنگی تأکید دارد. از سوی دیگر جنکینز به بعد زمانی و مکان نیز توجه می‌کند؛ به عبارت دیگر برای وی بعد جغرافیایی هویت مهم است. در نهایت اندیشمندان پست‌مدرنی چون لیوتار فرهنگ غربی را مورد انتقاد قرار داده‌اند و معتقدند که غرب با ایجاد نظام سلسله مراتبی و دو فضایی بین غرب و سایر مناطق جهان نوعی سلطه ایجاد کرده است تا هویت غربی را بر سایر مناطق جهان مسلط کند. در حالی که به اظهار اندیشمندان پست‌مدرن انسان‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده نیز این حق را دارند که از هویت و فرهنگ خاص خود دفاع کنند. بر این مبنا می‌توان گفت که لیوتار نیز مانند رابرتسون بر بعد محلی یا قومیتی جهانی و فرهنگی هویت تأکید دارد. از سوی دیگر با ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید، هویت تحت تأثیر این فناوری‌ها قرار می‌گیرد. اندیشمندانی چون بوید و الیسون بر بعد شناختی شبکه‌های اجتماعی مجازی تأکید دارند و در واقع معتقدند که شبکه‌های اجتماعی به واسطه خصوصیتی که دارند و ابزار و امکاناتی که در اختیار کاربران خود ارائه می‌دهند، نوعی ابزار شناخت نیز هستند. همچنان که بر

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

اساس نظریه مانوئل کاستلز می‌توان گفت: کنش‌های ارتباطی انسان‌ها از محیط فیزیکی به فضای مجازی انتقال یافته و شیوه ارتباط افراد در بستر فناوری‌های نوظهور دگرگون شده است.

فرضیات تحقیق:

- به نظر می‌رسد بین اشاعه و تقویت باورهای اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) و هویت مجازی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی (مؤلفه اجتماعی) و هویت مجازی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین افزایش مشارکت سیاسی (مؤلفه سیاسی) و هویت مجازی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تصویرسازی مثبت از ساختار سیاسی (مؤلفه سیاسی) و هویت مجازی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و برحسب شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایش است. جامعه آماری این پژوهش شامل افرادی که در سن ۱۵ تا ۲۵ سال (در شهر شیراز) شامل می‌شود. با توجه به آمارنامه شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ جمعیت شهر شیراز ۱۶۳۲۰۹۸ نفر می‌باشد که ۱۷ درصد از این جمعیت گروه جوانان تشکیل می‌دهد که بعد از محاسبه تعداد جمعیت جوانان شهر شیراز برابر ۲۷۷۴۵۷ نفر گروه جوانان تشکیل می‌دهد؛ که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران تعداد نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در پژوهش پیش رو از نوع کتابخانه‌ای و میدانی بود. در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکیو، پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ می‌باشد، پرسشنامه فضای مجازی توسط لی و همکاران، پرسشنامه هویت ملی و پرسشنامه هویت اجتماعی که از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار هستند، به تهیه پرسشنامه محقق ساخت پرداخته شد. برای آزمون پایایی پرسشنامه ابتدا سؤالات بین ۶۰ نفر از پاسخگویان توزیع گردید و ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۲۲ به دست

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

آمد که با توجه به محاسبه مجدد این آزمون پس از جمع‌آوری پرسشنامه پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات مناسب به نظر می‌رسید.

برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته و یا پرسشنامه‌هایی که قبلاً روایی آن‌ها در پژوهش‌های قبلی تایید شده‌است، استفاده شده‌است. تست هویت مجازی یکی از معتبرترین تست‌های مربوط به سنجش هویت اینترنتی است که توسط دکتر کیمبرلی یانگ ابداع شده‌است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان هویت اینترنتی در افراد مختلف می‌باشد. طیف پاسخ دهی آن به صورت لیکرت بوده و دارای پنج درجه است. بنابراین نمره‌های آزمودنی‌ها بین ۲۰ تا ۱۰۰ متغیر است. گرچه تمامی متغیرهای اجتماعی ماهیتاً کیفی است اما برای سنجش دقیق‌تر و بررسی رابطه بین متغیرها از طریق پرسشنامه کمی در نظر می‌گیریم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرآیندی چندمرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که از طریق به‌کارگیری ابزارهای جمع‌آوری در نمونه آماری فراهم آمده‌اند، خلاصه، دسته‌بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل و ارتباط‌ها بین این داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرآیند داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و تکنیک‌های گوناگون آماری، نقش بسزایی در استنتاج‌ها و تعمیم‌ها به عهده‌دارند.

در این تحقیق، علاوه بر آمار توصیفی، از آمار استنباطی نیز استفاده شده‌است که برای انجام پردازش اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده گردیده‌است. در آمار استنباطی، نیز با توجه به این که سعی بر این شده که سطح سنجش متغیرهای پژوهش فاصله‌ای باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده‌است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است ۵۰/۱۷ که درصد از پاسخگویان را مردان و ۴۸/۸۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵ - ۲۰ سال و کمترین تعداد در گروه سنی ۱۵-۲۰ سال قرار دارند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۵ درصد متأهل بودند. در خصوص میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان بیشتر به رسانه‌های داخلی توجه دارند و در مقابل، مردان نسبت به زنان بیشتر از رسانه‌های خارجی همچون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

استفاده می کنند. از نظر تحصیلات ۳۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و 64 درصد پایین تر از کارشناسی می باشد.

جدول شماره ۱) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مؤلفه های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مؤلفه های اجتماعی و هویت مجازی	-0/154	0/001 Sig=
مؤلفه های سیاسی و هویت مجازی	-0/321	0/000 Sig=

با توجه به این که مقیاس متغیرهای رابطه مؤلفه های اجتماعی و هویت مجازی فاصله ای می باشد از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که با $\text{Sig} = 0/001$ رابطه کاملاً معنی داری بین مؤلفه های اجتماعی و هویت مجازی وجود دارد. ضریب به دست آمده $-0/154$ می باشد که نشان دهنده همبستگی ضعیف و معکوس می باشد، این بدان معناست که هر چه مؤلفه های اجتماعی در مرتبه بالاتری قرار گیرد به همان نسبت، هویت مجازی در آنان رو به کاهش می گذارد و بالعکس. به عبارت دیگر هر چه مؤلفه های اجتماعی اهمیت پیدا کند هویت مجازی نزد جوانان، کاهش می یابد.

برای آزمون رابطه مؤلفه های سیاسی و هویت مجازی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که با $\text{Sig} = 0/000$ رابطه کاملاً معنی داری بین مؤلفه های سیاسی و هویت مجازی وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۲ می توان گفت که ضریب به دست آمده $-0/321$ نشان دهنده همبستگی ضعیف و معکوس می باشد، این بدان معناست که هر چه مؤلفه های سیاسی در مرتبه بالاتری قرار گیرد به همان نسبت، هویت مجازی در آنان رو به کاهش می گذارد و بالعکس. به عبارت دیگر هر چه مؤلفه های سیاسی اهمیت پیدا کند هویت مجازی نزد جوانان، کاهش می یابد. جدول شماره ۲: ضرایب رگرسیونی مؤلفه های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان

شهر شیراز

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده (بتا)	رگرسیون	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	69/180	3/002			28/262	0/000
اشاعه و تقویت باورهای اجتماعی	-0/561	0/089	-0/261		-5/849	0/000
میزان اعتماد اجتماعی	-0/245	0/082	-0/165		-2/954	0/008
افزایش مشارکت سیاسی	-0/198	0/076	-0/136		-2/654	0/013
تصورسازی مثبت از ساختاری سیاسی	-0/301	0/085	-0/153		-2/789	0/006

جدول شماره (۳) ضریب تعیین مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی بر هویت مجازی بر اساس رگرسیون گام به گام

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص	خطای برآورد معیار
0/598	0/354	0/348	6/764

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان گفت که ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۵۹۸ و ضریب تعیین ۰/۳۵۴ می‌باشد. این بیانگر این می‌باشد که حدود ۰/۳۵۴ درصد از واریانس یا پراکندگی هویت مجازی توسط متغیرهای نام‌برده شده تعیین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

ورود تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت و موبایل به زندگی جوانان در سال‌های اخیر، تأثیراتی بر نگرش، هویت و سبک زندگی آن‌ها داشته است. بدون شک اینترنت و موبایل، ارتباطات میان فردی را نسبت به گذشته بسیار تسهیل کرده است و به جوانان این امکان را می‌دهد تا روابطی متفاوت و جدید را تجربه کنند. لذا با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش در راستای تعیین و مشخص کردن تأثیر مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی بر هویت مجازی نگارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که با $Sig= ۰/۰۰۱$ رابطه کاملاً معنی‌داری بین مؤلفه‌های اجتماعی و هویت مجازی وجود دارد. ضریب به دست آمده $-۰/۱۵۴$ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف و معکوس می‌باشد، این بدان معناست که هرچه مؤلفه‌های اجتماعی در مرتبه بالاتری قرار گیرد به همان نسبت، هویت مجازی در آنان رو به کاهش می‌گذارد و بالعکس. به عبارت دیگر هر چه مؤلفه‌های اجتماعی اهمیت پیدا کند هویت مجازی نزد جوانان، کاهش می‌یابد. روشن شد که با توجه $Sig= ۰/۰۰۰$ رابطه کاملاً

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

معنی‌داری بین مؤلفه‌های سیاسی و هویت مجازی وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان گفت که ضریب به‌دست آمده ۰/۳۲۲- نشان‌دهنده همبستگی ضعیف و معکوس می‌باشد، این بدان معناست که هرچه مؤلفه‌های سیاسی در مرتبه بالاتری قرار گیرد به همان نسبت، هویت مجازی در آنان رو به کاهش می‌گذارد و بالعکس. به عبارت دیگر هر چه مؤلفه‌های سیاسی اهمیت پیدا کند هویت مجازی نزد جوانان، کاهش می‌یابد و با توجه به ضریب همبستگی چندگانه که برابر با ۰/۵۹۸ و ضریب تعیین ۰/۳۵۴ می‌باشد نتیجه گرفته می‌شود، حدود ۰/۳۵۴ درصد از واریانس یا پراکندگی هویت مجازی توسط متغیرهای نام‌برده شده تعیین می‌گردد.

منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸)، «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی» (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱۰، صص: ۵۰-۲۳.
- بابایی زاده، مرضیه. (1397). بررسی آسیب‌شناسی وضعیت کنونی هویت در بین نسل هزاره سوم. اولین همایش ملی هویت کودکان در دوره پیش دبستانی. معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش.
- بوردیو، پیر (1386)، علم و تأمل‌پذیری، ترجمه یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی.
- بیات، بهرام و قنبری برزبان، علی (1397). تبیین ارتباط رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای مجازی با هویت ملی (مورد مطالعه: جوانان عرب زبان اهواز). نظم و امنیت انتظامی 11(3)، 1-27
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسل‌ها در شهرستان شوشتر، توسعه اجتماعی، 7(2)، 32-54
- تورن، آلن (1380)، نقد مدرنیته، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: گام نو.
- جنکینز، ریچارد (1381) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول
- جنکینز، ریچارد (1381)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حسن بیگی، م. (1366)، تهران قدیم، تهران: انتشارات قفنوس.
- حسین بیگی، مریم (1383)، بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خجیر، یوسف (1402)، «راهبردهای استفاده از شبکه اجتماعی بومی برای تبلیغ دین»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ارتباطات، دوره 3، 2(8).
- خدایار، ابراهیم؛ فتحی، اعظم (1387)، «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: دوره متوسطه»، مطالعات ملی، 9(35): 27-52.

بررسی مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی مؤثر بر هویت مجازی جوانان شهر شیراز

- خطیب زاده، سمیرا؛ بنی‌هاشمی، سید محسن (1401)، «طراحی مدل تولید محتوای فرهنگی برای زنان در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ارتباطات، دوره 2، شماره 3 (5)، 7-26.
- دهخدا، علی اکبر (1377)، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علیاکبر (1377) لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، موسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران
- ربانی، علی و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴ (۲)، 1-20
- رضوی زاده، نجم‌الدین (۱۳۸۵). بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- شاوردی، ته‌مین (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی مورد مطالعه دختران دانشجوی دانشگاه تهران، توسعه اجتماعی، (۳۰) ۱۱، 67-96
- فرامرزیانی، سعید و جعفری، علی (۱۴۰۰). نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل، مطالعات ملی، ۲۱ (۸۲)، 69-88
- قادرزاده، امید. (1389)، هویت جمعی غالب کردها در کشورهای عراق و ایران، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما: محمد عبداللهی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاندی، محمدرضا. (1382). «مؤلفه‌های نظری بحران»، فصلنامه راهرو. شماره 29 پاییز 1382.
- کاستلز، امانوئل (1380)؛ عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد دوم، تهران، نشر طرح نو
- گیدنز، آنتونی (1385)، درآمدی مختصر و انتقادی بر جامعه‌شناسی، ترجمه لیلا فیروزمند، فردوس.
- معین، محمد (1363)، فرهنگ معین (6 جلد)، تهران: امیرکبیر.
- معینی علمدار، جهانگیر (1374). هویت و مجاز: تأثیر هویت اینترنتی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 4
- مهدی خانی، مینا، سلطانی، سید علی اصغر و اسکندری، حسین (۱۴۰۱). مطالعه شکل‌گیری هویت جسمیت یافته زنان دهه نود با رویکرد روان‌شناسی، گفتمانی زن در فرهنگ و هنر، ۱۴ (۱)، ۷۳-۹۵.
- میر بیگ، مریم؛ بابائی، محمود (1402)، «تحلیلی بر رابطه هویت جنسیتی جوانان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ارتباطات، دوره 3، 1 (7)، 7-18.
- میرمحمدی، داود، 1383، هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین؛ حسینی، هاجر (تابستان 1387)، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، 10 (2) (مسلسل 39): 9-38.
- نعمتی، فاطمه، بلند، حسن و صیادی، علی (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه‌ای بحران هویت و انسجام خانواده در تعیین رابطه مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با نگرانی از تصویر بدنی در میان دانش‌آموزان، پژوهش‌های مشاوره، ۲۱ (۸۱)، ۲۸۰-۲۵۶

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

نواح، عبدالرضا، رشیدی، سارا و رستمی، ایوب (۱۳۹۸). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر اهواز، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۸(۲)، ۳۹۱-۴۲۱.

Bobowik, M.; Martínez, V. & Repke, L. (۲۰۲۲). Ethnocultural Diversity of Immigrants' Personal social Networks, Bicultural Identity Integration and Global Identification. *International Journal of Psychology*, ۵۷(۴), ۴۹۱-۵۰۰.

Mc Connell, E.; Neray, B.; Hogan, B.; korpak, A.; Clifford, A. & Birkett, M. (۲۰۱۸). Everybody Puts Their Whole Life on Facebook: Identity Management and the Online Social Networks of LGBTQ Youth. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ۱۵(۳), ۱-۱۹.

DOI: [10.71854/soc.2024-1123718](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1123718)

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

شاهورستگاری^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

اسدالله بابایی فرد

دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۹

چکیده

درباره تأثیر دین‌داری بر نگرش‌های سیاسی افراد، نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر کدام با در نظر گرفتن پیش فرض‌هایی به دنبال تبیین چستی رابطه بین این دو متغیر هستند. سوال اصلی این تحقیق سنجش تأثیر میزان دین‌داری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک است. هدف اصلی این پژوهش، فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه میان میزان دین‌داری و گرایش به دموکراسی است. به منظور انجام فرا تحلیل، 30 تحقیق انجام شده در رابطه با این موضوع بررسی شدند و از میان آن‌ها، 17 پژوهش، که بین سال‌های 1384 تا 1398 در زمینه رابطه بین میزان دین‌داری و گرایش به دموکراسی که در فصلنامه‌های معتبر علمی به چاپ رسیده بود، انتخاب شد. پژوهش‌های مذکور با استفاده از روش پیمایشی در جوامع آماری متفاوت و مبتنی بر سنج‌های پایا به انجام رسیده‌اند. در گام نخست ارزیابی پژوهش‌های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار مورد بررسی قرار گرفتند؛ بر این اساس یافته‌ها حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات مورد بررسی داشتند. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر میزان دین‌داری بر گرایش به دموکراسی (0.439) است که بر حسب نظام تفسیری کوهن، در حد متوسطی ارزیابی می‌شود.

واژگان کلیدی: دین‌داری، دموکراسی، فرا تحلیل، سنخ دینی، اندازه اثر

¹ نویسنده مسئول: shahorastegari@gmail.com

Meta-analysis of the relationship between religiosity and tendency towards democratic values

Shaho Rastegari¹

PhD Candidate of social issues of Iran, Kashan University, Kashan, Iran

Asadollah Babaie Fard

Associate Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan , Iran

Abstract

Regarding the effect of religiosity on people's political attitudes; There are theories and theories, each of which, by taking into account before, seeks to explain what is the relationship between these two. The main question of this research is the degree of influence of religiosity on democratic values. The main goal of this research is the meta-analysis of the researches conducted in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy. In order to carry out the meta-analysis, 30 researches conducted in relation to this subject were examined and among these 17 researches conducted between 1384 and 1398 in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy, which were published in authoritative scientific journals. And were selected. The mentioned researches have been carried out using the survey method in different statistical communities and based on reliable measures. In the first step of evaluating the selected studies, the assumptions of homogeneity and publication error were examined; Based on this, the findings indicate the heterogeneity of the effect size and the lack of publication bias of the studied studies. In the second step, the effect size coefficient was calculated using the second version of the CMA evaluation software. The obtained results showed that the effect size or the effect coefficient of the level of religiosity on the tendency to democracy is (0.439), which is evaluated at a moderate level according to Cohen's interpretation system.

Keywords: Religiosity, Democracy, Meta-Analysis, Religious Identity, Effect Size

¹ Corresponding Author: shahorastegari@gmail.com

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

مقدمه و بیان مساله

امروزه اهمیت و جایگاه توسعه سیاسی به‌مثابه افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای فردی و جمعی یک جامعه، در پیشرفت و ارتقای حیات معنوی و مادی جوامع، برکسی پوشیده نیست. در جهان معاصر، بیشتر کشورهای جهان ضرورت دموکراسی را به‌عنوان شیوه‌ای بهتر در حکمرانی پذیرفته‌اند و هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند خود را از وجود نهادهای دموکراتیک مستثنی و بی‌نیاز بداند. از مزایای دموکراسی می‌توان به افزایش کارایی حکومت، برابری، ایجاد اطمینان و آسایش در جامعه و حفاظت از حقوق مالکیت اشاره کرد. وجود جنگ‌های گوناگون در خاورمیانه، بیشتر ناظران و متفکران سیاسی را در فکر فرو برده‌است: علت وجود این حجم از خشونت سیاسی در خاورمیانه از چه چیزی ناشی می‌شود؟ چرا در بیشتر کشورهای خاورمیانه شاخص شفافیت و حکمرانی خوب تا به این حد ضعیف است؟ اهمیت این موضوع در این مساله است که: تقابل ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های دموکراتیک در خاورمیانه، در نهایت به نفع کدام گروه خواهد بود؟ اهمیت و ضرورت این مساله آنجایی مشخص می‌شود که، وجود دموکراسی در زیست روزمره شهروندان خاورمیانه به‌مثابه دارویی برای بسیاری از بیماری‌های نظام سیاسی و حکمرانی آن خواهد بود. کاهش ظرفیت حکمرانی دولت، کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی نظیر فقر، سرقط، اعتیاد، افزایش مهاجرت نخبگان علمی و سیاسی همگی مؤید این مطلب است که وجود دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک برای توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه بسیار مهم و حیاتی است، بطوری‌که راه‌حل بسیاری از این مسائل در گرو تعیین تکلیف نهاد دولت و مشارکت شهروندان در آن می‌باشد. تاریخ صدساله اخیر ایران نشان می‌دهد که نزاع اصلی در واقع بر سر دو تلقی مختلف از نحوه اداره جامعه بوده‌است و البته این دو نوع تلقی می‌تواند نام‌های مختلفی داشته باشد، اما واقعیت آن تغییر نمی‌کند. تلقی اول نگرش یگه‌سالارانه، استبدادی و باور به جامعه بسته است؛ و تلقی دوم نگرش مردم‌سالارانه و آزادیخواهانه و باور به جامعه باز است. هر دو نوع این تلقی‌ها، هم در میان دینداران و هم در میان لائیک‌ها و سکولارها مشاهده می‌شود.

پیشینه تجربی تحقیق

سید امامی و عبدالله (۱۳۸۸) در پیمایشی نشان می‌دهند که، در بین شهروندان تهرانی، انگیزه‌هایی چون تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران و احساس تکلیف شرعی، رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی و سیاسی دارند. یعنی پاسخ‌دهندگانی که در بیشتر انتخابات رأی داده‌اند، انگیزه‌های مذکور را مهمترین دلیل مشارکت ذکر کرده‌اند. طالبان و میرزایی (۱۳۸۹) در پژوهشی بر روی دانشجویان نشان دادند که، میزان دینداری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی و میزان مشارکت افراد در انتخابات) دارد؛ به این صورت که میزان دینداری بیشتر، به رأی دادن به اصولگرایان و مشارکت بالاتر در انتخابات منجر می‌شود و دینداری کمتر نیز موجب رأی دادن به اصلاح‌طلبان و مشارکت کمتر در انتخابات می‌شود. ذوالفقاری و موحدی (۱۳۹۰) با بهره‌گیری از نظریه هابرماس در خصوص تعامل دینداران و سکولارها نشان داد که بین نوع دینداری دانشجویان و نگرش آنان نسبت به ارزش‌های دموکراتیک، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رابطه‌ی نوع دینداری با نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک، رابطه‌ای معکوس است؛ یعنی هرچه دینداری در بین افراد افزایش می‌یابد، نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک منفی‌تر می‌شود.

بلوم و همکاران (۲۰۲۱) با نقد پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دینداری بر این باورند که مدل‌های موجود، توانایی تبیین و شناسایی صحیح مکانیسم‌های مداخله‌گر رابطه بین دینداری و دموکراسی را ندارد. از این رو استفاده از مدل REME (مشمول بر باورهای دینی، رفتارهای اجتماعی و رفتار خصوصی) را پیشنهاد می‌کنند. آنان بر این باورند که هیچ پاسخ آسانی برای این سؤال وجود ندارد که، آیا دینداری عامل یا مانع گرایش به ارزش‌های دموکراتیک می‌شود یا خیر؟ گات و همکاران (۲۰۰۲) با بررسی گروه‌های مذهبی جامعه ایالات متحده نشان دادند که، میزان مشارکت سیاسی در مسیحیان بیشتر از یهودیان است و گروه‌های مسیحی میانه‌رو نسبت به گروه‌های سکولار و غیرمذهبی، مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. هانگ (۲۰۰۵) با بهره‌گیری از داده‌های پیمایش جهانی به این نتیجه می‌رسد که اسلام عامل اصلی فقدان دموکراسی در خاورمیانه نیست، اما عوامل فرهنگی بر چگونگی شکل‌گیری تفکر افراد در مورد سیاست و دموکراسی تأثیر گذار است.

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

مبانی نظری پژوهش

برای تعریف دینداری در ابتدا باید دین تعریف شود. دین، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه‌های مربوط به نگرانی‌های مقدس یا معنوی را توصیف می‌کند. امیل دورکیم دین را به عنوان سیستم یکپارچه اعتقادات و اعمال نسبت به امور مقدس، تعریف کرد. ماکس وبر معتقد بود که دین می‌تواند نیرویی برای تحولات اجتماعی باشد. کارل مارکس دین را ابزاری دانست که توسط جوامع سرمایه‌داری برای تحقق نابرابری مورد استفاده قرار گرفته است. دین یک نهاد اجتماعی است، زیرا شامل اعتقادات و شیوه‌هایی است که در خدمت نیازهای جامعه است. دین نمونه‌ای از جهانی فرهنگی است، زیرا در همه جوامع به شکلی یافت می‌شود. جامعه‌شناسان ازدیدگاه‌های گوناگونی چون کارکردگرایی، نظریه تعارض و تعامل‌گرایی تلاش کرده‌اند که دین را بفهمند. دین فعالیتی انسانی است که آن را فقط در چارچوب واقعیتی که برای خود ایجاد می‌کند می‌توان به راحتی پذیرفت (داو، ۲۰۰۷).

رابرت بلا با مطرح کردن مفهوم دین مدنی، تعریفی جامع از دین ارائه می‌دهد: دین مجموعه‌ای از پاسخ‌های منسجم به پرسش‌های اصلی وجودی است که، هر گروه انسانی با آن‌ها مواجه می‌شود و دسته‌بندی کردن این پاسخ‌ها در یک شکل اعتقادی است که برای طرفدارانش مهم و معنادار است، بزرگداشت شعائر است که پیوندی عاطفی بین کسانی که در آن مشارکت می‌کنند فراهم می‌کند و ایجاد دستگاه نهادی است که کسانی را که در آن آیین و بزرگداشت سهیم‌اند در یک اجتماع گرد می‌آورد و موجبات تداوم این شعائر را از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌کند (تامسون و دیگران، ۱۹:۱۳۸۱ به نقل از بابایی فرد، ۱۹:۱۳۹۱)

مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری سازه‌های مذهبی از اواخر دهه ۱۹۵۰ جزو مباحث مهم در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بوده است. محققان دریافته‌اند که دین یک حوزه پیچیده و چند بعدی زندگی بشر است که شامل رفتارها، نگرش‌ها، عقاید، احساسات، افکار، تجربیات و ارزش‌ها می‌شود. بیشتر کارها در جامعه‌شناسی دین از گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) و سایر جامعه‌شناسانی که به دنبال ترسیم ابعاد متعدد مشارکت و تعهد دینی هستند، آغاز می‌شود. در روانشناسی دین، یک سنت مفهومی موازی شکل گرفته است. بر اساس تمایز آلپورت^۲ (۱۹۷۹) بین دین "نهادینه شده" و "درونی شده"، ابزارهای موجود در این سنت به دنبال تمایز بین انگیزه‌های "بیرونی" و "ذاتی" برای

¹ Glarck & Stark

² Alport

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تبیین تمایلات مذهبی هستند (به نقل از لوین، ۲۰۱۱، ۱). گلارک و استارک (۱۹۷۰) برای دینداری چهار بعد اصلی: باور، عمل، تجربه و دانش را به عنوان ابعاد اصلی و عمومی التزام دینی مطرح کرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۳).

دینداری در نگاه کلی به دو نوع التزام عینی (رفتاری) و ذهنی (اعتقادی و عاطفی) تقسیم می‌شود. التزام عینی به کلیه رفتارها و اعمال معطوف به خداوند که توسط سازمان مذهبی مشروع در جامعه مشخص و توصیف شده‌اند، اشاره دارد. التزام ذهنی در بردارنده اعتقاد یا شناخت از تبیین‌ها و توصیفات تأیید شده توسط یک سازمان دینی و داشتن عواطف و احساسات مساعد نسبت به آن است (استارک و فینکی، ۲۰۰۰: ۱۰۳). دینداری صفتی است مربوط به افراد که در آن فرد به الگوها و دستورات یک دین پایبند است، نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۶). دینداری یا تدین، التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی دور می‌زند که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۰).

متفکران گوناگونی بر اهمیت و جایگاه دموکراتیزاسیون در ادبیات نظری توسعه تأکید می‌کنند. تأکید بر این مهم مستلزم در نظر گرفتن تمهیدات نظری و پیش‌شرط‌های مادی موجود در بستر هر جامعه است. جامعه‌شناسانی نظیر آلموند^۲، وربا^۳، دایاموند^۴ و اینگلهارت بر نقش فرهنگ سیاسی جوامع در گذار و تثبیت دموکراسی تأکید می‌کنند. آلموند و وربا (۱۹۶۵) در کتاب معروف خود با نام فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی در پنج کشور، به مطالعه تطبیقی-تاریخی فرهنگ پنج کشور مکزیک، آمریکا، آلمان، ایتالیا و انگلستان با رویکرد انسان‌شناسانه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در درون هر نظام سیاسی، الگوی خاصی از سمت‌گیری برای کنش سیاسی وجود دارد که فرهنگ سیاسی نام دارد. آن‌ها سه نوع سنخ فرهنگ سیاسی را شامل فرهنگ سیاسی تبعی، محدود و مشارکتی شناسایی کردند و از آنجایی که هر سنخ در یک کشور به صورت تام و کمال وجود ندارد، به ترکیب این سنخ‌ها روی آوردند. نخستین کسی که اصطلاح فرهنگ سیاسی را ابداع کرد وربا و آلموند بودند. آن‌ها بر این باور بودند که ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، آداب و

¹ Lewin

² Almond

³ Verba

⁴ Dayamond

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

رسوم فرهنگ سیاسی هر کشور در کنار فرهنگ اقتصادی و فرهنگ اجتماعی آن‌ها در بحث ارتباط با نهاد قدرت و مدیریت سیاسی جامعه، نقش مؤثری در تثبیت یا عدم تثبیت نظام سیاسی در آن جامعه دارد. این نوع نگاه به فرهنگ سیاسی به‌نوعی ذات‌گرایی و ازلی‌پنداری از فرهنگ سیاسی جوامع منجر می‌شود که در آن فرهنگ سیاسی، استقلال بیش‌ازحدی از سایر اجزا و ارکان جامعه پیدا می‌کند و به‌نوعی به‌مثابه یک متغیر مستقل قدرتمند در تبیین چیرستی و چگونگی نحوه سامان‌یابی نظام سیاسی جوامع، جایگاه برتری پیدا می‌کند. وریا و آلموند (۱۹۶۵) بر این باورند که برای گذار از یک نظم استبدادی به نظامی دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت مردم، باید فرهنگ سیاسی دموکراتیک مبتنی بر تساهل، تسامح و احترام به حقوق دیگران و ارزش‌های دموکراتیک در اکثریت شهروندان آن جامعه نهادینه شود. وریا و آلموند متأثر از نگاه کارکردی پارسونز به بحث فرهنگ، جایگاه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در تثبیت نوع نظام سیاسی را بسیار مهم ارزیابی می‌کنند. تری لین کارل و فیلیپ اشمیتز (۱۹۹۱) با نقد نظریه وریا و آلموند، آن‌ها را متهم به‌نوعی این‌همانی (توتولوژی) معرفت‌شناسانه می‌کند. کارل و اشمیتز توضیح می‌دهند که بنیان این استدلال را باید وازگونه کرد تا بتوان در دنیای واقعی به آن استناد کرد. به این معنا که به‌جای این که فرهنگ سیاسی دموکراتیک را عامل دموکراتیزاسیون بدانیم، باید سرقیف را وارونه نگاه کرد یعنی اساساً این فرایند دموکراتیزاسیون است که عامل فرهنگ سیاسی دموکراتیک است و نه بالعکس. دموکراتیزاسیون با فعالیت آگاهانه کنشگران سیاسی خواهان دموکراسی در به‌چالش کشیدن نظم استبدادی مستقر، به شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی دموکراتیکی منجر خواهد شد که به تدریج این تکانه در ارزش‌های فرهنگی کنشگران حاضر در جامعه به‌مثابه تجربه زیسته مشترک درآمده و در شهروندان جامعه درونی می‌شود. با تمرین و ممارست در یادگیری دموکراسی و بازی سیاست، افراد جامعه به‌عنوان شهروندانی مسئولیت‌پذیر، داشتن فرهنگ مشارکتی تعامل با نهاد قدرت را یاد گرفته و نقش جدی و مهم در شکل‌گیری رفتار نظام سیاسی خواهند داشت و با رواج مطالبه‌گری در این پروسه، روند پاسخگویی و شفافیت عملکرد و نهادهای دولتی را در دستور کار نظام حکمرانی قرار خواهند داد. به طریقی مشابه، *دایاموند* (۱۹۹۲) نیز در کتاب معروف خود با عنوان دموکراسی در حال توسعه: به‌سوی تحکیم، بر این باور است که نه در مرحله گذار به دموکراسی بلکه در مرحله

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تثبیت دموکراسی، نقش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و مشارکتی بسیار حیاتی بوده و بدون آن این مهم میسر نمی‌شود.

لوسین پای^۱ (۱۳۷۰) برای باور است که فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از اعتقادات، بازخوردها و احساساتی است که به روند سیاسی سامان داده و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی هر جامعه دین می‌باشد. تعاریف گوناگونی از دین ارائه گردیده‌است که برخی بر جنبه‌های قدسی و الهی دین و برخی دیگر بر ابعاد کارکردی-هویتی آن تأکید می‌کنند. در بحث رابطه دین و دموکراسی، ماکس وبر (۱۳۷۳) در کتاب *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، برخلاف مارکس، به نقش مؤثر فرهنگ (دین) بر توسعه اقتصادی جوامع تأکید می‌کند. وبر برای باور است که دین در جامعه بشری به‌مثابه موتور محرکی عمل کرده که سطوح گوناگون توسعه‌یافتگی را تبیین می‌کند. در جهان با دو نوع دین سروکار داریم، *ادیان این جهانی و ادیان آن جهانی*. در ادیان این جهانی، تأکید بر سعادت و بهروزی انسان در این جهان می‌باشد، جهان محل کار و فعالیت بوده و خوشبختی در این جهان پیش‌زمینه خوشبختی و کامیابی در جهان دیگر است؛ ولی در روایت آن جهانی، مفهوم تقدیر جایگاه بسیار مهمی در نظام اندیشگی دارد. جهان مادی چیزی جز بستر آلوده‌شده به منافع و هواهای نفسانی نیست و سرنوشت انسان در این است که با ممانعت در مشارکت در این بستر مادی و آلوده، خود را برای جهان آخرت آماده کند. ترنر^۲ (۱۳۷۹) در کتاب *وبر و اسلام* معتقد است که، وبر مسیحیت پیوریتن (پروتستانی) را جزو ادیان این جهانی و اسلام را جزو ادیان آن جهانی می‌داند. در روایت وبر از اسلام، مفهوم جنگاوری و سلحشوری در شبه‌جزیره عربستان از طریق دالی به نام دین اسلام توانست قبایل و اعراب بادیه‌نشین شبه‌جزیره عربستان را در قرن ششم میلادی با یکدیگر متحد کرده و از آنجایی که شهرهای آن‌زمان عربستان کارکردی جز بازرگانی از طریق جابه‌جایی غنایم و ثروت-های به‌جای مانده از غارت سایر قبایل، کارکرد دیگری نداشتند، شهر به معنای مدرن آن در عربستان شکل نگرفت و اساساً در دین اسلام، روایت صوفیانه و سلحشوری از فعالیت و کار، هژمونی پیدا کرده و به این دلیل برای مسلمانان، تلاش در جهت ساختن دنیا و آبادانی و توسعه در درجه دوم

¹ Pay

² Turner

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

اهمیت قرار دارد و هدف اصلی مسلمین همان قرب الی الله در جهان آخرت است. رودنسون^۱ (۱۳۹۸) در کتاب اسلام و سرمایه‌داری به نظریه وبر حمله کرده و با بررسی آیات و احادیث اسلامی نشان داده‌است که اتفاقاً آموزه‌های دین اسلام، هیچ منافاتی با تشویق و توسعه سرمایه‌داری، انباشت ثروت مادی و رشد علمی ندارد. اسلام مناسبات طبقاتی را به رسمیت شناخته و به مالکیت خصوصی احترام می‌گذارد و به مسلمانان سفارش کرده‌است که با سعی و جهاد، بر مال و ثروت خود بیفزایند و برای کمک به مستمندان و ضعفاى جامعه، احکامی نظیر خمس و زکات قرار داده تا از شدت بی‌نوابی فقرا کاسته شود. زکات و خمس در اقتصاد اسلامی همان کارکرد مالیات و یارانه رفاهی و بیمه بیکاری را در سیستم سرمایه‌داری دارد.

دوتو کوئیل^۲ (۱۸۸۶) در کتاب *دموکراسی در آمریکا* بر این باور است که وجود ارزش‌های دینی در بین مردم و سیاستمداران باعث می‌شود که از غلبه شهوت‌گرایی، پول‌دوستی، مقام‌پرستی، مادی-گرایی و اجحاف حقوق ضعفا ممانعت به عمل آید و دینداری با دموکراسی هیچ تضادی ندارد. در مورد نسبت اسلام و دموکراسی دو نظریه یا پارادایم فکری کاملاً متضاد وجود دارد: تضاد اسلام و دموکراسی و مطابقت اسلام و دموکراسی.

هانتینگتون^۳ (۱۳۸۱) بر این باور است که آموزه‌های دین اسلام تضادی بنیادی با آموزه‌های الگوی دموکراسی لیبرال دارد. وی یکی از اصیل‌ترین آموزه‌های دموکراسی را جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) می‌داند درحالی‌که حکومت دینی از بنیاد با این فرض تضاد دارد. برنارد لويس (۱۳۹۶) معتقد است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اسلام سیاسی مفهوم خرسندی از جهان است که باعث می‌شود مسلمانان تلاشی در جهت گذار به دموکراسی انجام ندهند. اسلام و خاورمیانه موجودیت‌هایی عقب‌افتاده‌اند که عامل اصلی عقب‌افتادگی‌شان ارزش‌ها و اصول فرهنگی خودشان می‌باشد. به باور وی، زوال و انحطاط جوامع اسلامی که از قرن ۱۱ شروع شد، بیش از آن که مربوط به فشارهای خارجی همچون جنگ‌های صلیبی و استعمار باشد، ناشی از استبداد فرهنگی خودشان بوده‌است که مانع اقتباس‌های خلاقانه از فرهنگ‌های دیگر شده‌است. فوکویاما^۴ (۱۳۹۵) بر این باور است که در کشورهای مسلمان امکان همزیستی مسالمت‌آمیز میان اسلام و حکومت دموکراتیک

¹ Rodenson

² Dotoquiel

³ Hantightoun

⁴ Fukuyama

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

وجود ندارد. وجود میراث مسیحی در اروپای قرن نوزدهم بستر مناسبی برای گذار به دموکراسی را در غرب فراهم آورد که عدم وجود آن بستر فرهنگی در خاورمیانه، باعث شده‌است که گذار به دموکراسی اتفاق نیفتد. بایبی سعید^۱ (۱۳۷۹) معتقد است که اسلام‌گرایی در غرب به‌عنوان مساله‌ای هراس‌آور شناسانده شده‌است که به‌مثابه دالی استعلایی معنابخش، به‌مثابه عنصری وحدت‌بخش و هویت‌بخش، نقشی مهم در بازسازی و مشارکت مسلمانان در فرایند ساختن تاریخ ایفا می‌کند.

در بین علمای اسلامی نیز روایتی این‌چنین از رابطه اسلام و دموکراسی وجود دارد. مصباح یزدی در مجادلات خویش با عبدالکریم سروش در اوایل دهه هفتاد شمسی، بر این باور بود که تضادی ماهوی بین اسلام و دموکراسی وجود دارد و ریشه‌های معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متضادی بر روایت لیبرال دموکراسی و اسلام، از انسان و مطلوبیت‌های او وجود دارد. اسلام‌گرایان بنیادگرایی چون طالبان، القاعده، وهابی‌گری، سلفی‌گری، اخوان المسلمین نظیر محمد بنا، محمد قطب، سید جمال‌الدین اسدآبادی و سید قطب و دیگران نیز بر تفارق و ناسازگاری آموزه‌های لیبرال دموکراسی و حکومت اسلامی تأکید داشتند.

اما در طرف مقابل، افرادی نظیر فرد هالیدی و رونالد اینگلهارت، بر عدم تضاد و ناسازگاری اسلام و دموکراسی تأکید دارند. فرد هالیدی^۲ (۱۹۹۶) یکی از متخصصین تاریخ تحولات اجتماعی خاورمیانه و جهان عرب، بر این باور است که عدم گذار به دموکراسی در خاورمیانه را نمی‌توان صرفاً با استعانت از وجود فرهنگ سیاسی اسلامی تبیین کرد و برای تبیین این وضعیت، نباید از متغیرها و عوامل مهمی نظیر اقتصاد سیاسی خاورمیانه، نظامی‌گری و جایگاه ژئوپولیتیک خاورمیانه در جهان، میزان مدرنیزاسیون، نرخ شهرنشینی، تجارت بین‌المللی، جهانی‌شدن و بازار آزاد، نرخ باسوادی، اقتصاد رانتی مبتنی بر نفت و وجود گروه‌ها و مافیای مستبد در آن جوامع چشم‌پوشی کرد. رونالد اینگلهارت و موزلس در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جهانی در سال ۱۹۹۳، پرسشنامه استاندارد گرایش به ارزش‌های دموکراتیک را در بین ۳۵ هزار نفر در ۲۶ کشور جهان توزیع کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که میزان گرایش به دموکراسی در بین مسلمانان، تفاوت معنادار آماری با سایر نقاط جهان ندارد و میزان گرایش به دموکراسی در این کشورها همانند سایر کشورهای مسیحی، یهودی و بودایی می‌باشد و درصد بسیار بالایی از مردم خاورمیانه اظهار داشته‌اند که به ارزش‌های تساهل و

¹ Saieed

² Halidey

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

تسامح پایبندند و از حکومتی دموکراتیک دفاع کرده بودند. در بین اندیشمندان اسلامی نیز روشنفکران دینی نظیر سروش (۱۳۷۵)، مجتهد شبستری (۱۳۸۱) و مصطفی ملکیان (۱۳۸۱) برای باورند که بین اسلام و دموکراسی تضاد بنیادین و ماهوی وجود ندارد و با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌توان مدلی از سیستم حکمرانی دموکراتیک را نهادینه کرد که، در آن با مشارکت حداکثری مردم و وجود سازوکارهای دموکراتیک، بر نحوه تصمیم‌گیری نهادهای حکومتی نظارت شود و مانع از تثبیت استبداد و دیکتاتوری گردد.

گرهارد لسنکی^۱ متأثر از وبر برای باور بود که دین می‌تواند کنش‌های سیاسی و اقتصادی را محدود کند. وی بر تمایز گرایش سیاسی محافظه‌کاران مذهبی در انتخاب احزاب سیاسی در آمریکا تأکید می‌کرد. محافظه‌کاران مذهبی بیشتر طرفدار حزب جمهوری‌خواه هستند چرا که، این حزب بر ارزش‌های اخلاقی محافظه‌کارانه و محدودیت‌های اجتماعی منبعث از آموزه‌های مسیحیت ارتودوکس تأکید دارد. از طرفی دیگر، لیبرال‌های مذهبی، بیشتر طرفدار حزب دموکرات هستند که در سیاست آن حزب طرفداری از حقوق همجنس‌گرایان، زنان، دگرباشان جنسی، آزادی‌های اجتماعی و رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۸).

فرضیه تحقیق

فرضیه، حدس و گمان علمی و خردمندانه‌ای است که محقق در مورد روابط یک یا چند متغیر پژوهش خود دارد. این گمان‌ها، نشان‌دهنده‌ی نتایج مورد انتظار از پژوهش است. در واقع پژوهشگری که قصد دارد رابطه‌ی دو متغیر را در طرح خود مورد بررسی قرار دهد، قبل از شروع، نتایجی را که قرار است در مطالعه‌ی خود به صورت علمی به بررسی آن پردازد، پیش‌بینی می‌کند. فرضیه یک پاسخ آزمایشی برای سوال تحقیق فراهم می‌کند که هنوز آزمایش نشده است. به دیگر سخن فرضیه عبارت یا جمله‌ای است که ارتباط مورد انتظار بین دو یا چند متغیر را در یک جمعیت خاص بیان می‌کند. زمانی که رابطه و همبستگی بین پدیده‌ها و متغیرهای پژوهش مورد توجه است، از فرضیه استفاده می‌شود. در این پژوهش رابطه بین دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

¹ Lensky

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مورد بررسی قرار خواهد گرفت و به بررسی این فرضیه خواهیم پرداخت: بین دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش فراتحلیل است. فراتحلیل، رویکردی کمی است که با هدف ترکیب سیستماتیک نتایج پژوهش‌های پیشین، در راستای رسیدن به اهدافی نظیر کشف خلاء علمی، اثربخشی نتایج و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های جدید انجام می‌شود. فراتحلیل در واقع شکلی از فرارزشیابی است که به تحلیل‌های مستقل چندگانه‌ای، از مجموعه واحدی از ارزشیابی‌ها، معطوف است که در آن بدون صرف زمان و یا پول زیاد به‌دوراز هزینه‌های اصلی، کدگذاری داده‌ها و اطلاعات در مطالعات و ارزشیابی‌های اولیه تکمیل می‌شود (طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۴۴). روش فراتحلیل، با استفاده از آمار استنباطی به ترکیب نتایج مجموعه‌ای از پژوهش‌ها (با آزمون یک فرضیه یکسان) می‌پردازد که از چند مرحله تشکیل شده است:

جدول ۱. مراحل انجام روش فراتحلیل

مرحله	فعالیت	توضیح
1	تعریف موضوع	رابطه دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک
2	احصاء پژوهش‌های قبلی	جامعه آماری: تمام مقاله‌های منتشر شده مرتبط با موضوع (45 مقاله) در سامانه‌های SID، IRANDOC، MAGIRAN، NOORMAGS
3	غربالگری و گزینش	انتخاب 17 سند با داشتن معیارهایی نظیر مشخص بودن حجم نمونه، ضریب همبستگی، سطح معنی‌داری
4	طبقه‌بندی و کدگذاری	تنظیم جدول اطلاعات پژوهش‌ها شامل نام نویسنده (ها)، سال انتشار، جامعه آماری، حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری، ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری
5	ورود داده‌ها به نرم افزار	اطلاعات جدول در نرم‌افزار CMA وارد گردید.

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

6	آنالیز داده ها	ترسیم نمودار کیفی، محاسبه ضریب همبستگی رتبه ای بگک و مزومدار، آزمون Q (بررسی ناهمگونی)، ترسیم مدل اثرات تصادفی جهت ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر
---	----------------	--

نتایج تحقیق

یافته های توصیفی

جدول ۲. خلاصه تحقیقات انجام شده

نویسنده	جامعه آماری	شهر	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	نظریه استفاده شده	میزان همبستگی	سطح معنی داری
1	ذوالفقاری و اوحدی (1388)	تهران	707	طبقه های نسبی	هابرماس / ویر / شفیلد	.024	0.000
2	حاتمی و دیگران (1392)	مغان	335	تصادفی	وربا / راش	.270	0.779
3	خانیکی و سرشار (1391)	سنندج	365	تصادفی خوشه ای	آلموند و وربا	$X^2=25.274$ V Cramer=0.36 4	0.14
4	گلچین و دیگران (1387)	تهران	300	تصادفی	روزنام / رز و میشلز / اینگلهارت	0.437	0.000
5	جهانگیری و ابو ترابی زارچی (1391)	شیراز	430	تصادفی طبقه بندی شده	گیدنز / آلموند	0.564	0.000
6	شیرعلی زاده و دیگران (1392)	خلخال	331	طبقه بندی تصادفی ساده	ترنر / مارشال / هابرماس / پارسونز	0.580	0.000

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

7	رهبر قاضی و دیگران (1395)	شهروندان	اصفهان	339	تصادفی خوشه- ای	وبر	-0.220	0.000
8	مؤمنی و دیگران (1395)	دانشجویان	شیراز	376	تصادفی ساده	دورکیم / آلپورت	0.180	0.724
9	صالح آبادی و قندهاری (1390)	شهروندان	نیشابور	295	تصادفی متناسب با حجم نمونه	لنسکی / وبر	-0.311	0.000
10	سراج زاده و دیگران (1383)	دانشجویان	مشهد	235	تصادفی ساده	آلپورت/دورکیم	-0.629	0.000
11	زالی زاده و دیگران (1397)	دانشجویان	اهواز	374	طبقه بندی متناسب با حجم	بندورا/آدورنو آلتیمیر/ پاتنام/ دورکیم	-0.360	0.015
12	نائبی و میرزایی (1397)	شهروندان	تهران	384	تصادفی از 60 بلوک تصادفی	اینگلهارت/ دوتوکویل	0.550	0.000
13	ملانکه و امیری فر (1397)	شهروندان	ایذه	376	خوشه ای و تصادفی ساده	گلارگ و استارک/ هانتینگتون/ لیست	0.340	0.000
14	احمدی و دیگران (1396)	دانشجویان	سندج	380	سهیمه ای متناسب با حجم نمونه	تسلر/ گانو	-0.177	0.23
15	کشاورز و دیگران (1392)	شهروندان	اصفهان	384	سهیمه ای	وبر/ دوتوکویل	0.870	0.000
16	یکتاپرست و دیگران (1398)	شهروندان	رشت	385	خوشه ای	پارسونز/ بلا/ وبر	0.616	0.000
17	زارع و روهنده (1395)	شهروندان	کرج	400	خوشه ای چندمرحله ای	وربا/ اینگلهارت/ دال	0.515	0.000

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

در جدول شماره ۳ اثر ترکیبی ثابت و تصادفی پژوهش های منتخب به همراه اثر تفکیکی هر مقاله مشخص شد.

جدول ۳. اثر تفکیکی پژوهش ها به همراه اثر ترکیبی ثابت و تصادفی

ردیف	پژوهشگر	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	p-value	z-value
1	ذوالفقاری	.240	.169	.308	6.495	0.000
2	حاتمی	.270	.168	.367	5.045	0.000
3	خانگی	.263	.165	.356	5.124	0.000
4	گلچین	.437	.341	.524	8.074	0.000
5	جهانگیری	.564	.496	.625	13.198	0.000
6	شیرعلی زاده	.580	.504	.647	11.998	0.000
7	رهر قاضی	-.220	.116	.319	4.100	0.000
8	مؤمنی	.018	-.083	.119	0.348	0.728
9	صالح آبادی	-.311	.204	.411	5.496	0.000
10	سراج زاده	-.629	.545	.701	11.268	0.000
11	زالی زاده	-.360	.268	.445	7.259	0.000
12	نایی	.550	.476	.616	12.070	0.000
13	ملانکه	.340	.247	.426	6.839	0.000
14	احمدی	-.177	.078	.273	3.473	0.000
15	کشاوری	.870	.843	.892	26.021	0.000
16	یکتا پرست	.616	.550	.674	14.044	0.000
17	زارع	.515	.439	.584	11.347	0.000
	اثرات ترکیبی ثابت	.430	.410	.450	36.679	0.000
	اثرات ترکیبی تصادفی	.439	.313	.550	6.292	0.000

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که اندازه اثر ترکیبی ثابت، ارتباط بین دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک ۰.۴۳۰ است که بین حد پایین (۰/۰.۴۱۰) و حد بالای (۰/۰.۴۵۰) فاصله اطمینان قرار داشته و با اطمینان ۹۹ درصدی معنادار بوده است. اثر ترکیبی تصادفی نیز با عدد ۰/۰.۴۳۹ فی مابین حد پایین (۰/۰.۳۱۳) و حد بالای (۰/۰.۵۵۰) معنادار شد. در بین ۱۷ مقاله منتخب، کوچک‌ترین مقدار اندازه اثر ۰.۳۶۰- مربوط به مطالعه زالی زاده (۱۳۹۷) و بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر ۰/۰.۶۱۶ مربوط به مطالعه یکتاپرست (۱۳۹۸) بوده است.

یافته‌های استنباطی

در این مرحله از فراتحلیل، لازم است به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این روش پژوهشی، یعنی همگن بودن پژوهش‌های صورت گرفته و بررسی خطای انتشار پرداخته شود.

بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده

چنانچه محقق درصد آن باشد که مشخص کند، کدام‌یک از مدل‌های اثر ثابت یا تصادفی، باید مبنای تحلیل قرار گیرد؛ لازم است، از آزمون همگنی مطالعات استفاده کند. فرض صفر و فرض خلاف آزمون Q به‌قرار زیر است:

فرض صفر: بین پژوهش‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد (فرض همگنی)

فرض خلاف صفر: بین پژوهش‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد (فرض ناهمگنی)

جدول ۴. مقدار آزمون کیو

I-SQUARED(12)	سطح معنی‌داری	درجه آزادی DF	مقدار آزمون Q	شاخص آماری
97.174	0.000	16	566.204	نتایج

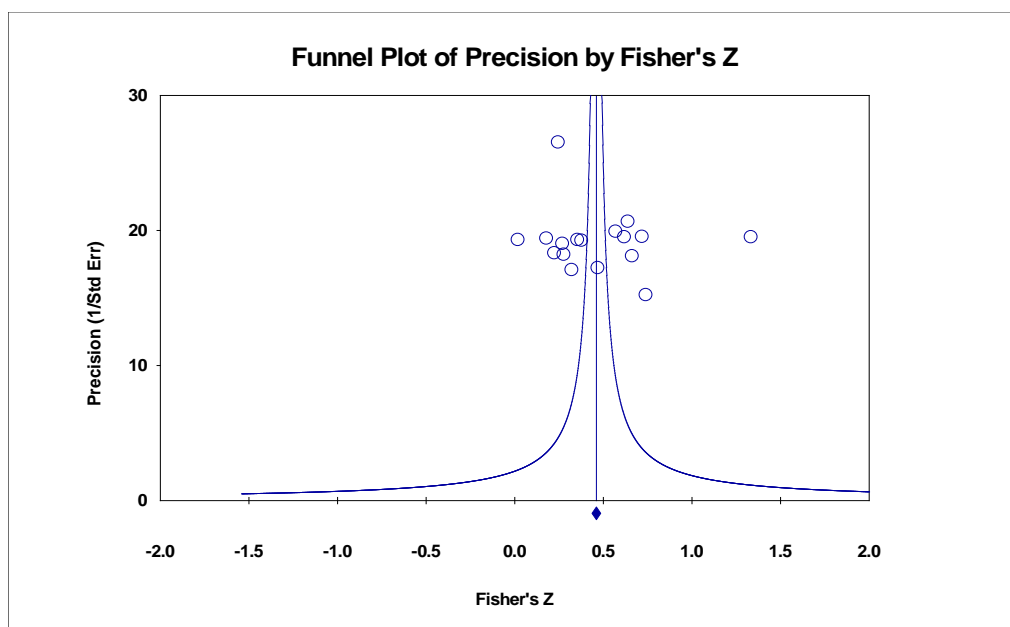
اگر فرض صفر (همگنی) مورد پذیرش قرار گیرد و بین پژوهش‌ها تفاوت معنی‌داری برقرار نباشد از مدل اثرات ثابت استفاده می‌کنیم؛ در غیر این صورت از مدل اثرات تصادفی بهره می‌بریم، یعنی بین پژوهش‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و فرض ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود. مدل اثرات ثابت، تفاوت بین اندازه‌های اثر را ناشی از خطای نمونه‌گیری و تغییرات بین پژوهش‌ها مفروض می‌داند. پیش‌فرض مدل اثرات تصادفی این است که پژوهش‌های منتخب، یک نمونه

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

تصادفی از تمام پژوهش های انجام شده است و تفاوت بین اندازه های اثر، ناشی از خطای اندازه گیری و تمایزات ذاتی بین پژوهش هاست. برای تشخیص ناهمگونی پژوهش ها از آماره Q و I^2 استفاده می شود. در این تحقیق با توجه به میزان شاخص $Q(۵۶۶.۲۰۴)$ و $I^2(۹۷.۱۷۴)$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض ناهمگونی تأیید می شود و باید از مدل اثرات تصادفی برای ترکیب یافته ها بهره گرفت. به عبارتی بهتر، ۹۷.۱۷۴ درصد از تغییرات تمام پژوهش ها با ناهمگنی آن ها (از نظر جامعه آماری، آماره های بکاربرده شده، ابزارهای اندازه گیری و غیره) قابل تبیین است. به زبان ساده تر، بررسی رابطه بین دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک با درصد بالایی از منظر خصوصیات پژوهش ها تفاوت دارند.

سوگیری انتشار

در مرحله احصاء مقاله های مرتبط با موضوع رابطه دین داری بر گرایش های دموکراتیک، ممکن است برخی از پژوهش ها بنا به دلایلی هرگز منتشر نشده باشد و پژوهشگر امکان دسترسی به نتایج آن ها را نداشته باشد. این مساله به خطای انتشار منجر می شود و ممکن است اعتبار نتایج فرا تحلیل را مخدوش کند. نمودار کیفی، یکی از ابزارهایی است که برای بررسی سوگیری انتشار به کار برده می شود



در بررسی نتایج نمودار کیفی، به نحوه تقارن یا عدم تقارن مطالعات انجام شده در اطراف اندازه اثر ترکیبی توجه می‌شود. در این نمودار نحوه تقارن اشکال، نشان دهنده عدم سوگیری انتشار است. ذکر این نکته لازم است که این تقارن نسبی بوده و برای تدقیق بیشتر موضوع سوگیری، باید از آزمون‌های آماری تخصصی، نظیر رگرسیون خطی استفاده کرد.

آزمون بگ و مزومدار

در این آزمون، همبستگی رتبه‌ای بین واریانس اثرات استاندارد و اندازه اثر را مورد سنجش قرار می‌دهند. برای تفسیر این آزمون، از میزان انحراف از عدد صفر بهره می‌برند. عدد صفر به معنی عدم رابطه بین اندازه اثر و دقت است و هر گونه انحراف از عدد صفر، وجود رابطه بین این دو را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (TAU)	Z-VALUE	سطح معنی‌داری
نتایج	0.093	36.679	0.000

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

فرض صفر: بین اندازه اثر و دقت، تفاوت معناداری وجود ندارد (فرض عدم سوگیری نشر)
فرض خلاف صفر: بین اندازه اثر و دقت، تفاوت معناداری وجود دارد (فرض سوگیری نشر)
نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد، مقدار تائو کندال بی برابر با ۰.۰۹۳ است؛ که می توان گفت: علیرغم وجود رابطه بین اندازه اثر و دقت، این رابطه معنی دار نبوده و فرض صفر مبتنی بر عدم سوگیری نشر، تأیید می شود.

ضریب اندازه اثر

پس از تأیید مقدمات مربوط به عدم سوگیری نشر و تأیید فرض ناهمگنی مطالعات، به تحلیل اندازه اثر رابطه بین دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک، می پردازیم.

جدول ۶. جدول ضریب اندازه اثر

رابطه	تعداد مطالعات	اندازه اثر (R)	حد پایین	حد بالا	Z-VALUE	P-VALUE
رابطه بین دین داری و گرایش به دموکراسی	17	.439	.313	.550	6.292	0.000

اندازه اثر یک مفهوم آماری است که قدرت رابطه بین دو متغیر را در مقیاس عددی اندازه گیری می کند که مهمترین و معروف ترین اصطلاح مورد استفاده در روش فراتحلیل است. به طوری که رزنتال و دیمیتو (۲۰۰۱) از آن به عنوان شاه مهره فراتحلیل یاد می کنند (رزنتال و دیمیتو، ۲۰۰۱: ۷۰). این مرحله دارای ابعاد گوناگونی نظیر فرایند تعریف و بررسی مناسبات بین آزمون های مختلف معنی دار و اندازه اثر آزمون ها و روش های مختلف برای تعریف و برآورد اندازه اثر آزمون است (قاضی طباطبایی و ودادحیر، ۱۳۸۹: ۱۰۴). سطح معنی داری این آزمون (کمتر از ۰.۵)؛ معنی دار بودن و تصادفی نبودن تفاوت موجود بین آمارها و پارامتر را بیان می کند. کوهن (۱۹۸۸) بدون توجه به مفهوم ضمنی علیت؛ اندازه اثر را به یکی از این دو معنا به کار می برد: حدی که فرضیه صفر نادرست است یا حدی که پدیده مورد نظر در جمعیت موجود است. هر چه این مقدار بیشتر باشد، میزان بروز پدیده مورد مطالعه در جمعیت هم بیشتر خواهد بود (به نقل از کوپر، ۱۳۷۹). بر اساس مقدمات قبلی و تحلیل نتایج جدول ۵ برای سنجش اندازه اثر دین داری بر گرایش به ارزش های دموکراتیک، از شاخص اثرات ترکیب تصادفی استفاده می کنیم؛ که در این تحقیق با آنالیز داده های مربوط به ۱۷

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مقاله منتخب اندازه اثر (R) معادل ۰.۴۳۹ بوده که نشان‌دهنده تأثیر متوسط دینداری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک است.

پژوهشگر درصدد است در راستای تعیین ناهمگنی مقاله‌های منتخب از متغیر تعدیل‌کننده استفاده کند تا واریانس بین مطالعات را تعیین کند. متغیر تعدیل‌کننده، متغیری است که به صورت مستقیم بر جهت یا میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته می‌تواند مؤثر باشد. اثرات این متغیر، قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. فراتحلیل باید مشخص کند که کدام متغیرهای تعدیل‌گر توانایی تبیین واریانس موجود و تفاوت‌ها را دارد. در این مرحله تلاش شد مهم‌ترین متغیرهای پژوهش‌های ۱۷ گانه منتخب، مورد بازبینی قرار گیرند که متأسفانه برخی از آن‌ها در تمام پژوهش‌ها ذکر نشده‌اند. در بین این متغیرها صرفاً دو متغیر نوع پاسخگویان و بستر تحقیق، به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند.

بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر نوع پاسخگویان

نتایج حاصل از بررسی متغیر نوع پاسخگویان به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به شرح جدول زیر است:

جدول ۷. نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک به تفکیک پاسخگویان

مدل اثرات تصادفی			مدل اثرات ثابت			تعداد اندازه اثر	مخاطبان
p-value	z-value	اندازه ترکیبی	p-value	z-value	اندازه ترکیبی		
0.000	4.193	.531	0.000	30.648	.543	7	شهروندان
0.000	5.424	.368	0.000	22.321	.347	10	دانشجویان
0.000	6.731	.403	0.000	36.679	.430	17	کل

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که بین شهروندان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰.۵۴۳ و در دانشجویان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰.۳۴۷ است که هر دو در سطح ۰.۰۰۰ معنادار هستند. به‌بیان‌دیگر دین‌داری در بین دانشجویان تأثیر کمتری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک آن‌ها به نسبت شهروندان داشته است. گرایش به دموکراسی در بین شهروندان بیشتر از دانشجویان، متأثر از میزان دین‌داری آنان است. تفاوت دانشجویان و شهروندان در این مساله را می‌توان با عواملی نظیر فرایند رشد عقلانیت ابزاری، غلبه گفتمان سکولاریسم و تفوق علم بر دین، تضعیف اقتدار سنتی دینی، تغییر شبکه تعاملی

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

دانشجویان در محیط دانشگاه، استفاده از تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی و نگرش انتقادی بالای دانشجویان و نسل جوان نسبت به آحاد شهروندان در خصوص دینداری (به ویژه در ابعاد اعتقادی و مناسکی) تبیین کرد.

بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیر بستر تحقیق

جدول ۸. نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه دین داری و گرایش به دموکراسی به تفکیک بستر تحقیق

مدل اثرات تصادفی			مدل اثرات ثابت			تعداد اندازه اثر	بستر تحقیق
p-value	z-value	اندازه ترکیبی	p-value	z-value	اندازه ترکیبی		
0.000	4.162	.535	0.000	30.397	.513	7	مرکز
0.011	2.534	.485	0.000	11.600	.467	2	شرق
0.007	2.694	.334	0.000	14.031	.343	4	جنوب
0.001	3.270	.333	0.000	12.677	.327	4	غرب
0.000	6.253	.398	0.000	36.679	.430	17	کل

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بالاترین اندازه اثر در بین در مرکز با ۰.۵۱۳ و کمترین اندازه اثر در مدل تصادفی ۰.۳۲۷ ساکنین مناطق غربی است که هر دو در سطح ۰.۰۰۰ معنادار هستند، همچنین به طور کلی اندازه اثر در همه شهرها ۰.۴۳۰ است. به بیان دیگر، دین داری در مناطق مرکزی تأثیر بیشتری بر گرایش به ارزش های دموکراتیک به نسبت سایر مناطق داشته است. در واقع می‌توان گفت گرایش به ارزش های دموکراتیک در مناطق مرکزی بیشتر متأثر از دین داری آن‌ها است. تفاوت میزان دینداری در مناطق مرکزی کشور با سایر مناطق کشور را، می‌توان با توسعه آمرانه و نامتوازن مناطق گوناگون ایران در بستر تحولات تاریخ معاصر (ظهور دولت مدرن، انکشاف مناسبات سرمایه داری، تضاد مرکز-پیرامون، رشد شهرنشینی، سبک زندگی جدید و افزایش سکولاریسم) توضیح داد.

نتیجه گیری

نسبت دین و دموکراسی یا نسبت سنجی دین و دموکراسی یکی از موضوعات مهمی است که، طی حداقل یک صد و پنجاه سال اخیر، در میان اندیشمندان مسلمان بحث‌های گرم و پرتبوتایی

برانگیخته است. در یک سده‌ی گذشته، دین همواره در کانون هویت جامعه بوده و ادبیات غنی و متنوعی را پیرامون خود خلق کرده‌است. در دوره‌ی بعد از انقلاب، تغییر ارزش‌ها به دلیل تغییر زیرساخت‌های اصلی جامعه به تندی صورت گرفت. اما پس از جنگ تحمیلی و تغییر ساختار اقتصادی، ارزش‌های جامعه به تدریج دگرگون شد. نابرابری‌های اجتماعی افزایش یافت و در پی آن ارزش‌های دینی به سمت ارزش‌های غیر دینی و غیر مذهبی گرایش یافت. بنابراین در شرایط کنونی، اگر چه دین کماکان به عنوان معتبرترین، جدی‌ترین و فراگیرترین عامل، در این عرصه محسوب می‌گردد؛ اما یگانه سازنده و پردازنده نظام صدقی حاکم بر جامعه ایرانی نیست. از این رو، در جامعه امروز ایرانی، شاهد فراهم آمدن امکان بقا و پویایی منظومه‌های غیر دینی، که بعضاً به‌عنوان رقیب دین نقش‌آفرینی می‌کنند، هستیم. افزون بر دلایل فوق، می‌توان به پدیده‌ی سیاست‌زدگی مفرط سپهر عمومی امروز جامعه اشاره کرد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۰). در نقطه مقابل این نظر، بنیامین هرتربرگ^۱ (۲۰۲۰) این مساله را مطرح می‌کند که گروه‌های دینی چگونه می‌توانند به تقویت هنجارهای اخلاقی گفتمان لیبرال دموکراسی کمک کنند و آن‌ها را تقویت کنند و توسعه دهند. در جوامع غربی که در سال‌های اخیر رشد افسارگسیخته جنبش‌های راست افراطی و نژادپرستانه را شاهد هستیم، سیاستگذاری دولت‌ها باید به گونه‌ای باشد که با استفاده از مفهوم زندگی به‌مثابه دموکراسی، شهروندان دین‌مدار را به مشارکت سیاسی و اجتماعی در زیست روزمره جوامع لیبرال دموکراسی ترغیب کند، از استدلال‌های معرفتی-اخلاقی آن‌ها برای توسعه و تعمیق مرزهای دموکراسی و افزایش تساهل و مدارا استفاده کرده، با تشویق آن‌ها به مشارکت در گفتمان لیبرالیسم، این گزاره را تفهیم کند که گسترش گفتمان دموکراسی مستلزم مشارکت گروه‌های گوناگون فکری در درون اجتماعات معرفتی متنوع و به هم پیوسته جامعه می‌باشد و مشروعیت‌پذیری دولت‌ها نیز از این طریق افزایش پیدا می‌کند.

هیچ پاسخ آسانی برای این سؤال وجود ندارد که آیا دینداری باعث ترویج گرایش به دموکراسی می‌شود یا خیر؟ پژوهش‌های متقدم در حوزه جامعه‌شناسی دین؛ عمدتاً به دینداری به عنوان منبع جهت‌گیری‌های ضد دموکراتیک اشاره می‌کردند ولی مطالعات تجربی متأخرتر؛ شواهد کمتری در این زمینه پیدا کرده و از تأثیرهای گوناگون دینداری بر ارزش‌های دموکراتیک در درون

¹ Hertzberg

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

طیفی شامل مثبت، منفی یا خنثی سخن می‌گویند. به‌عنوان مثال دی هان و شولنبرگ (۱۹۹۷) در پژوهش خود بر روی دانشجویان کالج آمریکایی، به رابطه منفی بین سنجه سخت‌کیشی (التزام به هویت دینی بدون بررسی عمیق) و دستاورد دینی (رسیدن به یک تعریف خوب تعهد پس از یک دوره اکتشاف فعال) با شاخص علاقه به اثربخشی سیاسی و خارجی دست پیدا کردند. در حالی که بین ابعاد ارتودکسی مسیحی و اهمیت معبد/کلیسا شاخص مربوطه رابطه‌ای خنثی به‌دست آمد. براساس نظر الکسی دو توکویل دینداران می‌توانند دارای یک فرهنگ دموکراتیک باشند و یا بر عکس در مقابل آن مقاومت کنند. وی با بررسی دو نظام اجتماعی در آمریکا و فرانسه نشان داد که چگونه روحیه دینی در آمریکا موفق به ایجاد یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک شده‌است و چگونه روحیه دینی در فرانسه، در راه شکل‌گیری دموکراسی، مانع ایجاد کرد. دو توکویل استدلال می‌کند که اصول دینی منبعث از سنت‌های یهودی-مسیحی، پایه‌های اخلاقی لازم برای آزادی را فراهم می‌کند. در واقع، گروه‌های مذهبی در خط مقدم جنبش‌های دموکراتیزاسیون و در مبارزات برای آزادی (مانند حقوق زنان و لغای برده‌داری) بوده‌اند (نپستاد و ویلیامز، ۲۰۰۸؛ تافت و همکاران ۲۰۱۱). متفکران دیگر، مانند رالز و هابرماس با این استدلال که چون اعتقادات مذهبی در خدمت اهداف دموکراتیک نیستند و باید از حوزه سیاسی کنار گذاشته شود، موافق نیستند (هابرماس، ۲۰۰۶؛ رالز، ۱۹۹۳). مجتهد شبستری (۱۳۸۱) نیز با تأکید بر منشاءهای متفاوت ارزش‌های دینی و ارزش‌های دموکراتیک (اصالت قرارداد، رضایت و قبول عامه به‌عنوان منبع مشروعیت، اصالت برابری مدنی، اصالت قانون و قانونگرایی)، بر لزوم همراستایی و همگرایی این دو نوع از ارزش‌ها در مسیر رسیدن به توافق و تفاهم جمعی تأکید می‌کند.

میرا ماردی (۱۳۸۳) بر این باور است که در نگاه اول، هر دینی تقریباً غیردموکراتیک است؛ زیرا در دین اصل بنیادین، همنوایی و تبعیت است در حالی که دموکراسی مبتنی بر تنوع و تفاوت است؛ ولی با این حال بر این نظر است که هر دین تنها مجموعه‌ای از باورهای جزئی و هنجارها نیست بلکه دارای جنبه‌های نهادی و شخصی هم هست. کلیساهاییکه بعضی از آن‌ها بسیار قدرتمند هستند، وجود دارند که فعالیت‌های نهادی آن‌ها صرف نظر از این که دقیقاً دینی یا بیشتر دنیایی است، بر فرایندهای سیاسی اثر دارند و یا خود، بخشی از این فرایندها هستند. هانتینگتون (۱۹۹۱) در تحلیل فرایندهای دموکراتیک شدن دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، به نقش مهم کلیسای کاتولیک اشاره می‌کند و تغییر موضع

کلیساهای ملی از مدافعان وضع موجود به مخالفان اقتدارگرایی و حاملان اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را یکی از پنج علت غیراصولی می‌داند که پدیده موج سوم دموکراسی را تبیین می‌کند. فرضیه کلی هانتینگتون از این هم قاطع‌تر است؛ زیرا بیانگر رابطه بین گسترش مسیحیت و توسعه دموکراسی است.

نتایج تحقیق همراستا با پژوهش‌های ذوالفقاری و واحدی (۱۳۸۸)، حاتمی و دیگران (۱۳۹۲)، خانیکی و سرشار (۱۳۹۱)، گلچین و دیگران (۱۳۸۷)، جهانگیری و ابوترابی (۱۳۹۱)، شیرعلی زاده (۱۳۹۲)، نایی و میرزایی (۱۳۹۷)، ملائکه و امیری فر (۱۳۹۷)، یکتاپرست و دیگران (۱۳۹۸)، زارع و روهنده (۱۳۹۵)، کشاورز و دیگران (۱۳۹۲) بر رابطه متوسط بین دینداری و گرایش به رازش‌های دموکراتیک، تأکید می‌کند. در اکثر مقالات و پژوهش‌های گفته شده، دینداری بر روی گرایش به دموکراسی، تأثیر منفی می‌گذارد؛ چرا که این نوع پژوهش‌ها صرفاً بر روی میزان دینداری افراد تأکید می‌کنند و نوع دینداری افراد مورد سنجش قرار نمی‌گیرد. در حالی که در تحقیقاتی که نوع دینداری افراد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، دین‌داران شبه سکولار گرایش به مراتب بیشتری به دموکراسی دارند تا دین‌داران مناسکی و سنتی و بنیادگرا. از دین نیز، مانند هر ایدئولوژی دیگری، روایت‌ها و خوانش‌های متعددی شده‌است و نمی‌توان تمام آن روایت‌ها را به یک روایت تقلیل داد. عبدالکریم سروش (۱۳۷۵) با رهیافتی معرفت‌شناسانه، انواع دینداری را شامل مصلحت‌اندیش، معرفت‌اندیش و تجربیت‌اندیش می‌داند. مجتهد شبستری (۱۳۸۱) با رویکردی هرمنوتیکی به دین، قرائت رسمی دین را از قرائت انسانی آن جدا می‌کند. مصطفی ملکیان (۱۳۷۸) دینداری را بر سه تیپ بنیادگرا، تجددگرا و سنت‌گرا می‌داند. محسن کدیور (۱۳۸۳) دین را شامل، سنت‌گرایانه، بنیادگرایانه و نواندیشانه می‌داند و ویلیام شپرد^۱ (۲۰۰۴) نیز در مواجهه جامعه‌شناسانه با دین، آن را به پنج قسم سکولار، تجددگرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی و سنت‌گرایی جدید تقسیم بندی کرده‌است. در این تحقیق با بررسی ۱۷ مطالعه که در نشریات معتبر علمی - پژوهشی در ایران منتشر شده‌اند، ضرایب تأثیر دینداری بر گرایش به دموکراسی را مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که: در حد متوسطی دینداری بر گرایش به دموکراسی تأثیر دارد. میزان این تأثیر در بین شهروندان جامعه بیشتر از دانشجویان است و البته در مناطق مرکزی ایران این تأثیر بیشتر

¹ Sheperd

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

از سایر مناطق است. جامعه ایران در حال گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن است و این گذار مستلزم رعایت اسلوب‌ها و قواعد دموکراتیک در نظام سیاسی حکمرانی ایران است. به رسمیت شناختن تنوع اندیشگی در ایران، پیش شرط گذار به دموکراسی و توسعه است و این مهم، در چارچوب نظمی اقتدارگرا امکان‌پذیر نیست. حل مشکلات و تضادهای جامعه ایران با جامعه بین‌الملل نیز در گرو درکی واقع‌بینانه و منطقی از جایگاه کشور ایران و حکومت، در ژئوپولیتیک منطقه است.

منابع و مأخذ

- احمدی، یعقوب؛ محمدزاده، حسین؛ مجیدی، ابوبکر. (1396). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی (69)، شماره اول، صص 107-128.
- بابایی فرد؛ اسدالله. (1391). دیدگاه‌های رابرت بلا درباره دین مدنی، فصلنامه تخصصی مطالعات اجتماعی دین، سال اول، شماره اول، صص 24-18.
- پای، لوسین. (1370). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره 5-6، سال سوم، پاییز و زمستان، 47-37.
- تاجیک، محمدرضا، 1384، دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ترنر، برایان. (1379). ماکس وبر و اسلام، ترجمه سعید وصالی، نشر مرکز.
- جهانگیری، جهانگیر؛ ابوترابی زارچی، فاطمه. (1391). بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه‌ی موردی دانشگاه شیراز، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره 4، صص 122-89.
- حاتمی، محمدرضا؛ فرجیان، مرتضی؛ روشن چشم، حامد؛ جمشیدی، علی. (1391). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره 4، صص 107-129.
- خانیکی، هادی؛ سرشار، حمید. (1391). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره یازدهم، صص 130-91.
- دوتو کوپل، آلکسی. (1394). دموکراسی در آمریکا، ترجمه بزرگ نادر زاد، فرهنگ جاوید.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمدابراهیم. (1390). بررسی رابطه میزان و نوع دین‌داری با ارزش‌های مردم سالاری. فصلنامه علوم اجتماعی، (52)، 1-28. SID. <https://sid.ir/paper/492733/fa>
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمدابراهیم. (1388). بررسی رابطه میزان و نوع دین‌داری با ارزش‌های مردم سالاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 52، صص 1-27.
- رودنسون، ماکسیم. (1398). اسلام و سرمایه‌داری، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر احسان.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- رهبر قاضی، محمود رضا؛ امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ نوربخش، سوسن؛ خاکی، مینا. (1395). بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره 71، صص 141-165.
- زارع، بیژن؛ روهنده، مجید. (1395). پژوهشی در باب دین‌داری و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرج، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره 8، صص 46-23.
- زالی زاده، مسعود؛ باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین. (1397). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره 70، صص 146-129.
- سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس. (1383). بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، صص 142-109.
- سروش، عبدالکریم. (1375). قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران، صراط.
- سعید، بابی. (1379). هراس بنیادین: اروپا مدارای و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، دانشگاه تهران.
- سیدامامی، کاووس؛ عبدالله، عبدالمطلب. (1388). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران. پژوهشنامه علوم سیاسی، 44 (16)، 109-146. SID. <https://sid.ir/paper/115856/fa>
- شجاعی زند، علیرضا. (1384). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره 6، شماره 1، صص 66-34.
- شجاعی زند، علیرضا. (1386). جزوه جامعه‌شناسی دین، دانشگاه تربیت مدرس.
- شیرعلی زاده، حسن؛ عظیمی، لیلیا؛ رسول‌زاده اقدم، صمد. (1392). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین دین‌داری با آشنایی به حقوق شهروندی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره 41، صص 66-55.
- صالح‌آبادی، ابراهیم؛ قندهاری، عبدالرضا. (1390). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری در سال 1389، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، صص 118-95.
- طالبان محمد رضا؛ میرزایی مهدی. (1389). بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان. جامعه‌شناسی تاریخی، ۲ (۴): ۳۳-۶۷.
- طالبان، محمدرضا. (1380). تعهدمذهبی و تعلق سیاسی، فصلنامه پژوهش، شماره 20 و 21، ص 5، صص 3-22.
- طباطبایی، محمود قاضی؛ ودادحیر، ابوعلی. (1389). فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، تهران، جامعه‌شناسان.
- فوکویاما، فرانسیس. (1393). پایان تاریخ و آخرین انسان، ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران، سخنکده.
- قربانی زاده، وجه‌الله؛ نانگیر، سید طه حسن. (1393). راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار cma2، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
- کدیور، محسن. (1385). داد و ستد اسلام و مدرنیته <https://www.magiran.com/article/1175040>

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

- کشاورز، زهرا سادات؛ ربانی خوراسگانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت. (1392). بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (58)، شماره دوم، 40-17
- کوپر، هریس. (1379). پژوهش ترکیبی: راهنمای بررسی متون پژوهشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گلچین، مسعود؛ حق‌خواه مژگان؛ سیدی، فرشته. (1387). فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مؤثر بر آن (یک مطالعه موردی)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س 16، شماره 61، صص 236-189
- لويس، برنارد. (1396). خاورمیانه: دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر نی
- ماردی، میرا. (1383). سازگاری یاناسازگاری دین و دموکراسی؛ تجربه کلیسای کاتولیک؛ در چالش‌های دین و مدرنیته؛ سید حسین سراج زاده، تهران، طرح نو.
- مجتهد شبستری، محمد. (1381). نقدی بر قرآنت رسمی از دین (بهران‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها)، تهران، طرح نو
- ملانکه، سید حسن؛ امیری فر؛ الهام. (1397). بررسی ارتباط بین ابعاد مختلف دین‌داری و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر ایزده، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی 41، سس 86-61.
- ملکیان، مصطفی. (1378). سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم، مجله کیان، شماره 48.
- ملکیان، مصطفی. (1381). راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت. تهران، نگاه معاصر.
- مؤمنی، مریم؛ ایمان، محمدتقی؛ رجبی، ماهرخ. (1395). بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دین‌داری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ششم، شماره سوم، صص 340-321
- نائی، هوشنگ؛ میرزایی، مهدی. (1397). تبیین رابطه نوع دین‌داری با نوع فرهنگ سیاسی، فصلنامه سیاست، شماره 46، صص 512-493.
- وبر، ماکس. (1373). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی.
- هانتینگتون، ساموئل. (1381). برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری وحید، وزارت امور خارجه.
- یکتاپرست راسته کناری، ندا، نوری، هادی؛ غلامی، محمدرضا. (1395). نگرش سیاسی و ارتباط آن با دین‌داری و طبقه اجتماعی در بین مردم شهر رشت، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هشتم، شماره 14، صص 26-1
- Almond, Gabriel and Sidney Verba (1965), Civic culture, Political Attitudes and Democracy in five nation, Boston: Little, Brown and Company
- Ben-Nun Bloom, P., Arikan, G., & Vishkin, A. (2021). Religion and democratic commitment: A unifying motivational framework. *Political Psychology*, 42, 75-108.
- Diamond, Larry (1999) Developing Democracy toward Consolidation, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- Dow, J. W. (2007). A scientific definition of religion
<https://www.researchgate.net/public/255626056>
- Guth, J.; Green, J.; Kellstedt, L. and Smidt, C. (2002), "Religion and political participation, prepared for delivery at the 2002 Annual meeting of the American political science Association".
- Halliday, F. (1996). *Islam and the Myth of Confrontation*. IB Tauris.
- Huang, M. H. (2005). Islam and democracy: A global perspective. *Taiwan journal of democracy*, 1 (2), 109-137.
- Karl, T. L., & Schmitter, P. C. (2002). Concepts, assumptions & hypotheses about democratizations: reflections on 'stretching' from South to East. Prepared for workshop on Regime Transitions: Transitions from Communist Rule in Comparative perspective.
- Levin, J., Chatters, L. M., & Taylor, R. J. (2011). Theory in religion, aging, and health: An overview. *Journal of Religion and Health*, 50(2), 389-406.
- Shepard, W. E. (1987). Islam and ideology: Towards a typology. *International Journal of Middle East Studies*, 19(3), 307-336.
- Stark, R. & Fink, R. (2000). *Acts of Faith*, University of California Press.
- Umphres, W. P. (2020). Book Review: *Chains of Persuasion: A Framework for Religion in Democracy*, by Benjamin R. Hertzberg.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126993](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126993)

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

یاور عبیوضی^۱

دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی و عضو هیات علمی مرکز پژوهشی مینا، قم، ایران

سید مرتضی میرتبار

دکترای مطالعات تطبیقی ادیان و مدیر گروه فرهنگ دینی مرکز پژوهشی مینا، قم، ایران

علیرضا ادیبی

دانشجوی دکتری رشته پژوهشگری امنیت دانشگاه امام باقر (ع)، تهران، ایران

مرتضی گلشنی گهراز

کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی، اردبیل، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۰

چکیده

ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ بعد از انقلاب اسلامی به لحاظ دامنه و شدت اثرگذاری بر نظم اجتماعی بی‌نظیر بوده‌است. با توجه به نقش برجسته قشر جوان و بخصوص دانشجویان در وقوع و تشدید این تحولات از سویی و تأثیرگذاری آنان در نگهداشت وحدت و انسجام اجتماعی از سوی دیگر، نگرش‌سنجی این قشر حول ثبات/ بی‌ثباتی اولویت می‌یابد. هدف پژوهش حاضر علاوه بر سنجش وضعیت نگرشی دانشجویان حول ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، راهبرداری تقویت وحدت و انسجام اجتماعی نیز است. در این راستا روش پژوهش از نوع پیمایش، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری نیز، دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های داخلی با جمعیت نمونه‌ای ۶۲۰ نفره هستند. از منظر دانشجویان؛ وضعیت نامناسب اقتصادی و احساس محرومیت، عملکرد رسانه‌های برون‌گفتمانی، کاهش کارآمدی و مقبولیت نظام به همراه شیوع فساد اداری - اقتصادی به ترتیب مهمترین دلایل ناآرامی‌ها بوده‌است. افزایش آمادگی به اعتراض یا میل به مشارکت در اعتراضات، افزایش میل به مهاجرت خارجی به دلیل ناآرامی‌ها و کاهش میل به مشارکت سیاسی از مهم‌ترین پیامدهای ناآرامی‌های ۱۴۰۱ نزد جمعیت دانشجویی محسوب می‌شوند. به لحاظ راهبردی نیز زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی برای ایجاد بستری مطالبه‌گرانه با گرایش تعامل‌طلبی در میان دانشجویان، ساماندهی سبک زندگی دانشجویی با تدوین الگوی آن، تقویت کارآمدی نظام بخصوص در عرصه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته‌است.

واژگان کلیدی: جوان، ناآرامی‌های سیاسی، انسجام اجتماعی، سبک زندگی دانشجویی

1 نویسنده مسئول: afsanfazli1996@gmail.com

Study students' attitudes towards the protests and unrest of 1401

Yavar Eivazy¹

Faculty Member of the Mabna Research Center, Qom, Iran

Syed Morteza Mirtabar

Faculty Member of the Mabna Research Center, Qom, Iran

Alireza Edrisi

PhD Candidate in security Imam Muhammad Baqir University. Tehran, Iran

Morteza Golshani Gehraz

Allameh Tabatabai Farhangian University, Ardabil, Iran

Abstract

The unrest of 1401 after the Islamic Revolution was unique in terms of its scope and intensity of impact on social order. Considering the critical role of young people, especially students, in the occurrence and escalation of these developments on the one hand and their influence in maintaining social unity and cohesion on the other hand, the study of this group's attitude towards stability/instability is essential. The current research aims to measure students' attitudes towards the unrest of 1401 and strategize to strengthen social unity and cohesion. In this regard, the research method is a survey; the data collection tool is a questionnaire. The statistical population is Iranian students of domestic universities, with a sample population of 620. From the point of view of students, the unfavorable economic situation and the feeling of deprivation, the performance of non-discursive media, the decrease in the efficiency and acceptability of the political system, and the prevalence of economic-administrative corruption have been the most important reasons for the unrest, respectively. The increase in willingness to protest or the desire to participate in protests, the increase in the desire to immigrate abroad due to the unrest, and the decrease in the desire to participate politically are the most important consequences of the 1401 unrest among the student population. From a strategic point of view, grounding and planning to create a demanding platform with a tendency to interact among students, organizing the student lifestyle by formulating its model, and strengthening the system's efficiency, especially in the economic field, have been emphasized.

Key Words: Young, Political Unrest, Social Cohesion, Student's Lifestyle

¹Corresponding Author: afsanfazli1996@gmail.com

مقدمه

بر مبنای نظریه دولت - ملت، دولت‌ها برای رساندن جامعه به وضعیت مطلوب، در همه ابعاد نظام به ویژه فرهنگ، ورودی ماهوی دارند و همین مسئله، بررسی راهبردی حضور و چگونگی اقدامات حاکمیت در مسئله فرهنگی را ضروری می‌سازد. درحقیقت فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی به دو طریق با سیاست ارتباط دارند. نخست از جهت حضور اراده سیاسی برای ایجاد دگرگونی در فرهنگ و دوم، به دلیل حضور سیاست برای تعیین آرمان‌های فرهنگی در مقام اهداف برنامه‌ریزی است. براساس این دیدگاه نمی‌توان گفت فقط در برخی کشورها، برنامه‌ریزی فرهنگی ماهیتی سیاسی دارد بلکه این وضعیت تقریباً در هر جامعه‌ای حاکم است. هیچ دولتی در عرصه فرهنگ، بی‌طرف نیست و هر دولتی آشکارا یا پنهان در فرهنگ دخالت نموده (ابتهاج و اسدی، ۱۳۸۷، ۲: ۵۴۹) و سعی در ایجاد پیوند میان نظام اجتماعی و نظام سیاسی دارد که نتیجه آن جامعه‌پذیری سیاسی خواهد بود اما آنچه در اینجا مهم است شیوه و چگونگی ورود حاکمیت در مسئله فرهنگی به ویژه در قبال دانشجویان در محیط دانشگاه و جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها است (مجیدی، ۱۳۹۵: ۷۸) از این سو بی‌تردید نقطه آغازین راهبردپردازی، شناسایی موقعیت فعلی مسئله یعنی میزان ثبات دانشجویان و جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها است که این امر بررسی نگرش دانشجویان به ناآرامی‌های اخیر و دیدگاه این قشر به تأثیر و تأثر آن بر جامعه ایران را ضروری می‌سازد. به گونه‌ای که این فرهنگ سیاسی، علاوه بر آن که می‌تواند نقاط ضعف و قوت نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی و غیره را در هر جامعه نشان دهد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی مسیر حرکت یک جامعه در آینده، که جوانان موتور محرکه آن را تشکیل می‌دهند، به کار آید (کرمانی، ۱۳۹۵: ۳۵۹).

در واقع دانشگاه نه تنها محلی برای تربیت نیروی کار است بلکه مأمور به آموزش کسانی است که به حوادث اجتماعی و وقایع روزگار حساسیت نشان دهد (کالینگ فورد^۱، ۲۰۰۴: ۲۵۱) که این امر در تحقق وحدت اجتماعی حائز اهمیت است. شاید بتوان بر این نکته صحه گذارد که اعتراض‌ها و ناآرامی‌ها، زمانی شکل می‌یابد که نهادهای رسمی یا ناکارآمد می‌شوند و در انجام وظایفشان شکست بخورند یا در جامعه احساس نارضایتی شیوع یابد. پیدایی احساسات منفی حول جامعه و ساختار قدرت پیش شرط هر گونه پویای اعتراضی است. به‌واقع ناآرامی‌های سیاسی ناشی از احساسات است. افراد زمانی که ناراحت و عصبانی‌اند یا احساس تحقیر و تبعیض می‌کنند میل به

^۱. Collingford

رفتارهای ضدنظم دارند و این واکنش قابل پیش‌بینی است (پاسارلی و تابلینی^۱، ۲۰۲۳: ۱) هر چند اغلب این ناآرامی‌ها موجب تغییراتی در سیاست‌ها و یا نهادهای اساسی جامعه شده اما با این حال ساختار و ارزش‌های مسلط و اجتماعی را دگرگون نمی‌سازد (سلیمانی و ترابی، ۱۴۰۲: ۲۸). از این سو نیز کشورهای گوناگون از نظر میزان و شدت تجربه کنش‌های سیاسی اعتراضی متفاوتند اما تفاوت از نظر وجود یا فقدان نیست. به هر حال کامیابی جوامع می‌تواند در مدیریت و برنامه‌ریزی و هدایت صحیح این اعتراض‌ها به سویی باشد که فرآیند رشد و پیشرفت جامعه را سرعت دهد و بر وحدت و انسجام آن بیفزاید، اما باید پذیرفت گریزی از رخداد این اعتراض‌ها نیست (صدیقیان بیدگلی، ۱۳۹۵: ۲۴۵) و تنها می‌توان با مدیریتی راهبردی، این تهدیدها را به فرصت‌های مفید تقویت وحدت و انسجام اجتماعی تبدیل نمود.

از این رو پرسشی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، این است که دانشجویان چه تصویر و مواجهه‌ای از ناآرامی‌های اخیر دارند؟ و این مسئله چه تأثیری بر میزان همبستگی ملی (وحدت و انسجام) آنان داشته است؟ بی‌تردید از سویی وحدت ملی و انسجام اسلامی، از ضروری‌ترین عوامل قدرت یک حاکمیت به حساب می‌آید و از سوی دیگر، دانشجویان مهم‌ترین گروه اجتماعی و تأثیرگذار در جامعه دانسته می‌شوند، لذا تقویت وحدت و انسجام در دانشجویان از مهم‌ترین لوازم حفظ انسجام اجتماعی است و همین امر پرداختن به این مسئله را دوچندان می‌سازد.

با مروری در ادبیات مرتبط با انسجام و ثبات نیز می‌توان مساله‌مندی رویارویی در برابر اقتدار حکومت‌ها یا ارتکاب خشونت علیه ساختار سیاسی را دید. با این حال اگر در تاریخ ملت‌ها، پدیده‌های اجتماعی تکرارشونده‌ای وجود داشته باشد قطعاً یکی از آن‌ها کشمکش‌های گروهی و ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی به شکل جنگ‌ها، انقلاب‌ها، شورش‌ها، تظاهرات اعتراضی و مانند آن است که، برخی اوقات گستره‌ای در حد میلیون‌ها نفر را در بر می‌گیرد (رانگک^۲، ۱۹۹۴: ۵). شواهد و آمارهای موجود در سطح جهانی نیز حاکی از آن است که، ناآرامی‌های اجتماعی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته‌است (ونایریس و گوپتا^۳، ۱۹۸۶: ۸۷۳). به‌عنوان مثال، از سال‌های ۶۴-۱۹۶۰ تا ۹۴-۱۹۹۰ میلادی نسبت کشورهاییکه خشونت و جنگ داخلی را تجربه نموده‌اند از ۷ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافته‌است (چاوت^۴، ۲۰۰۲: ۳۳). جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و در دهه اخیر جنبش‌ها و پوشش‌های اعتراضی مختلفی را با ماهیت‌های قومی، مذهبی، صنفی و

¹ Francesco Passarelli and Guido Tabellini

² Wrong

³ Venieris

⁴ Chauvet

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

سیاسی تجربه کرده‌است. بی‌شک اعتراضات ۱۴۰۱ به لحاظ گستره، شمولیت، چندلایه بودن و تداوم زمانی آن یکی از چالش‌برانگیزترین‌ها پس از انقلاب اسلامی بوده‌است، از این رو شایسته مطالعه است. اعتراضات دانشجویی شامل اشکال مختلف رفتار جمعی، نظیر رفتارهای توده‌ای و عمومی بود، که بررسی و تجزیه و تحلیل آن را ضروری می‌سازد و موجب ایجاد بستری مناسب برای ارتباط با دانشجویان شده و مطالبات آنان شنیده می‌شود (خیبا^۱، ۲۰۲۳: ۲). این ناآرامی‌ها به رغم این که با مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی شکل گرفت، با توجه به دلایل زیر، جامعه دانشجویی شایسته بررسی مستقل است:

- بخش اعظم جامعه ایران، جوان و بخش قابل توجهی از جوانان، دانشجوی هستند.
 - قشر جوان و دانشجو به واسطه اقتضائات روحی و روانی تحول‌خواه، هیجانی، مطلق‌گرا، منتقد، ریسک‌پذیر، آرمان‌گرا و همواره پیشرو جنبش‌های مرتبط با تغییر هستند.
 - اکثر مشارکت‌کنندگان و بازداشتی‌های ناآرامی‌های ۱۴۰۱ در رده سنی جوان بودند^۲ (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱).
- بنابراین با توجه به نقش قابل توجه قشر جوان و جامعه دانشجویی در تحولات سیاسی و اجتماعی، پژوهش حاضر سعی دارد ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر (۱۴۰۱) را از منظر این گروه مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

درباره این موضوع می‌توان به طور کلی دو سنخ از پژوهش‌ها را از هم تفکیک و بررسی کرد: الف- پژوهش‌هایی که حول توصیف، تبیین و پیامدشناسی مسائل مربوطه به ناآرامی‌ها و ناپایداری‌های سیاسی جامعه ایران انجام گرفته‌اند. ب- پژوهش‌هایی که حول توصیف، تبیین و پیامدشناسی نقطه مقابل ناآرامی‌ها و ناپایداری‌ها، اغلب تحت عناوینی چون وحدت، یکپارچگی، انسجام و انتظام اجتماعی، انجام شده‌اند. توجه به دوگانه مذکور در حقیقت بررسی توأمانی عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده ناآرامی‌ها و ناپایداری‌ها است. چرا که جامعه ایران در دهه‌های اخیر در شرایط پرنوسان ثبات/ بی‌ثباتی بوده و بررسی هر کدام از این حالت‌ها به نوعی تحلیل حالت مقابل هم هست.

¹ Khiba

² <https://farsnews.ir/news/14010727000311>

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

درباره توصیف، تبیین و بررسی ناآرامی‌های سیاسی، مطالعات خارجی و داخلی قابل توجهی انجام شده‌است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: هاگر^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «چند تأمل در اعتراضات دانشگاه»، به بررسی اعتراضات طرفداران فلسطین در دانشگاه‌ها پرداخته‌است. ایشان در پژوهش حاضر بیان داشته‌است که مداخله پلیس کارساز نبوده و مذاکره با معترضان مؤثرتر از مداخله پلیس بوده‌است و تازمانی که سیاست‌ها در قبال معترضان تغییر نیابد و آتش بس اعلام نشود، اعتراضات ادامه‌دار خواهد بود. هدایت^۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «انتخابات عمومی ۲۰۲۴ در اندونزی: مسائل سلسله‌ها سیاسی، تقلب در انتخابات و ظهور جنبش‌های اعتراضی ملی»، نشان داده‌است که موضوعات سلسله‌های سیاسی، تقلب در انتخابات و جنبش‌های اعتراضی ملی، اموری به‌هم پیوسته و مرتبط هستند. اینس، بورن و لیندل^۳ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «پس از شورش: ارائه دستورکاری در مورد اثرات بلندمدت ناآرامی شهری» با مطالعه سابقه طولانی مدت شورش‌ها و اغتشاشات شهری لندن و استکهلم توجه ویژه‌ای به سه حوزه موضوعی دارند.

الف: پاسخ‌های سیاسی؛

ب: حافظه شهری و

ج: احساسات و ذهنیت‌ها. اسداللهی و همکاران (۱۴۰۲)

در پژوهشی به بررسی و مرور نظام‌مند پژوهش‌های کنترل ناآرامی‌های اجتماعی با روش فراترکیب پرداختند. آنان بیان داشتند که توجه به پیشران‌های تأثیرگذار و الگوهای نوین و بهره‌گیری از فناوری‌ها در کنترل ناآرامی‌های اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. حاجیانی و همکاران (۱۳۹۷) در مجموعه مقاله‌ای تحت عنوان «اعتراضات و ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶: تحلیل‌ها و برآوردها» به عوامل متعدد و زوایای گوناگون علل شکل‌گیری اعتراضات ۹۶ پرداخته‌اند. از عوامل ساختاری همچون جمعیت جوان مطالبه‌گر، به‌هنگار شدن فساد اقتصادی، نادیده گرفتن واقعیت‌های جامعه در گفتمان رسمی حاکمیت، شکاف و دوگانگی دولت - ملت در حل مسائل و چالش‌های اجتماعی، به عنوان دلایل این اعتراض‌ها یاد شده‌است. نوروزپور نیز (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «تحلیل اعتراضات سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶» بر اساس تئوری فرصت سیاسی و شناسایی، به دنبال یافتن عناصر معنایی شکل‌دهنده به این اعتراضات است. وی در تبیین اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ به متغیر احساس محرومیت اشاره می‌کند و از آن با عبارت نیازهای ذهنی نام می‌برد. در رأس این نیازها، مسئله تبعیض و تحقیر قرار دارد. در این خصوص ولی‌نژاد و کاظمی (۱۴۰۰) در مقاله خویش تحت عنوان «تحلیل

¹ Hager

² Hidayat

³ Ince, Borén & Lindell

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

جامعه‌شناختی ناآرامی‌های آبان ۱۳۹۸» به نقش بی‌بدیل بی‌ثبات‌کاری^۱ در وقوع و تشدید ناآرامی‌های ۱۳۹۸ تأکید داشته‌اند.

اگر ناآرامی‌ها و اعتراضات تهاجمی و خشونت‌بار را در نقطه مقابل انسجام و همگرایی معنی کنیم، بررسی مطالعات مرتبط با انسجام و وفاق ملی می‌تواند در راستای موضوع حاضر باشد. در حقیقت این سنخ از مطالعات سعی دارند به الزامات یا عوامل تقویت‌کننده انسجام اجتماعی و تضعیف زمینه‌های ناآرام‌ساز بپردازند. در این خصوص مطالعاتی صورت گرفته‌است که سعی می‌شود مواردی از آن مرور و بررسی شود.

لطیفی پاکده و لطفعلی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان اتحاد ملی، انسجام اسلامی و چهارسؤال ضمن تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، اتحاد ملی را بر مبنای دو فاکتور اتحاد اجزای ملت با همدیگر و اتحاد دولت و ملت معنی کرده‌است.

۱. عوامل وحدت‌افزا: پرهیز از خشونت در کلام و رفتار، تأکید بر مشترکات، گسترش

همکاری‌ها، کوتاه آمدن در امور فرعی، توجه به دشمن مشترک، برخورد با تفرقه افکنان

۲. عوامل تضعیف‌کننده: تحقیر، تبعیض، بزرگ‌نمایی مسائل اختلاف برانگیز.

در این راستا امام‌جمعه‌زاده، جعفری، جعفری و وحید (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر فرهنگ سیاسی بر وحدت ملی در ایران، به بررسی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بنیادین فرهنگ سیاسی ایرانیان و چگونگی شکل‌گیری و نهادینه شدن آن در نتیجه سیطره حکومت‌های استبدادی و قبیله‌ای بر مردم ایران و تأثیر این ویژگی‌ها بر وحدت ملی، در چارچوب تئوری لوزی انسجام درونی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، در ایران با توجه به سابقه‌ی طولانی حکومت استبدادی و قبیله‌ای، نوعی فرهنگ مبتنی بر بی‌اعتمادی، مطلق‌نگری، خودمداری، فردگرایی منفی، حذف و تخریب، خشونت و غیره را رواج داده‌اند.

مطالعات مذکور به رغم این که اطلاعات ارزشمند و قابل توجهی از تحلیل و تبیین ناآرامی‌های سیاسی در جامعه ایران ارائه می‌دهند، خلاءهایی نیز دارند. که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- نبودن ناآرامی‌های ۱۴۰۱ و عدم بررسی آن توسط پژوهش‌گران با نگاهی جامعه‌شناختی

۲- عدم بررسی ناآرامی‌های سیاسی ایران از منظر دانشجویان.

با این ملاحظات، پژوهش حاضر سعی دارد ضمن نگرش‌سنجی، به علل و عوامل دخیل در

خصوص ناآرامی‌ها از منظر دانشجویان بپردازد.

¹ Precariat

چارچوب نظری

نظم و انسجام اجتماعی کانونی‌ترین موضوع جامعه‌شناسی کلاسیک و نوین محسوب می‌شود؛ چرا که سه اصل بنیادین جامعه ۱- حیات ۲- تعادل و ۳- توسعه در گرو آن است. این در حالیست که ناآرامی‌ها و ناپایداری‌های اجتماعی در تضاد با آن موجودیت جمعی را با خطر مواجه می‌سازد. در انگاره جامعه‌شناسی، نظم جامعه به مثابه موجود زنده‌ای است که حیات خاصی دارد و ضمن گرد هم آوردن افراد، موجب همبستگی مردم می‌شود (آقاپور، ۱۳۸۹: ۲۰۱). تراوس هیرشی در خصوص پیوند فرد با جامعه بیان می‌دارد که داشتن «تعلق خاطر» فرد نسبت به افراد و نهادها در جامعه، یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌دهد و از سوی دیگر «اعتقاد» افراد به اعتبار اخلاقی نظام‌های اجتماعی و رعایت موازین نیز، موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۵: ۴۷). در این دیدگاه نظام اجتماعی ناظر به نظم اجتماعی است که با هدف یگانگی و یکپارچگی شکل گرفته‌است و تحقق چنین هدفی با هماهنگی‌های الگویی، معنایی، هنجاری و نمادی امکان‌پذیر است. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی، منشاء انسجام اجتماعی و در نقطه مقابل تضعیف آن‌ها منشاء ناهمناوی بین فرد و جامعه می‌شود:

۱. وابستگی^۱ (دل‌بستگی یا تعلق): هنجارها شیوه‌های پذیرفته شده رفتار نزد مردم هستند. هنجارشکنی عملی برخلاف شیوه‌های پذیرفته شده است. اگر فردی به تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد، یعنی به نظرات و عقاید آن‌ها بی‌اعتنا باشد، پیوندش با جامعه ضعیف است. وابستگی یکی از متغیرهای مهم کنترل رفتار است، به‌طوری‌که به علت وابستگی اجتماعی، این احساس در فرد به‌وجود می‌آید که به انتظارات و خواسته‌های دیگران پاسخ دهد.

۲. تعهد^۲: بعد جامعه‌شناختی خود است؛ شامل افرادی می‌شوند که به ارزش‌ها و میراث انتظام‌بخش جامعه، اهتمام بالایی دارند. فردی که به فعالیت‌های متعارف در زندگی روزمره متعهد باشد، در نهایت رفتارهای بهنجار نشان می‌دهد. متعهدین به میراث اجتماعی از هنجارشکنی دوری می‌جویند و در مقابل کسی که چیزی برای از دست‌دادن ندارد، مستعد کج‌رفتاری است.

¹ Attachment

² Commitment

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

۳. درگیری^۱ (الزام، التزام و مشغولیت): درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی می‌گیرد و باعث محدود شدن رفتار می‌شود. کسی که کار می‌کند، خانواده تشکیل می‌دهد و سعی می‌کند در حرفه‌اش موفق باشد، وقت و انرژی زیادی برای زندگی خود صرف می‌کند.

۴. اعتقاد^۲ (باورها): میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین در رفتار به هنجار افراد تأثیر می‌گذارد. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات و باورهای معمول در جامعه ببیند، وظیفه اخلاقی‌اش می‌داند که با قوانین هم‌نوا باشد (زکی، ۱۳۹۵: ۶۰).

در آثار اولیه تالکوت پارسونز مفهوم ارزش‌های متعالی به مثابه کنشی که با میانجیگری نمادها صورت می‌گیرد، گسترش یافت. پارسونز نظریه‌ای ارائه کرد که در آن اصل کنش با درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی، با تأکید بر عنصر کنش در ایجاد نظم اجتماعی پیوندی نزدیک دارد. مسأله انسجام با تکیه بر هسته‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک حل می‌شود. همچنین در نظر پارسونز، کنشگر ارزش‌های موجود در جامعه را کسب نموده و فعالانه در ساختن آن‌ها نقش ایفا می‌کند. فرهنگ نیز بی‌اعتنا به کنشگران، کارکرد خود را که برقراری انسجام و اتحاد می‌باشد، انجام می‌دهد. لذا در جهان اجتماعی، گروه‌های اجتماعی با هم هم‌نوا گردیده، گروه‌هایی هم که فرهنگ هنجاری عام را درونی نکرده‌اند، از فرایند وحدت فرهنگی بیرون رانده می‌شوند (سوینگوود^۳، ۱۹۹۸: ۲۳). پارسونز عوامل و منابع ثبات / بی‌ثباتی نظام اجتماعی را از دو حیث مورد بررسی قرار می‌دهد: اول، به اعتبار کارکردها یا مجموعه فعالیت‌هایی که نظام اجتماعی با محیط دارد (بیرونی) و کارکردهایی که با نیازهای درونی نظام ارتباط دارد (درونی)؛ دوم این که، برای تحقق وظایف و کارکردها باید به تمایز میان هدف‌ها و ابزار (وسایل و امکانات) توجه داشت. این تمایزگذاری با کارکردهای مصرفی و ابزاری متناظر است. کارکردهای مصرفی برای نیل به اهداف نظام اجتماعی لازم‌اند و کارکردهای ابزاری برای جستجو و استفاده از وسایل به کار می‌روند (زکی، ۱۳۹۵: ۶۱).

همسو با سنت‌های نظری جامعه‌شناسی سیاسی نظم و بی‌نظمی در کم و کیف تعاملی دولت و جامعه قابل تبیین است. به عبارت دیگر واگرایی و انشقاق، محصول اختلال در ارتباط بین موجودیت سیاسی با موجودیت اجتماعی است. لئونارد بایندر (بایندر^۴، ۱۹۷۱) در کتاب بحران‌ها و توالی‌ها در این خصوص به شش بحران اشاره دارد که عبارتند از:

¹ Involvement

² Belief

³ Swingewood

⁴ Binder

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- بحران هویت: مهم‌ترین و اولین بحران بنیادی در نیل به یک هویت مشترک است. مردم باید به سرزمین و مرز جغرافیایی خود علاقمند باشند و جهت ارتقای این هویت مشترک تلاش کنند.
 - بحران مشروعیت: اشاره به گذار از مشروعیت سنتی به مشروعیت مدرن دارد. در جامعه سنتی، مردم باید جبراً مشروعیت حکومت را قبول داشته باشند، اما در نظام مدرن و دموکراتیک، مشروعیت حکومت و حکام به مقبولیت آزادانه جامعه بستگی دارد.
 - بحران مشارکت: مشارکت در رژیم‌های سنتی اقتدارگرا و توتالیتر، منفعلانه و تبعی است اما در رژیم‌های دموکراتیک به صورت فعالانه، خودجوش و مبتکرانه می‌باشد. بحران مشارکت، فرایند گذار از مشارکت منفعلانه به فعالانه است.
 - بحران نفوذ: به میزان نفوذ حکومت در اعماق جامعه اشاره دارد. این که جامعه تا چه حد تصمیمات حکومت را مفید به حال خود می‌داند، در کارکردی بودن نظام سیاسی موثر است.
 - بحران توزیع: به کیفیت توزیع مقتدرانه ارزش‌ها در جامعه از سوی حکومت اشاره دارد.
 - بحران ادغام اجتماعی یا همبستگی ملی: بیشتر در جامعه متکثر (قومی، نژادی، مذهبی و غیره) موضوعیت دارد. این که تکثرگرایی تا چه حد رشد کرده تا بخش‌های مختلف جامعه یکدیگر را ملازم هم بدانند، در تداوم یا فروپاشی نظام نقش دارد (هرمزی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۲).
- در این دیدگاه از مهم‌ترین و ضروری‌ترین شرط‌های دستیابی به همبستگی ملی، گذار موفقیت‌آمیز از بحران‌های فوق است. همه این بحران‌ها با فرایندهای همبستگی ملی ارتباط دارند.
- در جمع‌بندی مبانی نظری می‌توان از ظرفیت‌های هر کدام از رویکردها در تحلیل و بررسی ناآرامی‌های اخیر بهره جست. متناسب با نظریه سیستم‌ها: تغییرات ارزشی با منشا داخلی و خارجی، ناکارآمدی و اختلال در تعاملات درونی و بیرونی خرده‌نظامات؛ همسو با نظریه هیرشی: اختلال در سازوکارهای مرتبط با کنترل اجتماعی و واگرایی در پیوند فرد و جامعه و از طرف دیگر همسو با نظریه بایندر: پیدایی بحران‌های شش‌گانه یا عدم توفیق نهاد قدرت در مدیریت بحران‌های مذکور، می‌توانند نقطه سرآغاز تبیین ناآرامی‌ها باشند.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ زمان عرضی - مقطعی، به لحاظ مکان اجرا، میدانی و با روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

دختر و پسر سراسر کشور در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل می‌دهند. بر این اساس نیز تعداد ۶۲۰ نفر از آنان با استفاده از جدول کرجسی-مورگان و با احتساب احتمال کاهش (افت) نمونه برآورد شد و از روش نمونه‌گیری اتفاقی نسبت به مشارکت افراد در بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مختلف مانند: واتساپ، تلگرام، ایتا و اینترنت اقدام لازم به عمل آمد. از این رو امکان تعمیم در این پژوهش موجود نیست. از سویی بر اساس نتایج به دست آمده از آخرین نظرسنجی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که در خرداد ۱۴۰۱ اجرا شده است، ۹۵.۳ درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی هم‌اکنون از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. با در نظر گرفتن چنین بستر و ظرفیتی و لحاظ معیار دانشجویی، اطلاعات جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به رغم مزایای قابل توجهی که روش‌های رسانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات دارند (مثل آزادی عمل پاسخگویان در قبال سنجه‌ها، دسترسی سریع، کاهش خطاهای ناشی از پرسشگر و غیره)، همواره این بیم وجود دارد که نمونه، با جمعیت آماری انطباق نداشته باشد (میزان حضور برخی از گروه‌های اجتماعی در نمونه بیشتر از نسبت واقعی آن‌ها در جامعه باشد) یا این که نظرسنجی دچار اثر شبکه‌ای^۱ باشد.^۲

ابزار استفاده شده در پژوهش حاضر نیز پرسشنامه محقق ساخته است. روایی پرسشنامه از طریق ارائه به افراد صاحب‌نظر بررسی و روایی صوری آن محرز گردید و پایایی آن با آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن ۰/۸۰ بود. از سویی برای این که جامعه نمونه معرف جامعه آماری (دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های داخلی) باشد و به عبارتی به لحاظ تنوع جمعیتی و اجتماعی، نمونه با جامعه نزدیک باشد؛ گروه‌های محروم از نظرسنجی شناسایی شدند (مثل دانشجویان زن) و برای تقویت مشارکت آن‌ها در پژوهش از راهبرد «ب» استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آماره‌های توصیفی و استنباطی نرم افزار SPSS استفاده شد.

۱ network effect

۲ به این معنی که هر شبکه اجتماعی (گروه‌ها و کانال‌های عضو در یک شبکه اجتماعی منحصر به فرد) ذائقه فکری و فرهنگی نسبتاً ویژه‌ای دارند. به عنوان مثال مصرف‌کنندگان شبکه اجتماعی تلگرام با مصرف‌کنندگان شبکه اجتماعی ایتا تا اندازه‌ای تفاوت هویتی و فکری دارند.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

یافته‌های پژوهش

مطلوب هر پژوهشی پرداختن به متغیرهای زمینه‌ای قبل از پرداختن به متغیرهای اصلی است. از این نقطه نظر وضعیت واحدهای تحلیل (دانشجویان) از حیث متغیرهایی چون: نوع جنسیت، سطح تحصیلات، سطح طبقه اقتصادی، میزان درآمد و محل سکونت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در وهله بعدی به نگرش سنجی این گروه در رابطه با موضوع پرداخت می‌شود.

جدول ۲. مشخصات آزمودنی‌ها بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

درصد	پاسخ‌ها	متغیرهای زمینه‌ای
64.1	مرد	جنسیت
35.9	زن	
27.7	کاردانی و کمتر از آن	سطح تحصیلات
44.1	کارشناسی	
17.1	ارشد	
9.4	دکتری	
1.8	حوزوی	
2.9	بالا	طبقه اقتصادی
65.3	متوسط	
31.8	پایین	
14.1	زیر 4 میلیون	میزان درآمد
17.1	4-6 میلیون	
15.3	6-8 میلیون	
18.2	10-8 میلیون	
18.2	20-10 میلیون	
6.5	بالای 20 میلیون	
10.6	بی‌پاسخ	
24.1	پایتخت	محل سکونت
38.2	کلان‌شهر	
35.3	شهر	
2.4	روستا	

همانطور که از جدول ۲ مشخص است اغلب دانشجویان به لحاظ جنسیتی مرد، به لحاظ تحصیلاتی لیسانس، به لحاظ اقتصادی متوسط و به لحاظ درآمدی بین ۸ تا ۲۰ میلیون تومان هستند.

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی های ۱۴۰۱

جدول ۳. رضایت از درآمد

درصد	پاسخها
28.2	اصلا
36.5	کم و خیلی کم
25.3	تاحدودی
10	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

مطابق ارقام مندرج در جدول شماره ۳ می توان بیان کرد کمتر از ۱۰ درصد پاسخگویان بیان کرده اند از درآمد خودشان رضایت دارند و ۲۸.۲ درصد اصلاً راضی نیستند و ۳۶.۵ درصد نیز کم و خیلی کم راضی بوده و ۲۵.۳ درصد نیز تا حدودی راضی می باشند.

جدول ۴. میزان اثرگذاری و مفید بودن ناآرامی های اخیر

درصد	پاسخها
43.5	اصلا
24.8	کم و خیلی کم
17.5	تاحدودی
14.1	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

همسو با داده های جدول شماره ۴ اکثر پاسخگویان قائل به این نکته هستند که ناآرامی های اخیر دستاوردی برای جامعه نداشته است. به عبارت دیگر حدود ۶۹ درصد دانشجویان نقش ناآرامی ها را در بهبود وضعیت کشور مثبت ارزیابی نکرده اند. در این خصوص ۱۷.۵ درصد تا حدودی و ۱۴.۱ درصد نیز در حد زیاد یا خیلی زیاد به اثر مثبت ناآرامی ها در بهبود وضعیت کشور اشاره داشته اند.

جدول ۵. میزان اثرگذاری در تغییر رویکرد مسئولان نظام

درصد	پاسخها
23.5	اصلا
40.8	کم و خیلی کم
27.8	تاحدودی
7.9	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

در راستای پرسش قبلی، پاسخ های دانشجویان در قبال این که تاچه اندازه ای اعتراضات اخیر به تغییر رویکرد مسئولان منجر می شود، می تواند قابل تأمل باشد. همسو با داده های جدول شماره ۳ نزدیک ۲۸ درصد دانشجویان با گزینه «تا حدودی» و تقریباً ۸ درصد نیز با گزینه های زیاد و خیلی زیاد موافق بوده اند. این در حالی است که بیش از ۶۴ درصد دانشجویان ناآرامی های اخیر را در ایجاد تغییر رویکرد مسئولین نظام مؤثر عنوان نکرده اند.

جدول ۶. مشارکت در اعتراضات در صورت برگزاری مسالمت آمیز آن

درصد	پاسخ ها
0	اصلاً
25.4	کم و خیلی کم
31.9	تا حدودی
42.7	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

همچنان که از داده های جدول شماره ۶ مشخص است، اکثر دانشجویان با این گزاره موافق اند که اگر اعتراضات به صورت مسالمت آمیز برگزار شود در آن مشارکت خواهند داشت. فقط ۲۵.۴ درصد دانشجویان به نوعی احتمال مشارکت در چنین رویدادی را برای خود متصور نشده اند. بنابراین در حالت کلی می توان چنین استنتاج کرد که سه چهارم دانشجویان نسبت به وضعیت موجود اعتراض دارند و در صورت وجود بسترهای مسالمت آمیز به جنبش های اعتراضی ملحق می شوند.

جدول ۷. میزان موافقت با به حق بودن اعتراضات اخیر

درصد	پاسخ ها
38.6	اصلاً
17.5	کم و خیلی کم
14.1	تا حدودی
29.9	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

یکی از پرسش های کلیدی پژوهش حاضر این است که، دانشجویان تا چه اندازه اعتراضات اخیر را به حق می دانند؟ بررسی اطلاعات به دست آمده حاکی است (اطلاعات جدول شماره ۷ که دانشجویان در قبال ناآرامی های اخیر، تقریباً ارزیابی و مواجهه دو گانه ای داشته اند. به این معنا که در

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی های ۱۴۰۱

مقابل حدود ۵۶ درصد دانشجویانی که ناآرامی های اخیر را به حق نمی دانند، حدود ۴۴ درصد نیز ضمن موافقت با ناآرامی ها چنین اعتراضاتی را به حق می دانند. با توجه به حساسیت سنجها و موضوع، چنین میزانی قابل تأمل است.

جدول ۸. احتمال مشارکت حداکثری مردم در ناآرامی های احتمالی آینده

پاسخها	درصد
اصلا	4
کم و خیلی کم	26.6
تاحدودی	23.2
زیاد و خیلی زیاد	46.2
جمع	100

از دیگر پرسش های حساس و کلیدی پژوهش، سنجش این مهم است که چقدر احتمال دارد که اکثر مردم برای تحقق مطالبات اجتماعی و اقتصادی، دست به اعتراضات غیرمسالمت آمیز بزنند؟ همچنان که در جدول شماره ۸ مشخص است، اغلب پاسخگویان در حد متوسط، زیاد و خیلی زیاد چنین احتمالی را ممکن دانسته اند. به عبارت دیگر، ۶۹.۴ درصد پاسخگویان چنین احتمالی را جدی می دانند. در نقطه مقابل ۴ درصد وضعیت مذکور را بطور قطعی ناممکن و ۲۶.۶ درصد نیز برای چنین وضعیتی احتمال کم یا خیلی کم متصور بوده اند. این پاسخ دانشجویان برای چنین سؤال حساسی قابل تأمل می باشد.

جدول ۹. میزان احتمالی مشارکت مردم در انتخابات پیش رو

پاسخها	درصد
کم و خیلی کم	51.3
تاحدودی	23.7
زیاد و خیلی زیاد	24.9
جمع	100

یکی دیگر از موضوعات مرتبط با ناآرامی های اخیر، مشارکت سیاسی مردم در انتخابات پیش رو است. همچنان که از داده های جدول شماره ۹ مشخص است، فقط حدود ۲۵ درصد پاسخگویان میزان مشارکت مردم در انتخابات پیش رو را زیاد یا خیلی زیاد پیش بینی می کنند. این در حالی است که

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

۵۱.۳ درصد دانشجویان باور دارند که انتخابات با استقبال کم یا خیلی کمی مواجه خواهد شد. در این میان ۲۳.۷ درصد پاسخگویان نیز میزان مشارکت را «تا حدودی» تخمین زده‌اند.

جدول ۱۰. قصد یا احتمال مهاجرت با در نظر گرفتن ناآرامی‌های اخیر

درصد	پاسخ‌ها
53.1	اصلا
14.9	کم و خیلی کم
6.4	تا حدودی
25.6	زیاد و خیلی زیاد
100	جمع

آمارهای مرتبط با میل به مهاجرت نزد دانشگاهیان همواره چالش‌برانگیز بوده‌است. با در نظر گرفتن وضعیت ناآرام اخیر این موضوع اهمیت مضاعفی هم به خود گرفته است. همچنان که از اطلاعات جدول ۱۰ مشخص است، با در نظر گرفتن ناآرامی‌های اخیر حدود ۳۰ درصد دانشجویان به نحوی احتمال مهاجرت را برای خود متصور هستند. به این معنی که ۲۵.۶ درصد دانشجویان با قوت زیاد عزم مهاجرت دارند و ۶.۴ درصد نیز «تا حدودی» به این مسأله فکر می‌کنند. در نقطه مقابل ۵۳.۱ درصد دانشجویان اصلا به فکر مهاجرت نیستند و ۱۴.۹ درصد نیز در این خصوص کم یا خیلی کم احتمال می‌دهند.

جدول ۱۱. علل و عوامل ناآرامی‌ها

درصد	پاسخ‌ها
18.7	وضعیت نامناسب اقتصادی و احساس محرومیت
16.4	کاهش کارآمدی و مقبولیت نظام (طرح مقولانی چون؛ شفافیت، مشارکت‌طلبی، دموکراسی، شہروندی و ...)
16.2	رسانه‌های خارجی
11.4	مفاسد اداری و اقتصادی
9.4	آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی
8.8	مشکلات جوانان (اوقات فراغت، ازدواج و ...)
6.7	تغییرات ارزشی بخصوص حول سبک زندگی
6.2	نقش مخرب سلبریتی‌ها و نخبگان
5	عملکرد نامطلوب نیروهای انتظام‌بخش
1.2	سایر
100	جمع

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

با توجه به این که یکی از اهداف اصلی پژوهش فهم انگیزه‌های معترضان بود، سؤال نیمه‌باز حول عوامل مؤثر در پیدایی و تشدید وضعیت موجود تنظیم شد. بررسی و مقوله‌بندی پاسخ‌های دانشجویان نشانگر چندوجهی بودن علل شکل‌گیری ناآرامی‌های ۱۴۰۱ است، اما با لحاظ معیار فراوانی، اکثر پاسخ‌ها به ترتیب معطوف به

۱- وضعیت نامناسب اقتصادی و پیدایی احساس محرومیت،

۲- کاهش کارآمدی و مقبولیت نظام و

۳- نقش مخرب رسانه‌های خارجی بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

انسجام و همگرایی از نیازهای بنیادین اجتماعی و پیش‌شرط بقا و توسعه یک جامعه تلقی می‌شود، وقوع ناآرامی‌های متعدد با دلایل و توجیحات مختلف قومی، جنسیتی، مذهبی، صنفی، طبقاتی و مانند آن، در یک دهه گذشته بر کسی پوشیده نیست. دانشجویان یکی از گروه‌های اجتماعی مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری و تداوم این ناآرامی‌ها بوده‌اند. از این رو با توجه به جایگاه این گروه در این تحولات، ضروری است تغییرات نگرشی این قشر، حول ثبات/ بی‌ثباتی سیاسی به صورت مستمر مورد سنجش و رصد قرار گیرد. پژوهش حاضر با چنین هدفی به بررسی دیدگاه دانشجویان پرداخته‌است؛ هر چند که پژوهش حاضر قصد ندارد یافته‌های حاصله را به تمامی ناآرامی‌های بعد از انقلاب اسلامی تعمیم دهد. با در نظر گرفتن ملاحظات مذکور، مهم‌ترین نتایج پژوهش عبارتند از:

- اکثر دانشجویان، ناآرامی‌های موجود را برای توسعه و پیشرفت جامعه غیرمؤثر و غیرمفید ارزیابی کرده‌اند. این نتیجه همسو با پژوهش‌های امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) و لطیفی پاکده (۱۳۸۶) هست که خشونت در پویش‌های اعتراضی، علاوه بر این که برای آینده جامعه مفید نیست بلکه نزد جامعه، صاحب جایگاه نبوده و از عوامل تضعیف‌کننده وحدت تلقی می‌شود.

- اکثر دانشجویان میل به مشارکت در اعتراضات سیاسی مسالمت‌آمیز دارند. به عبارتی، اکثر دانشجویان آمادگی برای اعتراض دارند؛ اما با توجه به فقدان مسیرهای نهادی مسالمت‌آمیز، عملاً محقق نمی‌شود.

- مواجهه نسبتاً مساوی نسبت به «به‌حق/نابه‌حق بودن ناآرامی‌های اخیر» نزد دانشجویان وجود دارد. به عبارتی بخش قابل توجهی از دانشجویان (حدود ۴۵ درصد) ناآرامی‌های اخیر را به‌حق می‌دانند.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- اکثر دانشجویان مشارکت حداکثری را در زمان‌های آتی برای ناآرامی‌های مشابه محتمل می‌دانند. به این معنا که اکثر دانشجویان قائل به این نکته هستند که با تداوم وضعیت موجود، ضمن تکرار چنین ناآرامی‌هایی، شاهد مشارکت بیش از پیش دانشجویان در پویش‌های آتی خواهیم بود.
- از نظر دانشجویان، مشارکت سیاسی در انتخابات پیش‌رو متأثر از ناآرامی‌های اخیر به‌طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. با توجه به ارتباط بین مشارکت سیاسی با انسجام، وحدت، امنیت و مشروعیت نظام، در صورت وقوع چنین مسأله‌ای شاهد تغییرات کمی و کیفی در موضوعات مذکور، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی، خواهیم بود.
- حدود یک سوم از دانشجویان، متأثر از ناآرامی‌های اخیر به مهاجرت خارجی فکر کرده‌اند و در این خصوص مصمم هستند. این را می‌توان ناشی از عدم توجه به مطالبات و خواسته‌های آنان دانست به‌طوری‌که، آنان به این نتیجه برسند که امیدی به تحقق خواسته‌ها و مطالبات به‌حق آنان در این کشور نیست و راه تحقق مطالبات خویش را در سایر کشورها جستجو نمایند. رهاورد چنین نگرشی، خروج سرمایه‌های انسانی، نخبه‌کشی، رشد جمعیت حاشیه‌نشین سیاسی، ایجاد و تقویت زمینه‌های روحی - روانی معارض با منافع و حیات مشترک خواهد بود.
- ولی‌نژاد و کاظمی (۱۴۰۰) در مقاله خویش تحت عنوان « تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های آبان ۱۳۹۸ » به نقش بی‌بدیل بی‌ثبات‌کاری^۱ یا طبقه بی‌ثبات‌کار در وقوع و تشدید ناآرامی‌های ۱۳۹۸ تأکید داشته‌است. یافته مذکور به نوعی در رابطه با جامعه دانشجویی انطباق پیدا می‌کند. امروز جمعیت جوان به‌طور عام و جمعیت دانشجویی به‌طور خاص، بخش قابل توجهی از طبقه بی‌ثبات‌کار را تشکیل می‌دهند. جمعیتی بیکار و مبتلا به ناامنی شغلی و معیشتی که امید چندانی هم به آینده خویش ندارند. این جمعیت زمینه روحی روانی برای هر گونه رفتار بی‌ثبات‌ساز را دارند.
- نارضایتی اقتصادی و معیشتی، کاهش مقبولیت نظام و نقش مخرب رسانه‌ها، مهم‌ترین عوامل موجد ناآرامی‌ها عنوان شده‌اند. این نتیجه همسو با یافته‌های لطیفی پاکده (۱۳۸۶) می‌باشد. همچنان، که اشاره شد ایشان عوامل واگرایی و ناآرامی را، اعمال خشونت از جانب حاکم، تحقیر، تبعیض، بزرگ‌نمایی مسائل افتراقی و اختلافی می‌دانند. همچنین با توجه به تأکید حاجیانی و همکاران (۱۳۹۷) روی متغیرهایی چون نقش جمعیت جوان و مطالبه‌گر، فساد اقتصادی و نادیده‌گرفتن

^۱ Precariat

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

واقعیت‌های جامعه نزد گفتمان رسمی به همراه شکاف دولت - ملت در پیدایی ناآرامی‌های ۱۳۹۶، می‌توان چنین اظهار داشت که ریشه‌های شکل‌گیری ناآرامی‌ها در یک دهه گذشته تقریباً ثابت‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند دانشجویان در بسیاری از موارد، بهترین حمایت‌ها را چه در زمینه امور درسی و چه در زمینه مسائل و مشکلات دیگر از جمله مسائل سیاسی از یکدیگر دریافت می‌کنند. (محمودی راد و آراسته، ۱۳۸۳: ۴۵) از همین رو بخشی از دانشجویان با درک کامل از شرایط جدید، سعی بر آن دارند که خود را با آن منطبق کرده و از زندگی جدید به عنوان یک فرصت استفاده کنند. (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱) چنین تحلیلی بیانگر تأثیر مستقیم دانشجو بر دانشجو یا به‌نوعی سبک زندگی دانشجویی بر دانشجویان است. در واقع سبک زندگی و فرهنگ دانشگاهی، با افکار، ارزش‌ها و اعمال قاطبه دانشگاهیان سروکار دارد و این موضوع منجر به آن می‌شود که به‌طور عادی خلاقیت‌ها و اعتقادات قابل دفاع افراد یا جمعیت‌های معدود کنار گذاشته شود. (موسی پور، ۱۳۹۲: ۲۸) بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راهکار حل مسئله، تبدیل حالت تقابل‌طلبی در سیطره فکری دانشجویان به تعامل‌طلبی با ایجاد تحول در سبک زندگی دانشجویی است. (مطلبی، ۱۳۹۶: ۹۲) اما یکی از چالش‌های اصلی این مسئله، عملکرد رادیکال و انحصارطلبانه برخی از گروه‌های دانشجویی است که عاملی مؤثر در سیاست‌گریزی بسیاری از دانشجویان بوده‌است. در واقع این نگرش، باعث غلبه احساسات بر عقلانیت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان شده‌است که این امر سبب بروز رفتارهای غیرعقلانی و تند نیز گردیده‌است. (همان، ۹۳) بدین ترتیب برنامه‌ریزی دقیق برای ایجاد بستری مطالبه‌گرانه با گرایش تعامل‌طلبی در میان دانشجویان می‌تواند بهترین راهکار مسئله باشد که مهمترین راه آن، سروسامان دادن به سبک زندگی دانشجویی در کشور با ارائه الگوی سبک زندگی دانشجویی مسلمان ایرانی است. از جمله راهکارهای کلان ساماندهی با سبک زندگی دانشجویی و تدوین الگوی آن، رفع احساس محرومیت نسبی، چالش‌های اقتصادی و کاهش نارضایتی برای مدیریت بحران است. این نتایج با تحقیقات علیخواه (۱۳۸۷)، نوروزپور (۱۳۹۸) و حاجیانی (۱۳۹۷) همسو و مشترک بوده‌است.

موافقت با ناآرامی‌های اخیر و میل به مشارکت در اعتراضات از سویی و ناامیدی از بهبود وضعیت جامعه و کارآمدی دولت از سوی دیگر، نزد بخش قابل توجهی از دانشجویان مؤید پیدایی جامعه دوگانه دانشجویی است. به‌طوریکه اگر در مقاطع زمانی گذشته بخش کوچکی از جامعه دانشجویی اظهارگرایشات اعتراضی یا همسویی با معترضان را داشت؛ امروز با توجه آمارهای به‌دست آمده، شاهد پیدایی اردوگاه‌های متضاد حول چنین وقایعی هستیم. از این نقطه نظر می‌توان منطبق با نظریه بایندر (۱۹۷۱) چهار مورد از بحران‌های شش‌گانه را نزد دانشجویان (بحران‌های مشارکت، بحران

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مشروعیت، بحران نفوذ و بحران همبستگی ملی) در رابطه با جامعه و ساختار قدرت را به‌عیان دید و بررسی کرد.

منطبق با مسائل و بحران‌های مذکور می‌توان راهبردهای چندگانه زیر را به‌طور هم‌زمان پیش‌بینی و عملیاتی کرد:

کارآمدسازی سیاسی از طریق:

- زمینه‌سازی برای صیانت از حقوق شهروندی
- سهم بخشی عادلانه به نمایندگان توانمند خرده فرهنگ در ساختار قدرت
- تسهیل و روان‌سازی چرخه چرخش نخبگان در نظام و استفاده از نیروهای جوان و در حاشیه
- اقدام برای تغییر فرهنگ سیاسی دولتمردان به سمت عقلانی شدن
- مقابله با خاص‌گرایی‌ها یا افراط‌گرایی (قوم‌مدار، حزب‌مدار، قشرمدار و غیره)
- اجرای طرح تحول اداری

کارآمدسازی اقتصادی از طریق:

- عدم تمرکز زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌های کشور
- اجتناب از برنامه‌های اقتصادی تک‌بعدی
- محرومیت زدایی و مبارزه با فقر اقتصادی
- ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی از طریق توسعه گردشگری
- بازنگری در نظام اقتصادی و در نظر گرفتن اقتصاد مقاومتی

کارآمدسازی فرهنگی از طریق:

- تولید برنامه‌های رسانه‌ای جذاب در راستای اهمیت حفظ وفاق ملی و پیامدهای بی‌نظمی
- مشارکت دادن خرده فرهنگ‌ها و اجرای اصول مرتبط قانون اساسی در حوزه فرهنگی
- تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و نفوذ رسانه ملی در پهنه سرزمینی
- اقدامات همگرایانه و تعامل‌گرایانه در محیط‌های دانشگاهی و دانشجویی
- حمایت از تولید برنامه‌های فرهنگی در ترویج سبک زندگی دانشجویی
- مقابله با بازتولید کلیشه‌های منفی و تفرقه‌افکنانه در برنامه‌های فرهنگی در خصوص خرده فرهنگ‌ها
- مقابله با برنامه‌های فرهنگی دشمنان و نفوذ عناصر آن‌ها به ساختار فرهنگ

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

عادلانه و انسانی کردن عرصه اجتماعی از طریق:

- توزیع عادلانه امکانات و خدمات
- گسترش سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی

حراست از فضای علمی و تربیتی دانشگاه از طریق:

- پرهیز از دخالت‌های بی‌جا و غیراصولی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی
- شایسته‌سالاری در فضای دانشگاه
- زمینه‌سازی برای فعالیت‌های سیاسی و آزاداندیشی در مراکز علمی
- چارچوب‌شناسی و عمل بر مبنای برنامه و اسناد فرا دستی
- تسهیل مجوز دهی به انجمن‌ها، گردهمایی‌ها و نشست‌های علمی و فرهنگی

منابع

قرآن کریم

- ابتهاج، فریبا و اسدی، طیب (1387). به رسمیت شناختن هویت فردی و حقوق انسانی زن، مجموعه مقالات حجاب مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدی بالادهی، سیده‌مهدی و عباسی اسفجیر، علی اصغر (1403). ارزیابی نقش تولیدات دانش بنیان و اشتغال آفرین در پیش‌گیری و کنترل جرائم، انحرافات و ناآرامی اجتماعی استان مازندران با نگاهی بر تجارب بومی و جهانی. نشریه علمی دانش انتظامی مازندران، (54): 63-86.
- اسداللهی، بهروز و ذوالفقاری، حسین و داودی دهاقانی، ابراهیم (1402). مرور نظام مند پژوهش‌های کنترل ناآرامی‌های اجتماعی با روش فراترکیب. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ناجا، 8(3): 197-232.
- افشانی، علیرضا؛ عسگری‌ندوشن، عباس و سفید، مجید (1391). بررسی مشکلات فرهنگی زندگی خوابگاهی دانشجویان پسر خوابگاه‌های دانشگاه یزد. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، 2(5): 26-9.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ جعفری، طاهر و جعفری، وحید (1393). تأثیر فرهنگ سیاسی بر وحدت ملی در ایران. پژوهش‌های سیاسی، 4(10): 79-96.
- آقاپور، سید مهدی؛ خلجی و بهرام، عباس (1389). اصول و مبانی تربیت بدنی و علوم ورزشی. تهران: انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود (1375). جامعه‌شناسی نظم. تهران، نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم و دیگران، (1397)، اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه 1396؛ تحلیل‌ها و برآوردها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسین‌بر، عثمان (1380). بررسی عوامل موثر بر نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی. نشریه ندای اسلام، (19): 39-46.
- خامنه‌ای، سیدعلی (1377). حدیث ولایت، ج 3، تهران: دفتر مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

خامنه‌ای، سیدعلی (1388). *اشاره‌هایی از رهبر انقلاب درباره رسانه‌های بیگانه*. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. لینک خبر: B2n.ir/e10193

خبرگزاری فارس (1401). آخرین اخبار از بازداشتی‌های اغتشاش اخیر. لینک خبر: B2n.ir/w10065

خمینی، سیدروح‌الله (1378). *صحیفه نور*، دفتر پانزدهم، چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سلیمانی، محمد مهدی و ترابی، محمد (1402). تحلیل ناآرامی‌های پاییز 1401 جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس. *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، 8(87): 27-49.

زکی، محمدعلی (1395). انسجام اجتماعی، دانشجو و دانشگاه در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. دوره دهم، شماره 4.

سیدرضی (1389). *نهج البلاغه*، (ترجمه سید محمد دشتی). قم: نشر دیوان.

صدیق سروسنایی، رحمت‌الله (1385). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آن.

صدیقیان بیدگلی، آمنه (1395). کنش سیاسی دانشجویان و تأثیر محرومیت نسبی بر آن. *نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، 15(1): 243-269.

قربانی مرغملکی، احمدرضا؛ حسینی، رضا و اسکندری، محمد (1400). تحلیل کیفی نقش فساد اداری در ایجاد بحران‌های اجتماعی. *مدیریت بحران*، 60: 60-74.

کرمانی، حسین (1395). توصیف و سنجش سبک زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن. *نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، 6(3): 357-378.

کلینی، محمد ابن یعقوب (1401). *فروع کافی*، (ترجمه جمعی از مترجمان)، ج 5. قم: نشر قدس

لطفی پاکده، لطفعلی (1386). «اتحاد ملی، انسجام اسلامی و چهار سؤال»، *حصون*، 12(12): 176-195.

مجیدی، ابوبکر (1395). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های استان کردستان در تقابل با متعینهای اجتماعی - فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، مرکز پیام نور واحد تهران غرب.

محمودی راد، مریم و آراسته، حمید رضا (1383). *خوابگاه‌های دانشجویی به مثابه جوامعی برای یادگیری. طب و تزکیه*، 53(53): 45-54.

مروت، برزو (1390). «بررسی نگرش دانشجویان منطقه یازده دانشگاه آزاد اسلامی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، *مطالعات ملی*، 48(48): 93-114.

مطلبی، مسعود و بیژن، عارف (1396). *آسیب‌شناسی اصالت و استقلال جنبش دانشجویی در ایران معاصر*، نشریه *مطالعات بین‌المللی*، 55(55): 71-94.

موسی پور، نعمت‌الله (1394). سبک زندگی آموزش‌گران علوم انسانی در محیط دانشگاهی ایران: از آرمان‌های دینی تا واقعیت‌های سازمانی. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، 5(4): 1-32.

ولی‌نژاد، عبدالله و کاظمی، عباس (1400). تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های آبان 1398. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال شانزدهم، شماره 4.

بررسی نگرش دانشجویان به اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱

نوروزپور، مرتضی (1398). تحلیل اعتراض‌های سیاسی دی‌ماه 1396، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، پاییز، سال چهاردهم، شماره 4.

نیازی، محسن (1390). تبیین رابطه سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان. *مطالعات ملی*، 12(4): 50-31.

هرمزی‌زاده، محمدعلی (1388). عوامل موثر بر انسجام ملی. *مطالعات راهبردی بسیج*، (43): 31-53.

Binder, Leonard (1971). *Crises and Sequences in Political Development*. Princeton University Press.

Shahi, Afshin & Ehsan Abdoh-Tabrizi, (2020), "Iran's 2019-2020 Demonstrations: The Changing Dynamics of Political Protests in Iran", *Asian Affairs*, Vol. LI, No. I.

Chauvet, Lisa (2002). SOCIO-Political Instability and The Allocation of International Aid by Donors. *European Journal of Political Economy*, 19.

Collingford, C (2004). Conclusion The Future- is Sustainability Sustainable In John Blewitt & Cardic Collingford, *The Sustainability Curriculum: The Challenge for Higher Education*, Eartscan Publications.

HAGER, L. M. (2024). Some Reflections on the Campus Protests. *CounterPunch*.

Hidayat, M. M. (2024). The 2024 General Elections in Indonesia: Issues of Political Dynasties, Electoral Fraud, and The Emergence of A National Protest Movements. *IAS Journal of Localities*, 2(1), 33-51.

Khiba, T. A. (2023). Violent student protests in higher education institutions: exploring the formations of violence and the socio-economic costs of violent protests.

Ozili, P. K. (2024). Country-wide protests and financial stability. *International Journal of Sustainable Economy*.

Sambanis, Nicholas (2003). *Using Case Studies To Expand the Theory of Civil War*. New York: World Bank.

Swingewood, Alan (1998). *Cultural Theory and Problem of Modernity*. Macmillan: Macmillan University Press.

Tertychnaya, K., & Lankina, T. (2020). Electoral protests and political attitudes under electoral authoritarianism. *The Journal of Politics*, 82(1), 285-299.

Venieris, Yiannis & Dipak Gupta (1986). Income Distribution and Sociopolitical Instability as Determinants of Savings. *Journal of Political Economy*, 94.

Wrong, Dennis (1994). *The Problem of Order*. New York: Macmillan.

Passarelli, Francesco & Tabellini Guido. (2023). Emotions and Political Unrest. *Journal of Political Economy*. Volume 125, Number 3

Ince, A., Borén, T. & Lindell, I. (2021). After riots: Toward a research agenda on the long-term effects of urban unrest, *Journal of Urban Affairs*, 45:1, 84-101. Retrieved from

DOI: [10.71854/soc.2024-3101379](https://doi.org/10.71854/soc.2024-3101379)

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

کمال جوانمرد^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

کامبیز صنعتی

دانش آموخته جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزاده موسوی

مربی گروه جامعه‌شناسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۵

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناخت نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران آمادگی جسمانی شهر کرمان در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شده است. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است. روش گرانددتئوری است. جامعه آماری در این پژوهش ورزشکاران آمادگی جسمانی شهر کرمان بود. حجم نمونه تا اشباع مفهومی ادامه داشت که این مهم با ۱۶ مصاحبه عمیق در بین ورزشکاران آمادگی جسمانی شهر کرمان ممکن شد. روش نمونه‌گیری هدف‌مند بود داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA و رژن ۲۰ کدگذاری شد. جهت اعتباریابی کدها دو متخصص دیگر کدگذاری‌ها را مجدد انجام دادند که ضریب توافق کدگذاری‌ها ۰/۷۷ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد که ورزش بر تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران اثرگذار است. به تعبیری دیگر، ورزش با تغییر شیوه حل مسئله و ایجاد عادت‌های تاب‌آور در ورزشکاران، ایجاد همبستگی اجتماعی ویژگی رفتاری تاب‌آوری را در ورزشکاران افزایش می‌دهد. در نتیجه می‌توان ورزش را به عنوان یک عامل مهم در ایجاد تعادل روانی اجتماعی و به‌عنوان یک راه حل مناسب برای گذار از بحران برای افراد معرفی کرد.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عادات تاب‌آور، حل مساله

^۱ نویسنده مسئول: javanmardkamal@yahoo.com

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

The Role of Sports in the Social Resilience of Athletes: A Study in Kerman

Kamal Javanmard¹

Assistant Professor of Sociology, Shahre Ghods Branch, Islamic Azad University, Shahre Ghods, Iran

Kambiz Sanati

Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Azadeh Mosavi

Department of Sociology, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Abstract

The current research was conducted to know the role of sports in the social resilience of physical fitness athletes in Kerman city in 1401-1402. This research is practical in terms of purpose. The method is grand theory. The statistical population in this research was the physical fitness athletes of Kerman. The sample size continued until conceptual saturation, which was possible with 16 in-depth interviews among physical fitness athletes in Kerman. The sampling method was purposeful. The data was coded with MAXQDA version 20 software. In order to validate the codes, two other experts did the coders again, and the agreement coefficient of the coding was 0.77. The findings showed that exercise affects the social resilience of athletes. In other words, by changing the way of solving problems and creating resilient habits in athletes, creating social solidarity increases the behavioral characteristic of resilience in athletes. As a result, sports can be introduced as an essential factor in creating psychosocial balance and as a suitable solution for people to transition from crisis.

Keywords: Social resilience, social solidarity, resilient habits, problem solving

¹ Corresponding Author: javanmardkamal@yahoo.com

مقدمه

پیچیده‌تر شدن جوامع بشری، آمیختن زندگی با مشکلات و سختی‌های فراوان، پیامدهای چون استرس و اضطراب و مشکلات روانی و جسمی را برای افراد به ارمغان آورده است. برای عبور از این شرایط، داشتن ویژگی‌های رفتاری یا مهارت‌هایی برای رسیدن به حفظ سلامت روان لازم و ضروری به نظر می‌رسد (علیزاده و نمازی زاده، ۱۳۹۹: ۸۰). یکی از مفاهیمی که در حال حاضر مطرح شده است، مفهوم تاب‌آوری است. تاب‌آوری، مفهوم جدیدی است که بیشتر در مواجهه با ناشناخته‌ها و عدم قطعیت به کار برده می‌شود (جلیلی و حسین چناری، ۱۳۹۸: ۱۳۲). این که تاب‌آوری چیست و چگونه در افراد شکل می‌گیرد و چگونه می‌تواند مسیر زندگی افراد جامعه را شکل دهد، نقش مهمی در مطالعات مدرن دارد. تاب‌آوری اجتماعی به توانایی ورزشکاران برای مواجهه و کنار آمدن با چالش‌ها، استرس‌ها، شکست‌ها، و شرایط نامساعد در مسیر تمرین و مسابقات ورزشی اشاره دارد. این مفهوم شامل توانایی فرد در بازگشت به حالت اولیه پس از مواجهه با موانع و حفظ انگیزه، روحیه، و عملکرد مثبت در شرایط سخت است (پروم برگر^۱ و همکاران ۲۰۱۴: ۱۲).

تاب‌آوری در ورزش یک مسئله مهم است که بر آن تأکید می‌شود و همیشه به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی، میزان عملکرد ورزشکاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (الیز^۲، ۲۰۱۸: ۹۸)، چرا که شرایط ورزش رقابتی است و در رقابت‌های سنگین، تاب‌آوری می‌تواند منجر به بهبود وضعیت ورزشکاران شود (والکر^۳، ۲۰۱۹: ۲۵). همچنین در گروه‌های ورزشی، تاب‌آوری به‌عنوان یک هدف مهم مدنظر مربیان است و باعث می‌شود، گروه‌های ورزشی سعی در ارتقاء قابلیت آن در بین ورزشکاران داشته باشند (لی، ژانگ، لیو ژانگ^۴، ۲۰۲۰: ۶۸).

¹ Prom Berger

² Ellis

³ walker

⁴ Liu, Zhang & Zhang

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

مفهوم تاب‌آوری به معنای تغییر به حالت جدید باشد که در محیط موجود پایدارتر است، به عبارت دیگر بیشتر به سازگاری و انطباق جوامع با حوادث می‌پردازد (دانشوری و همکاران، ۲۱:۱۴۰۰) محصول اجتماعی است که فرد در آن رشد می‌یابد؛ نیز هست. بخشی از تاب‌آوری را در مسیر اجتماعی شدن می‌آموزیم؛ چراکه هویت فردی در فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و ساختار می‌یابد. همچنین به وسیله آن خودآگاه^۱ می‌شود؛ خودآگاهی به معنی این است که انسان‌ها درمی‌یابند به معنی ابژه^۲ در محیط وجود دارند (شارون، ۶۰:۱۳۹۸)؛ اما خودسازی^۳ ما از طریق آن چه مید^۴ از آن به عنوان دیگری تعمیم یافته^۵ نام می‌برد، شکل می‌گیرد. با توجه به هویت فردی و شناخت خود و خودسازی، می‌توانیم راهبردهای زندگی فردی خود را مشخص سازیم. این راهبردها می‌تواند به گونه‌های متفاوتی باشد: خودبیزاری، خودکنترلی یا حتی تاب‌آوری که فرد در مسائل بروز می‌دهد می‌تواند به نوعی رفتار اجتماعی است ناشی از یادگیری‌های اجتماعی کسب نموده است (یلدیریم، آرسلام و ونگ^۶، ۶۵، ۲۰۲۱). تاب‌آوری صرفاً مقاومتی غیرفعال در برابر موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و استرس‌زا نیست؛ بلکه فرد تاب‌آور یک مشارکت‌کننده فعال در محیط است (والر^۷، ۲۰۰۱). این سازه از نظر فرهنگی و زمینه‌ای یا به عوامل اجتماعی - محیطی وابسته است (لوتار و سیکتی^۸، ۲۰۰۰، لوتار، سیکتی و بکر^۹، ۲۰۰۰، مورگان، فلچر و سرکار^{۱۰}، ۲۰۱۳) و یا به رویدادهایی که در طول زندگی با آن مواجه شده‌اند. جدا از بحث هویت فردی، در درون سازمان‌های اجتماعی نیز قرار می‌گیرند که بخش بزرگی از زندگی فردی را در آن سپری می‌کنند و زندگی خود را در چارچوب قواعد اجتماعی و الگوهای اجتماعی می‌گذرانند و ما را به انسان‌هایی فرهنگی تبدیل نموده که در کنار یکدیگر زندگی کنیم و کنش متقابل داشته باشیم. خاصیت زندگی

¹ Self-essence

² Objects

³ Self-realization

⁴ Mid

⁵ Generalized other

⁶ Yildirim, Arslan, & Wong

⁷ Waller

⁸ Luthar & Cicchetti

⁹ Luthar, Cicchetti & Becker

¹⁰ Morgan, Fletcher & Sarkar

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

جمعی و روابط جمعی تمایز و تفاوت است. تفاوت در نوع طبقه، نوع زندگی، تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و غیره (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰). زندگی جمعی، امکان روبه‌رو شدن با بحران‌های بی‌شماری را برای ما فراهم می‌سازد (شارون، ۱۳۹۸: ۷۵). زمانی که صحبت از ارتقاء تاب‌آوری به میان می‌آید، مهم‌ترین مسئله، مدیریت اثرات شوک‌ها و موضوعات مرتبط با ریسک و تغییرات و بی‌ثباتی‌های آینده و تقویت ظرفیت جذب شوک‌ها است. به کارگیری شیوه‌های تاب‌آوری، موجب انطباق یافتن و کاهش شوک‌های جدید و کاهش اثرات منفی این شوک‌ها است (خامسان، ۱۳۹۷: ۶۵). یکی از راهکارهای جدید، که متخصصان برای مقابله با شرایط بحرانی پیشنهاد داده‌اند، ورزش است (صالحیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۹). ورزش یک فعالیت نهادینه شده است که مستلزم به کارگیری نیروی جسمانی شدید، با استفاده از مهارت‌هایی است که توسط عوامل درونی و بیرونی تحریک می‌شود. ورزش با ایجاد بستری برای تجربه کردن شرایط و تجربیات مختلف برای افراد، باعث افزایش سلامت روان و جسم می‌شود (علیزاده و نمازی زاده، ۱۳۹۹: ۷۹). تاب‌آوری به‌عنوان یک ضرورت عملی برای موفقیت در ورزش در نظر گرفته شده است زیرا سوال این نیست که: آیا یک ورزشکار در ورزش با ناملایمات مواجه می‌شود؟ بلکه این است که: چگونه زمانی که ناملایمات رخ می‌دهند، واکنش نشان خواهد داد (گاللی و گنزالس^۱، ۲۰۱۲: ۱).

تاب‌آوری اجتماعی، منجر به کنترل استرس و اضطراب، مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری و انطباق، استقلال و خودکنترلی، تعهد و پشتکار در ورزشکاران می‌گردد. افرادی که در ورزش شرکت می‌کنند، به‌صورت فعال با شکست و ناملایمات مواجه می‌شوند. ورزشکاران در طول دوران حرفه‌ای خود با شکست‌ها، ناملایمات و استرس‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند (تامینت و همکاران^۲، ۲۰۱۳: ۶۵) بنابراین ورزشکاران به دلیل ماهیت رقابتی و استرس‌زای حرفه‌ای که دارند، نیازمند داشتن تاب‌آوری بالا هستند. این توانایی به آن‌ها کمک می‌کند تا در برابر شکست‌ها، فشارهای رقابتی، آسیب‌ها و سایر چالش‌های ورزشی مقاومت کنند و به بهترین عملکرد ممکن

^۱ Galli and Gonzalez

^۲ Tamminen et al

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

برسند. ورزشکاران در هر شهر و منطقه‌ای با مشکلات و چالش‌های خاص خود روبه‌رو می‌شوند. شهر کرمان نیز دارای ویژگی‌ها و شرایط اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خاص خود است و نیاز به تحقیقات محلی درباره تاب‌آوری اجتماعی دارد. این تحقیقات می‌تواند به مدیران ورزشی، مربیان، و ورزشکاران کمک کند تا استراتژی‌ها و برنامه‌هایی را برای تقویت تاب‌آوری و بهبود عملکرد ورزشی ارائه دهند؛ بنابراین این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شد که: ورزش از طریق چه مؤلفه‌هایی منجر به تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران آمادگی جسمانی می‌شود؟

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیق ملانوروزی و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «بررسی رابطه بین تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی ورزشکاران رشته‌های انفرادی با نقش میانجی استرس ادراک‌شده» نشان داد: رابطه مثبت معناداری بین تاب‌آوری و استرس ادراک‌شده با بهزیستی روان‌شناختی و همچنین بین استرس ادراک‌شده و تاب‌آوری وجود دارد (مقدار T-Value بیشتر از ۱/۹۶ هست). با توجه به این یافته‌ها، لازم است مربیان و ورزشکاران به نقش تاب‌آوری در ابعاد گوناگون شخصیت ورزشکاران در ارتقای سلامت روان‌شناختی و عملکرد ورزشی توجه بیشتری داشته باشند.

مقدسی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «مدل‌سازی تاب‌آوری در ورزش» نشان دادند: این مدل می‌تواند تبیین و سبب‌شناسی تاب‌آوری در ورزش را تسهیل کند. همچنین این مدل می‌تواند پس از سنجش وضعی تاب‌آوری در ورزش و ارزیابی نقاط مثبت و منفی بالقوه آن، جهت برنامه‌ریزی در ورزش به کار رود. بدین طریق تاب‌آوری ورزشکاران بهبود می‌یابد. لیندسی سالیوان جنیفرای^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی یک برنامه آموزشی تاب‌آوری برای دانشجویان ورزشکار: یک مطالعه آزمایشی» نشان داد: آموزش تاب‌آوری، احتمال استفاده از راهبردهای مقابله انطباقی را برای مدیریت استرس‌های تحصیلی و ورزشی در دانشجویان ورزشکار افزایش می‌دهد.

¹ Lindsay Sullivan & Jennifer E. Carter & James Houle, Kele Ding & Amanda Hautmann & Jingzhen Yang

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

بیکالهو و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری ورزشکاران: یک بررسی سامان‌مند بر اساس تحلیل شبکه استناد» انجام دادند که هدف آن، درک شاخص‌ها و دامنه مدل‌های نظری اتخاذشده برای توصیف تاب‌آوری ورزشکاران و همچنین تحلیل تأثیر آن‌ها بر تحقیقات در مورد این تاب‌آوری است. نتایج گویای این نکته است که: تاب‌آوری در ورزشکاران، یک فرایند پویا و مستمر بر اساس ویژگی‌های فردی روان‌شناختی و تعاملات ورزشکار با محیط است.

فرانک جی. اچ. لو آ^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل تاب‌آوری ورزشکاران و حمایت اجتماعی مریبان بر رابطه استرس فرسودگی شغلی: دیدگاه تعدیل پیوندی» به این نتیجه رسیدند که: تاب‌آوری و حمایت اجتماعی مریبان، رابطه استرس - فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند، به‌ویژه تعامل تاب‌آوری ورزشکاران با حمایت اجتماعی اطلاعاتی و ملموس مریبان تعدیل می‌شود. همچنین استرس و فرسودگی ورزشکاران در شرایط استرس زندگی بالا و پایین را تعدیل می‌کند.

روش تحقیق

باتوجه به هدف اصلی، روش کیفی از نوع گراند تئوری کلاسیک، برای این پژوهش انتخاب شد. در این رویکرد، درک پدیده مورد مطالعه در بستر و محیط جهان واقعی مورد نظر است و محقق، در پی دست‌کاری پدیده مورد نظر خود نیست. همچنین این رویکرد تلاش می‌کند تحلیلی مبتنی بر بافت، بستر و وضعیت ارائه دهد. این مطالعه کیفی از نوع اکتشافی است و روش جمع‌آوری داده‌ها تفسیری بنیادی است. در این روش محقق سعی می‌کند به فهم بستر فرایندهای اجتماعی و ماهیت ذهنی کنشگران دست پیدا کند. هدف، کشف شاخص‌ها از درون واقعیت‌های موجود است. به عبارتی محقق خودش دست به شاخص‌سازی می‌زند؛ لذا روش نمونه‌گیری هدفمند است. جامعه آماری این پژوهش، ورزشکاران حوزه آمادگی جسمانی است و حجم نمونه با مصاحبه از ۱۶ نفر

¹ Bicalho, C.C.F.& Melo, G.F& Noce, F

² Frank J.H. Lu a &Wei Ping Lee b & Yu-Kai Chang b& Chien-Chih Chou c &Ya-Wen Hsu d &Ju-Han Line&Diane L. Gil

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

ورزشکار به اشباع مفهومی رسید. برای آغاز کار چون نیازمند ورزشکارانی بودیم که تاب‌آوری اجتماعی بالایی نسبت به ورزشکاران دیگر داشته باشند، ابتدا شرط ورود به مصاحبه مشخص شد.

شروط ورود به مصاحبه عبارت‌اند از: الف) سابقه فعالیت در ورزش به شکل مستمر حداقل ۴ سال. ب) کسب نمره بالای ۶۰ از پرسشنامه استاندارد تاب‌آوری اجتماعی (کونور و دیویدسون). پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرت بین صفر (کاملاً نادرست) و پنج (همیشه درست) نمره گذاری شدند. بعد از مشخص شدن افراد، در جلسه ای مجزا با هر کدام در مکان مناسبی که خود مصاحبه شوندگان تمایل داشتند، مصاحبه در بازه زمانی ۴۵-۶۰ دقیقه انجام شد. در مصاحبه از روند تأثیر گذاری و چگونگی این تأثیر گذاری بر تاب‌آوری و رفتارهای اجتماعی ورزشکاران پرسش شد. سپس داده‌های تحقیق با نرم‌افزار MAXQDA ورژن ۲۰ کدگذاری شد. جمعاً ۷۲۰ کدباز به دست آمد. جهت اعتباریابی، کدگذاری‌ها، توسط دو متخصص دیگر نیز کدگذاری شدند و ضریب توافق کدگذاری‌ها ۰/۷۷ به دست آمد.

جدول شماره ۱: مشخصات افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه

شماره مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	تحصیلات
1	زن	30	فوق‌دیپلم
2	زن	32	فوق‌دیپلم
3	زن	42	لیسانس
4	زن	32	فوق‌دیپلم
5	زن	32	لیسانس
6	زن	45	لیسانس
7	مرد	40	فوق‌دیپلم
8	مرد	41	لیسانس
9	مرد	32	فوق‌دیپلم
10	مرد	32	لیسانس

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

11	زن	22	در حال تحصیل
12	مرد	24	در حال تحصیل
13	مرد	27	لیسانس
14	مرد	28	لیسانس
15	زن	26	لیسانس
16	زن	25	در حال تحصیل

یافته های پژوهش

در این بخش، کدهایی که از متن مصاحبه ها به دست آمده است، گزارش شده است. در مرحله کدگذاری محوری که محقق بر اساس هدف و موضوع تحقیق، کدها را تعیین کرده است و کدگذاری گزینشی که انتخاب کدهای مهم و کلیدی برای بررسی و تفسیر داده ها متمرکز است در این مرحله بر اساس مهم ترین و برجسته ترین موضوعات، الگوها یا مفاهیم در داده ها صورت گرفته و مقولات گزارش شده است.

جدول شماره ۲: کدهای باز مصاحبه

ورزش شرایط زندگی من را به کل تغییر داد و من با دیسیپلین شدم.
یاد گرفتم چگونه موقعیت های مختلف اجتماعی ا به سمتی که دوست دارم هدایت کنم
وزنه زدن یا دویدن، به من کمک کرد تا به طور موقت نگرانی های مربوط به کارم را کنار بگذارم
تعامل با افرادی که دائماً در تلاش برای خودسازی و رشد هستند، دیدگاه من را تغییر داده است
در ورزش فهمیدم شکست ها موقتی هستند مطمئن هستم شرایط بحرانی نیز می گذرد
درک مثبت تری از شرایط در من ایجاد شده است
آدم های زیادی را ملاقات کنم، با دیدگاه های متفاوت، فرهنگ های متفاوت، این موجب شد که من چند نکته را یاد بگیرم مشکلات برای همه هست، دوم داشتن دوستانی که در سختی می توانم به آنها تکیه کنم.
افزایش روحیه به من کمک کرده راحت تر مسائل را ببینم
درک مثبت نسبت به شرایط پیدا کردم
توانایی حل مسئله ام بهتر شد
تمرینات ورزشی توانسته این توانایی در من ایجاد کند که حس کنم از پس هر مشکلی برآیم مگر مرگ
افزایش روحیه به من کمک کرده راحت تر مسائل را ببینم
توانایی حل مسائل بالا برده مسائل برای من قابل حل تر شدن
توانایی مقابله با چالش ها و موانع را در من بیشتر کرده است

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

احساس ارتباط با جامعه
تعامل من با ورزشکاران و علاقه‌مندان به آمادگی جسمانی باعث ایجاد حس اجتماعی شده‌است.
عضویت در یک جامعه باعث شده خودم را تنها احساس نکنم
پیگیری جمعی برای خودسازی و رشد حس وحدت را تقویت می‌کند
تجارب مشترک با دیگران دارم این تجارب حس بهتری در من ایجاد می‌کند.
تجربیات خودمان با هم به اشتراک می‌گذاریم
تجارب یکی با یکدیگر داریم
یادگیری از تجارب دیگران
درک مشترک بر اساس تجارب مشترکی که داریم
تجربیات مشابهی که همدیگر به اشتراک می‌گذاریم
حمایت اجتماعی
این روابط و حمایت‌ها منبع ارزشمندی برای تشویق در دوران سخت زندگی‌ام بود
احاطه کردن خودم با افرادی که حمایت از من را در اولویت قرار می‌دهند،
پشتیبانی قوی احساس می‌کنم از سمت دوستان ورزشکارم
تشویق و حمایت از سوی همکاران باعث شده من حس بهتری داشته باشم
همدلی متقابل در ورزش باعث احساس بهتری در افراد می‌شود
وقتی یکی از اعضا با چالش یا شکست مواجه می‌شود، کل جامعه پشت سر او جمع می‌شوند و کلمات تشویق، نصیحت و حمایت را ارائه می‌کنند.
گروه که داریم در ورزش حس همدلی و عضویت در گروه در من این احساس ایجاد می‌کند متعلق به جایی هستم
معمولاً تیمی کار می‌کنیم مگر در ورزش‌های انفرادی، اما ورزشکاران معمولاً با همدیگر راحت‌تر گروه تشکیل می‌دهند این گروه و ایجاد گروه حس خوبی به هم می‌دهد که به
گروه خاصی تعلق خاطر دارم
تعامل اجتماعی بین افراد زیاد می‌شود
شبکه‌های اجتماعی قوی پیدا کرده‌ایم
انسجام و پشتیبانی تیمی در ورزش داریم که تحمل سختی‌ها را بهتر می‌کند.
شبکه‌ای از افراد هم‌فکر ایجاد کرده است
بردباری من نسبت به مسائل اجتماعی بیشتر شده
در صورت دانستن اختلاف‌نظرها باز می‌توانیم با آن‌ها کنار بیایم
تعامل و تساهل با افراد دیگر بیشتر شده است
انعطاف‌پذیری من نسبت به شرایط بیشتر شده است
ورزش باعث شد ارتقای تعادل بین کار و زندگی من برقرار شود

خودم را جزئی از یک گروه ورزشی هستم
همکاری و کارگروهی در ورزش بیشتر می‌شود این باعث می‌شود افراد یاد بگیرند در کنار یکدیگر چگونه کار کنند
حس می‌کنم به جمعی متعلق هستم
متعلق به جمعی بودن لذت‌بخش است.
اهداف مشترک داشتن موجب می‌شود با تفاوت‌ها و شرایط خاص کنار بیایم
پشتکار و اهداف مشترک داریم.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

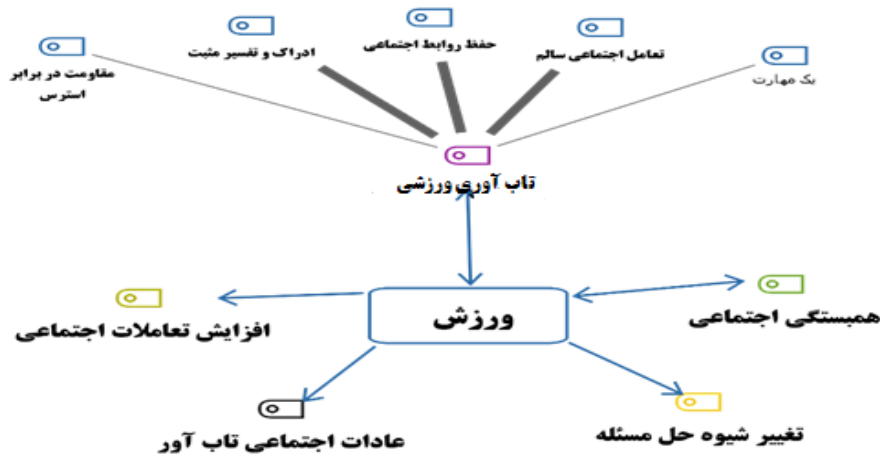
ما در ورزش اهداف مشترک داریم این باعث می شود حل مشکلات راحت تر به نظر برسد
هدف گذاری مشترک داریم.
ورزش اهداف و آرزوهای مشترک در افراد ایجاد می کند
تعیین اهداف واقع بینانه باعث می شود شرایط که سخت می شود این درک داشته باشیم که بخشی از این زندگی است مشکلات ما تو ورزش یادمی گیرم چه کارکنیم چون خود ورزش کردن یک نظم و دیسیپلین خاص دارد.
مشارکت من در فعالیت های اجتماعی بیشتر کرده است
تمایل من از زمانی که ورزش کرده ام نسبت به فعالیت های جمعی و گروهی بیشتر شده است.
مشارکت اجتماعی در ورزشکاران بیشتر است این همبستگی که ایجاد می شه حل کردن مشکلات برای ما راحت تر می کنه
احساس مسئولیت مشترک بین بچه های ورزشکار وجود دارد
حتی اگر مشکلی از هم نتوانیم حل کنیم باز هم کمک می کنه تا حس کنیم کسی در کنار خودمان داریم این سختی ها را قابل تحمل تر می کند
فعالیت های جمعی ما کمک کننده است در شرایط بحرانی ما به کمک هم میایم بارها مشکلاتی برای بچه های تیم پیش آمده با کمک هم تونستیم بخشی از مشکل حل کنیم.
بیشتر از قبل در کارهای گروهی شرکت می کنم.
یاد گرفته ایم ضمن ارتباط چه جوری اختلافات حل کنیم
من در ورزش یاد گرفتم که مشکلات و اختلافات مهم نیست و هر چیزی قابل حل است چرا که آنچه مهم است مسیر رشد فردی خودت و الکی با دیگران سر مسائل بیهوده اختلاف پیدا نمی کنم.
تو حل مشکلاتمان هم به فکر هم هستیم

جدول شماره 3- کدگذاری محوری و گزینشی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری
1. تغییر شیوه حل مسائل	تغییر در شرایط و موقعیت اجتماعی
	درک مثبت به شرایط
	توانایی حل مسئله
	افزایش دقت و تمرکز
2. همبستگی اجتماعی	مشارکت اجتماعی
	مهارت حل تعارض
	اهداف مشترک
	احساس تعلق
	انعطاف پذیری اجتماعی
	تشکیل گروه های اجتماعی
	حمایت اجتماعی
	تجارب مشترک
3. افزایش تعاملات اجتماعی	افزایش مهارت ارتباطی
	ایجاد تعاملات رسمی و غیررسمی
	تعاملات میان فردی
	تعاملات رسانه ای
	فعالیت های داوطلبانه

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

	حفظ روابط اجتماعی
	پذیرش امکان نابرابری
	فداکاری
	نظم و انضباط بخشی
	مدیریت استرس
	تحمل‌پذیری
	مدیریت عواطف
	توانایی بازیابی بعد از شکست
	اعتماد به نفس
	خودشناسی
	تحمل فشارهای رقابتی و انضباطی
	افزایش انگیزه
4. ایجاد عادات اجتماعی تاب‌آور	



شکل ۱- نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران

بحث و نتیجه‌گیری

ورزش به‌عنوان یک پدیده تک بعدی طبیعی و زیست‌شناختی صرف نیست، بلکه واقعیتی چندوجهی با ابعاد متعدد اجتماعی، فرهنگی، روانی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی است که از دیدگاه مارسل موس، از اصل واقعیت اجتماعی تام پیروی می‌کند (جوانمرد، ۱۴۰۱: ۱۵). این پدیده به‌عنوان یک

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

فعالیت فیزیکی نه تنها اثرات فیزیولوژیکی، بلکه اثرات روان‌شناختی و اجتماعی قابل توجهی نیز دارد که می‌تواند بر تاب‌آوری افراد تأثیرگذار باشد. نتایج نشان داده‌اند که ورزش از طریق ایجاد همبستگی اجتماعی، ایجاد عادات تاب‌آور، تغییر شیوه حل مسئله و افزایش تعاملات اجتماعی، می‌تواند تاب‌آوری را در ورزشکاران افزایش دهد. نتایج به‌دست‌آمده با تحقیقات ملانوروزی و همکاران (۱۴۰۱) که به بررسی رابطه بین تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی ورزشکاران پرداخته‌اند؛ لیندسی سالیوان جنیفرای (۲۰۲۳) که نشان داد تاب‌آوری، احتمال استفاده از راهبردهای مقابله انطباقی را برای مدیریت استرس‌های ورزشی در دانشجویان ورزشکار افزایش می‌دهد؛ بیکالهو و همکاران (۲۰۲۰) تاب‌آوری ورزشکاران: که در تحقیق خود نشان دادند تاب‌آوری در ورزشکاران یک فرایند پویا و مستمر بر اساس ویژگی‌های فردی روان‌شناختی و تعاملات ورزشکار با محیط است؛ فرانک جی. اچ. لو آ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد تاب‌آوری با حمایت اجتماعی، رابطه معنی‌داری دارد؛ هم‌سو و هم‌جهت است. جهت تبیین باید گفت: ورزش با ایجاد فرایندهای اجتماعی اثرگذار، می‌تواند همبستگی اجتماعی را توسعه دهد. در این‌جا این همبستگی بر اساس مطالب بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان تشریح شد، بدین معنا که همبستگی در ورزش به دلیل ایجاد گروه اجتماعی خاص، باعث می‌شود فرد به گروه احساس تعلق کند و توسط افراد گروه حمایت شود. این احساس حمایت اجتماعی، فرد را در مقابل شرایط، منعطف‌تر می‌سازد چرا که احساس آرامش می‌کند. همچنین با ایجاد اهداف مشترک، تجارب مشترک این همبستگی را مستحکم‌تر می‌سازد. از سوی دیگر چون تجارب مشترکی نیز دارند در حل تعارضات موفق‌تر عمل می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت: ورزش باعث افزایش ارتباطات اجتماعی و افزایش احساس تعلق به گروه و اجتماع می‌شود. این ارتباطات می‌توانند به‌عنوان یک شبکه حمایتی، در مواجهه با چالش‌ها و استرس‌های ورزشی و همچنین تنش‌های روزمره عمل کنند و در نتیجه، تاب‌آوری اجتماعی را بهبود بخشند.

شاخص دیگر، افزایش تعاملات اجتماعی است. ورزش با ایجاد تعاملات رسمی و غیررسمی، ضمن این که منجر به حفظ روابط اجتماعی می‌شود، تعاملات فردی و رسانه‌ای را نیز افزایش می‌دهد. تعاملات فردی، روابطی دوستانه و نزدیک بین گروه ورزشی ورزشکاران است که امکان دارد از

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

باشگاهی به باشگاه دیگر فرق کند. دیگر تعاملات رسانه‌ای است که پدیده‌ای جدید با شکل‌گیری رسانه‌های اجتماعی است و منجر به این شده است که ورزشکاران غیر از تعاملات بومی، تعاملات جهانی نیز کسب کنند. همچنین ورزش از طریق دو شاخص دیگر که عبارتند از: تغییر شیوه حل مسائل و ایجاد عادات‌های تاب‌آور در ورزشکاران، این ویژگی را بسط می‌دهد. ورزش به‌عنوان یک فعالیت منظم و قابل‌پیش‌بینی می‌تواند به ایجاد عادات تاب‌آور کمک کند. مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی به بهبود نظم روزانه و کنترل استرس کمک می‌کند که این عوامل همگی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت دارند. تغییر شیوه حل مسئله در اینجا به معنی افزایش دید مثبت به مسائل، افزایش دقت و تمرکز و تغییر شرایط و موقعیتی که فرد در آن قرار دارد است. شیوه حل مسئله در ورزشکاران بدین‌گونه است که ورزشکاران باید بتوانند وضعیت و شرایط فعلی خود را به‌درستی تشخیص دهند و این وضعیت را بازنگری کنند. این به آن‌ها کمک می‌کند تا بازنگری در اهداف خود داشته باشند و برنامه‌های منطقی برای رسیدن به آن اهداف تدوین کنند.

در انتها می‌توان گفت: ورزش عادات رفتاری تاب‌آور را در فرد ایجاد می‌کند. ورزش از طریق ایجاد نظم و انضباط و تحمل‌پذیری؛ تحمل فشارهای رقابتی و انضباطی توانایی بازبایی بعد از شکست، اعتماد به نفس، خودشناسی و همچنین درک و پذیرش امکان نابرابری در شرایط ورزش، که همراه با نوع فداکاری فردی است، عواطف خود را مدیریت سازد درحالی‌که انگیزه‌های ورزشکاران را نیز حفظ نموده آن‌ها را نسبت به استرس‌ها و پیامدهای اجتماعی تاب‌آورتر می‌سازد. همچنین ورزش به‌عنوان یک راه برای آزادسازی تنش‌ها و استرس‌های روزمره عمل می‌کند. فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تنش‌ها را کاهش دهند و باعث آرامش و تجدید انرژی در افراد شوند. این تجربه به‌طور طبیعی افراد را به یادگیری مهارت‌های مدیریت استرس می‌کشاند که در زندگی روزمره و مواجهه با چالش‌ها بسیار مفید است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- توسعه ورزش را به‌عنوان یک نهاد اثربخش در کاهش مسائل اجتماعی مدنظر قرار دهیم.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- تشویق به فعالیت‌های گروهی و تیمی: افزایش همبستگی اجتماعی و تعاملات میان افراد یک تیم ورزشی می‌تواند به تقویت تاب‌آوری افراد کمک کند؛ بنابراین، تشویق به شرکت در تمرینات گروهی و مسابقات تیمی، می‌تواند مفید باشد.
- تقویت شبکه اجتماعی: تشویق ورزشکاران به برقراری و تقویت ارتباطات مثبت با همکاران، مربیان، و افراد دیگر در جامعه ورزشی می‌تواند نتیجه تاب‌آوری را بهبود دهد.

تقدیر و تشکر

سپاس از تمامی کارکنان فدراسیون آمادگی جسمانی که هماهنگی‌های لازم را برای مصاحبه انجام دادند و این امکان را برای محقق فراهم ساختند تا بتواند داده‌های این پژوهش را جمع‌آوری کند.

منابع

- جلیلی، علی؛ حسین چاری، مسعود؛ (1389) تبیین تاب‌آوری روان‌شناختی بر حسب خودکارآمدی در دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار، مجله رشد و یادگیری حرکتی ورزشی، 2(4)، 131 - 154.
- جوانمرد، کمال (1401) پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
- خامسان، احمد (1397) راهنمای تحلیل تاب‌آوری دستگاه‌ها: ارتقای تاب‌آوری اجتماعی، تهران، انتشارات چهار درخت.
- دانشوری نسب، عبدالحسین؛ مقصودی، سوده؛ صالحی، مریم. (1400). رابطه حمایت اجتماعی با تاب‌آوری اجتماعی زنان آسیب‌دیده از سیل (مورد مطالعه شهرستان دلگان)؛ نشریه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، 67(2)، 50-7.
- ساعدی، قاسم؛ ادهمی، عبدالرضا؛ سعیدی، احمد (1401) ارائه الگوی عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در شرایط تحریم‌های سیاسی و اقتصادی: یک مطالعه کیفی؛ نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، (50)، 225-242.
- شارون، جونال (1398) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نشر نی
- صالحیان، میرحمید؛ مکاری ساعی، سیما؛ دستانی، ثمین؛ کیومرثی، اسماعیل؛ (1401) تأثیر تجارب ناگوار دوران کودکی، پریشانی روان‌شناختی و تاب‌آوری بر افسردگی ورزشکاران آماتور، مجله روان‌شناسی و روانپزشکی شناخت، 9(2)، 107 - 116
- علیزاده، مژده؛ نمازی زاده، مهدی (1399) ارتباط بین تاب‌آوری و سخت‌کوشی در ورزشکاران و مقایسه آن در رشته‌های اجتماعی (والیبال و بسکتبال) و انفرادی (شنا و دوومیدانی)؛ نشریه ایده‌های نوین روان‌شناسی؛ شماره

نقش ورزش در تاب‌آوری اجتماعی ورزشکاران: مطالعه‌ای در شهر کرمان

9، ص 78-91

مقدسی، محمدرضا؛ دایزدی، بهزاد؛ شعبانی مقدم، کیوان (1400) مدل‌سازی تاب‌آوری در ورزش، مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی، 10(38)، 233-252

ملانوروزی، کیوان؛ کاشی، علی؛ کرمی، شادی (1401) بررسی رابطه بین تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی ورزشکاران رشته‌های انفرادی با نقش میانجی استرس ادراک‌شده، مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی، 12(43)، 23-34

Bicalho, C.C.F. Melo, G.F. Noce, F. (2020). Resilience of athletes: a systematic review based on a citation network analysis. *Cuadernos de Psicología Del Deporte*, 20(3), 26-40

Ellis, L. M. (2018). Athlete resilience training (ART) program: an evidence based intervention to improve resilience in collegiate golfers after performance failure a manual for coaches and athletes (Doctoral dissertation), California State University.

Frank J.H. Lu a & Wei Ping Lee b & Yu-Kai Chang b & Chien-Chih Chou c & Ya-Wen Hsu d & Ju-Han Line & Diane L. Gill (2016) Interaction of athletes' resilience and coaches' social support on the stress-burnout relationship: A conjunctive moderation perspective, *Psychology of Sport and Exercise* 22 (2016), 202-209.

Galli N., Gonzalez S. P. (2015). Psychological resilience in sport: a review of the literature and implications for research and practice. *Int. J. Sport Exerc. Psychol.* 13, 243-257. 10.1080/1612197X.2014.946947

Lindsay Sullivan, Jennifer E. Carter, James Houle, Kele Ding, Amanda Hautmann, Jingzhen Yang (2023) Evaluation of a resilience training program for college student-athletes: A pilot study, *Journal of American College Health*, 71:1, 310-317

Liu, F. Zhang, Z. Liu, S. & Zhang, N. (2021). Examining the Effects of Brief Mindfulness Training on Athletes' Flow: The Mediating Role of Resilience. *Evidence-Based Complementary and Alternative Medicine*.

Prom Berger, M. (2014), Patterns of Resilience during Socioeconomic Crises among Households in Europe (Rescue), Concept, Objectives and Work Packages of an EU FP 7 Project

Tamminen K. A., Holt N. L., Neely K. C. (2013). Exploring adversity and the potential for growth among elite female athletes. *Psychol. Sport Exerc.* 14, 28-36. 10.1016/j.psychsport.2012.07.002

Walker, C. (2019). Increasing Resilience in Athletes. Masters of Education, Goucher College

Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the concept. *American J. Orthopsychiatry*, 71, 290-296

DOI: [10.71854/soc.2024-1127256](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1127256)

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

سعید غلامی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

محسن نیازی^۱

استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

اسداله بابایی فرد

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۵/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۵

چکیده

رضایت شغلی معلمان، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر عملکرد آنان می‌باشد و نقش رضایت شغلی معلمان در توسعه و دستیابی به اهداف نظام آموزشی گسترده و روشن است. بر همین اساس، بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ایران، امری ضروری است. هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ایران است. برای این پژوهش با استفاده از روش کیفی فرا ترکیب و الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو انجام شده است. برای این منظور، نتایج مطالعات انجام شده بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط، تعدادی از مقالات مربوطه شناسایی و از بین ۲۰۵ مقاله در نهایت ۳۴ مقاله با استفاده از معیارهای فرا ترکیب انتخاب شدند. برای بررسی کیفیت و پایایی یافته‌های این پژوهش از شاخص کاپا استفاده شد که نتایج آن نشان از کیفیت مناسب یافته‌های پژوهش دارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش به استخراج کدهای مختلفی منجر شد و پس از رفت و برگشت‌های مداوم و بررسی و ادغام یافته‌های اولیه این پژوهش در زمینه‌های فرعی، نه زمینه اصلی به دست آمد که به ترتیب فراوانی عبارتند از: ابعاد سازمانی، ابعاد توانمندسازی، ابعاد رهبری مدیران، ابعاد ذهنی و فردی، ابعاد اجتماعی، ابعاد سلامت روانی، ابعاد سبک زندگی، ابعاد اخلاقی و ابعاد نوآوری و خلاقیت. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عدالت سازمانی، سیستم پاداش مبتنی بر عملکرد، مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری‌ها، دوره‌های توانمندسازی روانشناختی و محتوای الکترونیکی، رهبری کاریزماتیک، فضای اخلاقی سازمان و مانند آن، بر رضایت شغلی معلمان در ایران بسیار اهمیت دارد و یافته‌های این پژوهش برخی از نظریات قبلی در رابطه با رضایت شغلی را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، معلمان، فرا ترکیب، آموزش و پرورش

^۱. نویسنده مسئول : niazim@kashanu.ac.ir

Meta-Synthesis of Research Conducted about Teachers' job Satisfaction

Saeid Gholami

PhD candidate of Sociology, Faculty of Law and Humanities, Kashan University. Kashan. Iran

Mohsen Niazi¹

Professor Department of Social Sciences, Faculty of Law and Human Sciences, Kashan University, Kashan. Iran

Asdollah Babaei Fard

Professor Department of Social Sciences, Faculty of Law and Human Sciences, Kashan University, Kashan. Iran

Abstract

Teachers' job satisfaction is one of the most important factors affecting their performance, and the role of teachers' job satisfaction in developing and achieving the goals of the educational system is broad and clear. Based on this, it is necessary to investigate the factors affecting the job satisfaction of teachers in Iran. The purpose of this research is to investigate the factors affecting the job satisfaction of teachers in Iran. This research was carried out using the Meta-synthesis qualitative method and the seven-step model of Sandelowski and Barroso. For this purpose, the results of the studies conducted between 1390 and 1403 were examined. And by using related keywords, a number of relevant articles were identified and finally 34 articles were selected from among 205 articles using meta-composite criteria. Kappa index was used to check the quality and reliability of the findings of this research, and its results show the appropriate quality of the research findings. The findings of this research led to the extraction of various codes, and after continuous back and forth and examination and integration of the initial findings of this research in sub-fields, nine main fields were obtained, which in order of frequency are; Organizational dimensions, empowerment dimensions, leadership dimensions of managers, mental and individual dimensions, social dimensions, mental health dimensions, lifestyle dimensions, ethical dimensions and dimensions of innovation and creativity. Also, the results of this research show that organizational justice, performance-based reward system, teachers' participation in decision-making, psychological empowerment courses and electronic content, charismatic leadership, ethical environment of the organization, etc., affect the job satisfaction of teachers in Iran. It is very important

¹. Corresponding Author: niazim@kashanu.ac.ir

and the findings of this research confirm some of the previous theories regarding job satisfaction.

Key Words: Job Satisfaction, Teachers, Meta-Synthesis, Education

بیان مسئله

امروزه اهمیت آموزش و پرورش بر هیچ‌کس پوشیده نیست و از جمله‌ی مهم‌ترین و وسیع‌ترین نظام‌های جامعه به‌شمار می‌آید، آموزش و پرورش، سرمایه‌ی امروز و آینده‌ی ماست. سرمایه‌ای که نمی‌توان قیمتی بر آن نهاد و همان چیزی است که بشر را از عصر تاریکی و جهل به عصر روشنایی و نور سوق بخشیده است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱). این نظام، مسئولیت خطیر آموزش افراد را به دوش می‌کشد و از این لحاظ که تأمین‌کننده نیروی انسانی سایر سازمان‌ها می‌باشد، نقش مهمی در رشد و بالندگی جامعه دارد و یکی از عوامل مؤثر در پیش‌بینی موفقیت افراد در طول زندگی است و به عنوان یک ابزار ضروری برای رسیدن به آینده بهتر در نظر گرفته می‌شود (اشرف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲). در واقع، آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهاد آموزشی و یکی از بزرگترین و گسترده‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که نقش اساسی و مهمی در تحقق اهداف فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا می‌کند و خوشبختی یا بدبختی هر جامعه به سطح کیفی آن بستگی دارد. بنابراین، همه سازمان‌های آموزشی به‌ویژه آموزش و پرورش، پایه و اساس استقلال و خودکفایی هر جامعه را شکل می‌دهند و جامعه‌ای که به توسعه و تعلیم و تربیت مطلوب می‌اندیشد، باید به آموزش و پرورش توجه ویژه داشته باشد (اندام و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۶). مدیران و معلمان به‌عنوان نیروی انسانی در نظام آموزش و پرورش، جزو ارکان اصلی این نظام می‌باشند. تحقق اهداف آموزش و پرورش، تحت تأثیر عملکرد نیروی انسانی موجود در آن، به‌خصوص معلمان است. رضایت شغلی^۱ معلمان، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر عملکرد آنان است (عابدینی‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۰) و نقش رضایت شغلی معلمان در توسعه و دستیابی به اهداف نظام آموزشی گسترده و روشن است (توروپاوا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۸۹-۱۷۹). اغلب صاحب‌نظران و متفکران مسایل تربیتی بر این باورند که معلمان، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل مؤثر در جریان تعلیم و تربیت هستند؛ بنا بر این بی‌راه نیست اگر گفته شود شالوده و اساس یک سیستم آموزشی موفق را معلمان تشکیل می‌دهند. اولین قدم در جهت داشتن معلمانی موفق، درک عواملی است که بر کیفیت فعالیت آن‌ها مؤثر است. یکی از این

^۱. Job satisfactin

^۲. Toropova

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

عوامل، رضایت شغلی معلمان است؛ چراکه رابطه مستقیمی بین رضایت شغلی افراد با عملکرد آنها وجود دارد و کسانی که رضایت داشته باشند، کار خود را بهتر انجام می‌دهند. بنابراین لازم است آموزش و پرورش به موضوع رضایت معلمان، بیش از پیش، توجه نشان دهد (جمالزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸).

رضایت شغلی به عنوان متغیری تأثیرگذار در عملکرد شاغلان، سال‌هاست مورد توجه پژوهشگران مختلف قرار گرفته و تلاش گردیده تا عوامل تأثیرگذار بر آن مطالعه و کشف شود. این مفهوم به عنوان میزان لذتی که افراد از شغل خود کسب می‌کنند (اسپکتور^۱، ۱۹۹۷: ۳۲) یا یک حالت هیجانی مثبت یا خوشایند که از ارزیابی خود شغل یا شرایط شغلی به دست می‌آید (اسکالویک و اسکالویک^۲، ۲۰۱۱: ۱۰۳۸-۱۰۲۹) تعریف شده است و به این معنی است که فرد شغل خود را دوست دارد. در واقع رضایت شغلی همان احساسات و باور فرد در ارتباط با شغل خود است (عابدینی نیا، ۱۳۹۹: ۳۲).

رضایت شغلی واکنش احساسی و عاطفی نسبت به وضعیت شغلی و کار شخص است و می‌تواند به عنوان ارزیابی مثبت و یا منفی در مورد شغل افراد تعریف شود (گالتکین^۳، ۲۰۱۹: ۱۶۶). رضایت شغلی، احساس مثبتی است که ناشی از قدردانی فرد از شغل یا تجربه شخصی خود می‌باشد (کریسکی^۴ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۴۰۴). رضایت شغلی به احساسات مطلوب کارکنان در مورد هر کاری که انجام می‌دهند اشاره دارد. رضایت شغلی احساس نسبی خشنودی است و از اندیشه‌های عینی و نیت‌های رفتاری جداست (دیویس و نیواسترم^۵، ۲۰۱۲: ۵۲۵-۵۱۹). رضایت شغلی به عنوان یکی از عناصر بسیار مهم در افزایش کارآیی و ایجاد انگیزه و همچنین نگرش مثبت در فرد نسبت به کارش می‌باشد (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). شاید بتوان گفت از مهمترین ارکان پایداری و ثبات هر سازمانی رضایت شغلی کارکنان آن است.

^۱. Spector

^۲. Scalwick & Scalwick

^۳. Gultekin

^۴. Crisci

^۵. Davis & Newstern

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

در حادترین شکل، پایین بودن رضایت شغلی، آمار زیاد غیبت‌ها، پایین آمدن بازده کار و جابه‌جایی و انتقال کارکنان را می‌توان مشاهده نمود. همچنین نارضایتی شغلی می‌تواند قسمتی از شکایات، کارکرد ناچیز، کالاهای تولیدی نامرغوب، اختلاس و مسائل انضباطی و دیگر مشکلات را موجب گردد. هزینه‌های نارضایتی شغلی در بعضی موارد ارقام نجومی به‌بار می‌آورد (شفیع آبادی، ۱۳۹۹).

رضایت شغلی معلمان به عنوان یک شاخص مهم و مؤثر در آموزش، توجه مجریان و پژوهش‌گران حوزه تعلیم و تربیت را جلب کرده‌است. رضایت شغلی در معلمان یک منبع مهم برای رضایت شخصی است و در حفظ و نگهداری معلمان در کارشان مؤثر است و فداکاری، علاقه‌مندی و تعهد در مسئولیت‌شان را ممکن می‌سازد (برزگ‌فروبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵).

در حالی که نقش تأثیر معلمان در کسب نتیجه دانش‌آموزان کاملاً شناخته شده‌است. این سؤال که: آیا معلمان از شغلی خود راضی هستند؟ اغلب نادیده گرفته می‌شود (لیانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۰۲-۳۸۸). اهمیت رضایت شغلی معلمان در درجه اول به این دلیل اهمیت دارد که معلمان راضی، کمتر مستعد استرس و فرسودگی شغلی هستند (کرایاکو^۲ و همکاران، ۱۹۷۷: ۳۰۶-۲۹۹). به علاوه شواهدی وجود دارد که دانش‌آموزان معلمانانی که از شغل خود راضی هستند، احساس بهتری دارند (کولی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲: ۴). همچنین معلمان راضی کیفیت آموزشی و حمایت و پشتیبانی بهتری را برای دانش‌آموزان خود ارائه می‌کنند (کانتر^۴ و همکاران، ۲۰۱۳: ۵). معلمان

^۱. Liang

^۲. Kyriacou

^۳. Kunter

^۴. Kunter

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

راضی تعهد شغلی قوی‌تری را نشان داده و کمتر مستعد ترک این شغل هستند) بلومک^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۷).

تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در کشور انجام شده است و هر پژوهشی از بُعد خاصی به این مسأله نگریسته است. اما شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان براساس مطالعات پیشین، می‌تواند دیدگاه جامعی درباره وضعیت رضایت شغلی معلمان در کشور به وجود آورد.

مطالعه حاضر تلاش می‌کند، ضمن دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی مطالعات صورت گرفته در حوزه رضایت شغلی معلمان، به این پرسش پاسخ دهد که: عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در پژوهش‌های گذشته، کدامند؟

ادبیات نظری

در مورد رضایت شغلی نظریات فراوانی وجود دارد. درباره تعریف و عوامل ایجادکننده رضایت شغلی و همچنین نظریه‌های رضایت شغلی، باورهای متفاوت و گوناگونی ابراز شده است. در دهه‌های اخیر، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در مورد جنبه‌های گوناگون کار، اعم از نابرابری در کار، رضایت شغلی، انگیزه کار و بالا بردن بهره‌وری سازمان‌های کاری، نظریه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. در این قسمت از تحقیق، به مهم‌ترین نظریه‌های مربوط به رضایت شغلی می‌پردازیم.

به نظر وبر^۲ انسان‌ها مخلوقات اخلاقی هستند؛ بدین معنا که برای اعمال خود ملاحظاتی در نظر می‌گیرند. علی‌رغم بحث‌های موجود در مورد بی‌هنجاری و بیگانگی از کار، تحقیقات نشان می‌دهند که هنوز افراد برای کار خود معنایی قایل هستند. کار برای طبقات مختلف و جنسیت‌های گوناگون بر اساس سیستم‌های ارزشی آن‌ها، معانی مختلفی دارد. در محیط‌های کاری به جای تصور قرار گرفتن در زنجیره قواعد یا به عبارتی احساس بیگانگی کردن، احساس تعهد و مسئولیت، کار سخت برای زندگی خوب، احساس هویت و رابطه با دیگران، مهم و ارزنده می‌شود (ولف^۳، ۱۹۹۷: ۳۱۸-۳۱۱).

^۱. Blomeke

^۲. Weber

^۳. Wolf

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مازلو^۱ در سال ۱۹۵۴ کتاب «انگیزش و شخصیت» را درباره نظریه سلسله‌مراتب نیازها منتشر کرد. نظریه سلسله‌مراتب مازلو راهی برای نگرستن به رابطه میان انگیزه‌های آدمی و فرصت‌هایی که محیط عرضه می‌کند، می‌باشد. انگیزه‌ها تمایلاتی هستند که هدف غایی آن‌ها حفظ بقا است. این سلسله‌مراتب نیازها عبارتند از:

۱- نیازهای جسمانی (فیزیولوژیکی): مهمترین سطح سلسله‌مراتب نیازها، نیازهای جسمانی است، که به طور کلی جزو نیازهای ابتدایی هستند، شامل: نیاز به غذا، آب، جفت‌جویی و آنچه برای بقای انسان ضروری است. مطابق این نظریه وقتی این نیازها ارضا شوند، دیگر نمی‌توان از آن‌ها برای انگیزه سود جست. وسیله ارضای این نیازها پول است که علاوه بر نیازهای جسمانی، با انواع نیازهای دیگر درگیر است و در ارضای آن‌ها هم نقش ایفا می‌کند.

۲- نیازهای ایمنی: سطح دوم نیازها، نیازهای ایمنی است. مازلو برای ایمنی عاطفی مانند ایمنی فیزیکی اهمیت قائل است. انسان برای نگهداری و حفظ آنچه در اختیار دارد، نگران است. این نیاز هم پس از ارضا، دیگر نمی‌تواند به عنوان انگیزه به کار رود.

۳- نیاز به عشق و محبت: سومین سطح نیازها با نیازهای پیوستگی ارتباط دارد.

۴- نیاز به احترام: این سطح، ناظر به نیازهای سطوح بالاتر انسان است. انواع نیاز به قدرت، پیشرفت و مقام در این سطح قابل طبقه‌بندی است. مازلو خیلی دقیق این اشاره را دارد که سطح احترام، شامل هم احترام به خود و هم احترام از ناحیه دیگران است. ۵- نیاز به خودشکوفایی: این سطح، اوج تمام نیازهای سطوح پایین، میانی و بالایی انسان است. انسانی که به مرحله خودشکوفایی می‌رسد، کلیه استعدادهای بالقوه خویش را شناخته و به فعل درآورده است و به خودتکاملی رسیده است. مراتب نیازهای مازلو در نمودار ترسیم شده است (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

آلدرفر^۲ نیز مفهوم سلسله‌مراتب نیازها را به کار می‌گیرد؛ اما آن‌ها را در سه سطح وجود، ارتباط و رشد بیان می‌کند. به اعتقاد او چنانچه این سه نوع نیاز با تدابیر سازمانی برآورده شود، رضایت شغلی فرد تأمین می‌شود. نیازهای سطح وجود، اشاره به آن دسته از نیازها دارد که به بقای انسان می‌انجامد و تا اندازه زیادی منطبق با دو سطح اولیه نیازهای مازلو است. نیازهای سطح ارتباط، بر نیاز به

^۱ . Maslow

^۲ . Alderfer

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

تعامل با دیگران تأکید دارد و نیازهای سطح رشد، بالاترین سطح در نظریه اوست که با بخشی از سطح چهارم و تمامی سطح پنجم سلسله مراتب نیازهای مازلو منطبق است. با وجود این، آلدرفر معتقد است که در نظریه وی برخلاف نظریه مازلو، نیازها به گونه سلسله مراتبی به هم متصل نیستند. از این رو ارضا یک سطح در نیازها به معنای آن نیست که نیاز قبلی ارضا شده است (رولینسون^۱، ۱۹۹۸: ۶).

یکی دیگر از نظریه‌های مهم انگیزش شغلی، تئوری دو عاملی انگیزش - بهداشت هرزبرگ^۲ است. وی معتقد است که انگیزه شغلی تحت تأثیر دو دسته عوامل است که شامل عوامل محرک انگیزش عوامل درونی یا ذهنی فرد و عوامل بهداشتی عوامل خارجی است. عوامل محرک انگیزش در واقع عوامل درونی به‌شمار می‌روند و مواردی هستند که از انجام کار ناشی می‌شوند و موجب رضایت‌مندی فرد شده و به عنوان پاداش‌های درونی محسوب می‌شوند که برای افزایش انجام کار ضروری هستند، همانند موفقیت، پیشرفت، قدردانی و ماهیت کار. درحالی‌که عوامل بهداشتی یا خارجی عمدتاً با محیط و زمینه شغلی ارتباط دارند و کارکنان را در سازمان نگاه می‌دارد و شامل: خط‌مشی و مقررات و شرایط محیط کار، حقوق و دستمزد، روابط شخصی با هم‌ردیفان و امنیت شغلی می‌شود (رضایی، ۱۳۹۸: ۴۷).

نظریه نیازهای مک‌کله‌لند^۳ به چگونگی ترکیب نیازهای فرد با عوامل محیطی می‌پردازد که، حاصل آن سه انگیزه اساسی انسان است: الف. نیاز به کسب موفقیت و پیشرفت: اشتیاق به انجام دادن کاری به گونه ای بهتر با بازدهی بیشتر حل مشکل یا تبحر در انجام دادن کارهای پیچیده. ب. نیاز به پیوند و وابستگی: علاقه‌مندی به ایجاد و حفظ مناسبات دوستانه و صمیمی با دیگران. ج- نیاز به قدرت: عشق به کنترل دیگران، تأثیر گذاشتن بر رفتار افراد یا مسئول دیگران بودن. از نظر مک‌کله‌لند این سه گروه از نیازها به مرور زمان و در نتیجه تجربه‌های زندگی ایجاد می‌شود و انسان با آن مورد انگیزش قرار می‌گیرد و هر یک می‌تواند با ترجیحات کاری فرد مرتبط باشد. بر اساس نظریه مک-کله‌لند نیازهای انسان یاد گرفته می‌شود و مهم‌ترین نیازها که ارضاء آن در محیط کار نقش اساسی در رضایت شغلی بازی می‌کند نیاز به پیشرفت، پیوندجویی و قدرت است. افرادی که نیاز به پیشرفت

^۱. Rollinson

^۲. Herzberg

^۳. McClelland

در آن شدید است هنگامی از کار خود رضایت دارند که برای انجام وظایف و حل مشکلات کاری، مسئولیت شخصی دارند. مجموعه‌ای از هدف‌های، تا اندازه‌ای دشوار، برای آن طرح می‌شود و تمایل شدید آن برای باز خورد گرفتن از عملکرد خویش برآورده می‌گردد (مک کله لند، ۱۹۹۷: ۶۳۰). علاوه بر این، آن‌ها ارزش‌گذاری به وسیله پول را برای خود آن دوست ندارند بلکه، از پول تنها به عنوان نمادی برای موفقیت لذت می‌برند (پارکر^۱ و همکاران، ۱۹۹۲: ۶۳۷-۶۲۷).

ویکتور وروم^۲ برای اولین بار از تئوری انتظار برای ایجاد انگیزش در محیط کار استفاده کرد. این تئوری به تشخیص چگونگی انتخاب راه انجام کار به وسیله افراد مربوط می‌شود. فرض اولیه تئوری این است که: انگیزش به میزان علاقه‌ی شخص برای دستیابی به چیزی و احتمالی که برای تحقق آن قائل است، بستگی دارد (یانینگ^۳ و دیگران، ۲۰۰۶، ۱۸۲). در اصل در نظریه انتظار چنین استدلال می‌شود که گرایش به نوع عمل یا اقدام در جهت مسئولیتی، در گرو انتظاراتی است که پیامدهای آن مشخص است و نتیجه مزبور مورد علاقه عامل یا فاعل می‌باشد. این نظریه، شامل سه متغیر یا رابطه است که از این قرارند: اهمیت: یعنی اهمیتی که فرد به نتیجه دستاورد یا پاداش بالقوه‌ای می‌دهد که در اثر انجام کار مزبور به دست می‌آید. در این فرایند نیازهای ارضاء نشده فرد مورد توجه است. رابطه بین عملکرد و پاداش: میزان یا حدود باور فرد، مقدار تلاشی است که احتمالاً به عملکرد معین بینجامد. رابطه بین تلاش و عملکرد: مقدار کوشش یا تلاشی است که احتمالاً به عملکرد معینی بینجامد (رابینز^۴، ۱۴۰۳).

لاوسون و شن^۵ طبقه‌بندی تازه‌ای از نظریه‌های رضایت شغلی ارائه نمودند. آن‌ها نظریه‌ها را به دو طبقه ریز مدل و درشت مدل تقسیم می‌کنند. در ریزمدل‌ها بیش از هر چیز تأکید بر عوامل درونی و نیروهایی است که تحقق آن‌ها به رضایت افراد منجر می‌شود؛ لذا مبنای رضایت شغلی را اساساً بر ارضای نیازهای درونی فرد در محیط کار قرار می‌دهند. در حالی که تأکید نظریه‌های درشت مدل‌ها،

^۱ . Parker

^۲ . Vroom

^۳ . Yining

^۴ . Robbins

^۵ . Lowson & Shen

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

بر سازمان و به‌ویژه بر فرایندهای سازمانی قرار دارد که برای تولید و ارائه خدمات ضروری هستند (لاوسون و شن، ۱۳۸۰).

بررسی ادبیات موضوع، حاکی از این است که از بین عوامل گوناگون مؤثر بر موفقیت هر سازمانی، رضایت شغلی کارکنان می‌تواند به عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت مورد توجه جدی مدیران و تصمیم‌گیرندگان هر نهاد و سازمان، از جمله آموزش و پرورش قلمداد شود. فرد با خواسته‌ها و آرزوهایی به سازمان می‌پیوندد و هماهنگی و همسویی سازمان با این آرمان‌ها در فرد ایجاد رضایت می‌کند و این رضایت شغلی، خود باعث نوآوری، خلاقیت در کار، افزایش میزان تولید و یا خدمات می‌شود و از این رهیافت، سازمان از سلامت و پویایی برخوردار می‌شود. کارکنانی که از خشنودی و رضایت اندکی برخوردارند، به گونه معمول به نرخ‌های بالای جایگزینی گرفتار می‌شوند. این گونه کارکنان احتمال دارد چشم به جاهای دلخواه تر بدوزند، در حالی که کارکنانی که از رضایت بیشتری برخوردارند، در جای خود باقی می‌مانند.

روش

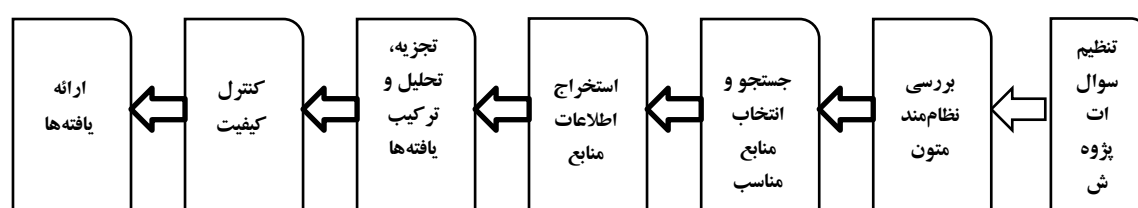
این مطالعه از نوع کیفی است که با استفاده از روش فرا ترکیب^۱ انجام شده است. روشی کیفی و یکی از انواع فرامطالعه به‌شمار می‌آید و به معنای تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه است. فرا ترکیب، یافته‌ها و نتایج مطالعات دیگر را که دارای موضوع مشابه و مرتبطی هستند، تحلیل و جمع‌بندی می‌کند. لذا براساس مطالعات کیفی برگزیده و ارتباط آن‌ها با پرسش تحقیق، شکل می‌گیرد. فرا ترکیب با تدارک نگرش نظام‌مند برای محققان، با ترکیب پژوهش‌های مختلف کیفی، موضوعات و استعاره‌های اساسی و جدیدی را کشف می‌کند؛ بدین ترتیب، دانش موجود را ارتقا می‌دهد و دیدگاه جامع و گسترده‌ای را نسبت به موضوع پژوهش فراهم می‌کند. فرا ترکیب، مستلزم بازنگری دقیق و عمیق مطالعات گذشته و ترکیب نتایج آن‌ها است (زیمر^۲، ۲۰۰۶: ۳۱۸-۳۱۱). هدف فرا ترکیب، ایجاد تفسیری نوآورانه و منسجم از یافته‌های کیفی است چرا که تحقیقات متعدد و موردی به دلیل حرکت در چارچوب‌های ساختاری و رشته‌ای، قادر به عرضه چنین بینشی نیست (کمالی، ۱۳۹۶: ۲۷۱-۲۳۶). تا کنون مطالعات زیادی در مورد رضایت شغلی، و به‌طور اخص در مورد رضایت شغلی معلمان، انجام گرفته و از ابعاد مختلف، این موضوع مورد بررسی

^۱ . Meta-synthesis

^۲ . Zimmer

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

قرار گرفته‌است. بر این اساس، رویکرد فراترکیب می‌تواند به‌عنوان روشی مناسب، یافته‌های جامع از پژوهش‌های گذشته را در اختیار پژوهشگران قرار دهد. به عبارت دیگر، فراترکیب تصویر عمیق و گسترده‌ای از رضایت شغلی معلمان به ما ارائه می‌دهد و قدرت تعمیم‌پذیری پژوهش را نیز افزایش می‌دهد.



شکل شماره ۱: مراحل روش سندلوسکی و باروسو

در پژوهش حاضر، برای بررسی یافته‌های پژوهش از روش هفت مرحله‌ای فراترکیب سندلوسکی و باروسو^۱ استفاده شد. این هفت مرحله شامل تنظیم سوال‌های پژوهش، بررسی نظام‌مند اسناد و متون، جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب، استخراج نتایج، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت پژوهش و درنهایت ارائه یافته‌ها است (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۳). در این پژوهش، واحد تحلیل، مطالعاتی است که در مجلات علمی-پژوهشی چاپ شده‌اند. نتایج هر یک از مراحل فراترکیب در زیر بیان شده است:

گام اول. طرح سوالات پژوهش

جدول شماره ۱: سوالات روش فراترکیب

شاخص‌ها	سوال‌های پژوهش	پاسخ‌ها
چه چیزی	عوامل موثر بر رضایت شغلی معلمان چیست؟	شناسایی عوامل موثر بر رضایت شغلی معلمان
جامعه‌ی مطالعه	جامعه‌ی مورد مطالعه برای شناسایی این ابعاد کدام است؟	پایگاه‌های علمی معتبر
محدوده زمانی	این تأثیرات، در چه دوره‌ی زمانی بررسی و جستجو شده‌اند؟	از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۳
چگونه	چه روشی برای فراهم کردن این مطالعات استفاده شده است؟	تحلیل اسنادی

^۱ . Sandelowski & Barroso

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

گام دوم. تحلیل منطقی و قاعده‌مند مطالعات پیشین

با توجه به واژگان کلیدی مورد نظر در مطالعات و پژوهش‌های گذشته، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ تعداد ۲۰۵ مقاله گردآوری شد.

جدول شماره ۲: واژگان کلیدی پژوهش

رضایت شغلی، معلمان، ناراضایی شغلی، رضایت از مزایا

گام سوم شناسایی مقولات مورد تأیید

ملاک انتخاب مقالات در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳: ملاک‌های انتخاب مقالات

ردیف	ملاک‌ها	نتایج
۱	محل چاپ مقاله	مقالات چاپ شده در پایگاه جهاد دانشگاهی، مگیران، نورمگز
۲	موضوع مورد نظر	عوامل موثر بر رضایت شغلی معلمان
۳	حوزه کلی پژوهش	رضایت شغلی
۴	روش پژوهش	فرا ترکیب
۵	بازه زمانی پژوهش	مقالات چاپ شده در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳
۶	زبان‌های مورد استفاده	فارسی

برای بررسی کیفیت مقالات، ده معیار در نظر گرفته شده است که به هر معیار پنج نمره تعلق می‌گیرد و مقالاتی که بر اساس معیارهای مختلف نمره‌ی بالای ۳۵ بگیرند، مورد تأیید بوده و وارد فرآیند اصلی فرا ترکیب می‌شوند. برای انتخاب مقالات بر اساس معیارهای مورد توافق در روش فرا ترکیب، علاوه بر نظریات محققین این پژوهش، نظریات برخی نخبگان که در حوزه رضایت شغلی پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند نیز، به عنوان ملاک و معیار برای انتخاب مقالات استفاده شده است. این ده معیار عبارتند از: هدف پژوهش، اصول و روش‌ها، نمونه، مرتب‌سازی داده‌ها، انعکاس‌پذیری، مبانی اخلاق حرفه‌ای، دقت تحقیق، تبیین روشن نتایج، نتیجه‌گیری کلی پژوهش. بر مبنای معیارهای ذکر شده تعداد ۳۴ مقاله به صورت نهایی پذیرفته شد.

در این مرحله از بین ۲۰۵ مقاله، ابتدا ۱۱۰ مقاله بر اساس معیار عنوان نا مرتبط حذف شد، سپس تعداد ۹۵ مقاله از نظر چکیده مورد بررسی قرار گرفت که تعداد ۱۴ مقاله به دلیل چکیده رد شد. در مرحله بعدی از بین ۸۱ مقاله باقی‌مانده و با بررسی محتوای این ۸۱ مقاله، ۴۵ مقاله نیز به دلیل محتوا

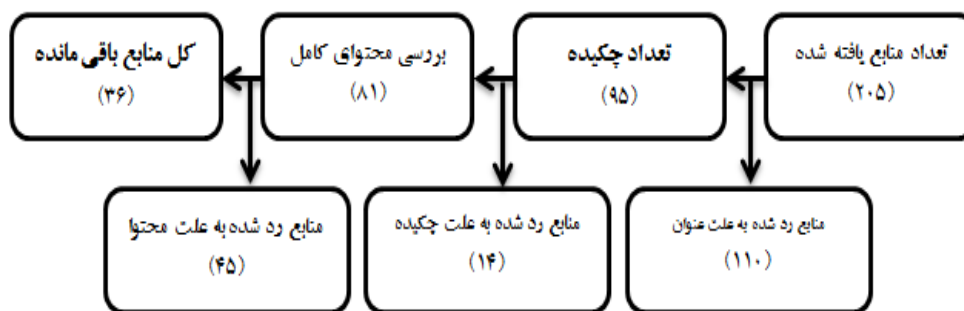
..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

و کیفیت ضعیف رد شد. سرانجام ۳۶ مقاله باقی مانده، به عنوان مقالات نهایی پذیرفته شد و مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۴: امتیازات داده شده به مقالات پذیرفته شده

مقاله	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
نمره نهایی	39	38	45	39	36	42	44	35	39	40
مقاله	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
نمره نهایی	40	42	43	44	37	38	40	40	39	36
مقاله	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30
نمره نهایی	43	37	36	44	42	43	39	39	44	39
مقاله	31	32	33	34						
نمره نهایی	38	45	36	44						

فرآیند جستجو، مرور و انتخاب منابع در شکل زیر آمده است.



شکل شماره ۲: فرآیند جستجو، مرور و انتخاب منابع

گام چهارم. تبیین و استخراج نتایج

در مرحله چهارم اطلاعات پژوهش دسته‌بندی می‌شوند، به طوری که در ستون اول، شماره هر سر فصل مشخص شده، سپس در ستون دوم سرفصل‌های مربوط به رضایت شغلی که در هر مقاله ذکر

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

شده است، بررسی می‌شود و در ستون سوم منابع و مآخذ مربوط به هر کدام از مطالعات ذکر می‌شود. در نهایت، در ستون چهارم، فراوانی آن‌ها آمده است. جدول شماره پنج، نتایج بررسی مقالات برای تعیین سرفصل‌ها را نشان می‌دهد.

در این بخش، برای انتخاب سرفصل‌ها، علاوه بر نظریات مطرح شده در قسمت ادبیات نظری، محققان به پژوهش‌های پیشین نیز رجوع کردند و این سرفصل‌ها بر اساس ادبیات نظری و پژوهش‌های پیشین انتخاب شدند. مقوله‌هایی که اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مدیریت و غیره در حوزه رضایت شغلی مطرح کرده‌اند، به عنوان راهنمایی برای انتخاب سرفصل‌ها و ابعاد مختلف آن ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۵: سرفصل‌های مشخص شده برای طراحی مشخصه‌های رضایت شغلی معلمان در ایران

ردیف	سرفصل	منابع	فراوانی
1	جو سازمانی مدارس	ایمانی و همکاران (1391)، برومند و همکاران (1394)	2
2	فرهنگ سازمانی	بهارى و همکاران (1391)، دواودنیا (1394)، جوادی و همکاران (1394)، برومند و همکاران (1394)	3
3	سبک مدیریتی	بخشایش و همکاران (1391)، میرصفیان (1396)، عابدی‌نیا (1399)	3
4	فناوری آموزشی	هاشمی (1398)	1
5	دوره‌های آموزشی	سلیمی و همکاران (1396)، راستگو (1395)، ایلاتولو و همکاران (1399)، کشاورز و همکاران (1393)، پاک‌مه‌ر و همکاران (1400)، ابراهیمی قوام (1390)، ارجمندنیا و همکاران (1396)	7
6	عوامل اجتماعی	زارع شاه‌آبادی و همکاران (1397)، موسوی و همکاران (1398)، جوادی و همکاران (1394)، برومند و همکاران (1394)	3
7	عوامل روان-شناختی	رشنودی و همکاران (1392)، فلائی و همکاران (1391)، پور احسان و همکاران (1401)، میکائیلی منبع و همکاران (1398)، اسدی و همکاران (1393)، جوادی و همکاران (1394)	6
8	کیفیت و سبک زندگی	جمالی و همکاران (1395)، کمالی و همکاران (1397)، جوادی و همکاران (1394)	3
9	عوامل ستادی و سازمانی	مشایخ و همکاران (1397)، رفیعی‌افوسی و همکاران (1401)، طاهری و همکاران (1398)	3
10	سلامت سازمانی	جمالزاده (1396)، جلی‌شیشوان و همکاران (1396)	2
11	مهارت‌های مدیران مدارس	ایمانی (1391)، گل‌پرور (1391)، احمدنژاد و همکاران (1400)، بهاری و همکاران (1400)، جوادی و همکاران (1394)	5
12	عوامل فردی	اعراب‌شیبانی و همکاران (1394)، امانی و همکاران (1395)	2

گام پنجم. بررسی و ادغام نتایج

به‌منظور بررسی مطالعات انجام شده مرتبط با رضایت شغلی معلمان، از تکنیک کدگذاری استفاده شده‌است. کدگذاری، فرآیندی است که طی آن یافته‌های پژوهش، تجزیه، مفهوم‌سازی و به صورت تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. کدگذاری باز، به دنبال آن است که داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم عرضه نماید. عبارت‌ها یا گزاره‌ها بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند، تا مفاهیم به آن‌ها مرتبط شوند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۱۱۳). در مرحله بعد، کدهای به دست آمده از کدگذاری باز که مستقیماً به پرسش تحقیق مربوط می‌شوند، دسته‌بندی یا مقوله‌بندی می‌شوند (ایمان، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۹). در این مرحله پژوهشگر، مفاهیم را خلق و سپس مقولات و روابط آن‌ها را بر اساس متن و سؤالات پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهد. و سرانجام، مفاهیم بر اساس اشتراک و ارتباطشان با یکدیگر، تشکیل مقوله می‌دهند. در جدول شماره شش، عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان دسته‌بندی شده‌است.

جدول شماره ۶: مقوله‌بندی استخراج شده عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان و مفاهیم مربوط به آن

مقوله‌ها	مفاهیم	منابع	فراوانی
بعد سازمانی	نظام پرداخت، فرصت رشد، رشد حرفه‌ای، مشارکت‌دادن، تنوع وظیفه، کارآفرینی، ایجاد انگیزه، توجه به کار گروهی، ایجاد هدف، سلامت اداری، سلامت فنی، سلامت نهادی، نظم و انضباط، تمهد سازمانی، عدالت سازمانی، ارزیابی، پاداش، شیوه استخدام، قوانین و مقررات، نوآوری سازمانی، مزایای شغلی، توسعه حرفه‌ای، ایجاد ثبات، امنیت شغلی، عدم محرومیت و بیگانگی از کار	پوراحسان و همکاران (1401)، سلیمی و همکاران (1396)، بهاری و همکاران (1391)، میکائیلی منبع و همکاران (1398)، جمالزاده (1396)، میرصفیان (1396)، طاهری و همکاران (1398)، مشایخ و همکاران (1397)، رفیعی‌افوسی و همکاران (1401)، جلیلی - شیشوان و همکاران (1396)، مشایخ و همکاران (1397)، جوادی و همکاران (1394)، برومند و همکاران (1394)	14
بعد ذهنی - فردی	تیپ شخصیتی درونگرایی، خودکارآمدی، وجدان، خودتنظیمی شناختی، باور، نگرش، توانایی شناخت شهودی، خوش بینی، شوخ طبعی، مهرورزی، قدرشناسی، هدفمندی، لذت تجربه، دل بستگی ایمن، نگرش شغلی	رشنودی و همکاران (1392)، قلانی و همکاران (1391)، سلیمی و همکاران (1396)، میکائیلی منبع و همکاران (1398)، میرصفیان (1396)، ارجمندنیا و همکاران (1396)، امانی و همکاران (1395)، جوادی و همکاران (1394)	7
بعد اخلاقی	مدیران، فضای اخلاقی توجه، فضای اخلاقی استقلال، فضای اخلاقی ابزاری، فضای اخلاقی قوانین حرفه‌ای، فضای اخلاقی مقررات سازمانی، فضای اخلاقی سازمان	گل‌پرور (1391)، دواودنیا (1394)، پاک‌مهر و همکاران (1400)	3

فرا ترکیب پژوهش های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

6	سلیمی و همکاران (1396)، میکائیلی منیع و همکاران (1398)، میرصفیان (1396)، زارع شاه آبادی و همکاران (1397)، احمدنژاد و همکاران (1400)، موسوی و همکاران (1398)	نوع دوستی، رفتار مدنی، ادب و احترام، روابط مثبت با همکاران، اعتماد، احساس تعلق، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، شبکه اجتماعی، هنجار اجتماعی، کارآمدی جمعی، کارکرد اجتماعی، مسئولیت، سرمایه اجتماعی، مشارکت مؤثر	بعد اجتماعی
11	پور احسان و همکاران (1401)، اعراب شیبانی و همکاران (1394)، ابراهیمی قوام (1390)، سلیمی و همکاران (1396)، میرصفیان (1396)، راستگو (1395)، ارجمندنیا و همکاران (1396)، ایلاتلو و همکاران (1399)، پاک مهر و همکاران (1400)، کشاورز و همکاران (1393)، برومند و همکاران (1394)	توانمندسازی روانشناختی، دوره های ضمن خدمت، آموزش مهارت حل مسئله، ایجاد اعتماد به سازمان، آموزش مهارت زندگی، آموزش ذهن آگاهی، آموزش رویکرد وجودی، آموزش فضای اخلاقی، آموزش روانشناسی مثبت نگر، ارتقای تاب آوری، امیدواری و شادکامی، مهارت های مدیریت استرس	بعد توانمندسازی
5	میرصفیان (1396)، اسدی و همکاران (1393)، اعراب شیبانی و همکاران (1394)، پور احسان و همکاران (1401)، جوادی و همکاران (1394)	احساس پویا، احساس حیات بخش، عدم استرس، عدم اضطراب، سلامت جسمی، استرس شغلی	بعد سلامت روانی
2	هاشمی (1398)، مشایخ و همکاران (1397)	استفاده از محتوای الکترونیکی و فناوری آموزشی، تسلط بر فناوری، استفاده از چند رسانه ای، نوآوری	بعد نوآوری و خلاقیت
8	ایمانی و همکاران (1391)، بخشایش و همکاران (1391)، جمالی (1396)، احمدنژاد و همکاران (1400)، بهاری و همکاران (1400)، موسوی و همکاران (1398)، عابدی نیا (1399)، جوادی و همکاران (1394)	مهارت های فنی، ادراکی و انسانی مدیران مدارس، سبک مدیریت انسان مدارانه، رهبری مشارکتی، رهبری آموزشی، مدیریت مشارکتی، خلاقیت، سرمایه اجتماعی مدیران، رهبری کاریزماتیک، حمایت مدیران ایمانی (1391)، بخشایش و همکاران (1391)	بعد رهبری مدیران
4	جمالی و همکاران (1395)، ایلاتلو و همکاران (1399)، کمالی و همکاران (1397)، جوادی و همکاران (1394)	سازگاری زناشویی، سبک زندگی اسلامی، توافق خانوادگی، رضایت خانوادگی، همبستگی خانوادگی، ابراز محبت، ابراز صداقت، ارتباط کار و زندگی، کیفیت زندگی کاری، رضایت از حرفه، کنترل در کار، شرایط کار، توازن کار و خانواده، حمایت همسر	بعد سبک زندگی

گام نهم. بررسی کیفیت نتایج

به منظور کنترل نتایج به دست آمده، محققان با مقایسه و بررسی نظرات چند خبره دیگر، نتایج را از طریق شاخص کاپا ارزیابی نموده اند. مدل این پژوهش که بر اساس داده های فرا ترکیب ترسیم

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

شده‌است، شامل ۹ بعد اصلی است که به وسیله ۷ نفر، که ۲ نفر از آن‌ها از معلمان نمونه و ۵ نفر از متخصصان و پژوهشگران حوزه علوم انسانی که شامل استادان دانشگاه و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری است، بررسی شده و مورد تأیید قرار گرفته است. در جلسات و تحلیل ابعاد مختلف این پژوهش، ابعاد مختلفی مطرح شد که در نهایت، ۹ بعد مورد توافق خبرگان قرار گرفت. برای بررسی روایی این مدل، محققین از "روایی محتوایی" سود جستند. برای بررسی روایی محتوایی، دو سطح توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفت: سطح اول به بررسی عوامل و ابعاد مدل‌های ارائه شده پیشین مربوط است که منجر به روایی شده‌است و سطح دوم که توسط خبرگان علوم اجتماعی بررسی شده و در نهایت تأکید بر عدم تغییر مدل خبرگان، حکایت از روایی مدل دارد.

همچنین برای بررسی کیفیت مطالعه از شاخص کاپا استفاده شده‌است. مقدار این شاخص بین ۰ تا ۱ در نوسان است و هر چقدر این شاخص به عدد ۱ نزدیکتر باشد، نشان دهنده این است که توافق بیشتری بین خبرگان وجود داشته است.

جدول شماره ۷: همخوانی مدل مستخرج از تحقیقات پیشین و نظرات خبرگان

آماره	مقدار کاپا	شاخص کاپا	خطای استاندارد	سطح معنی داری
کاپا	۰/۰۰۴	۰/۷۱	۰/۰۲۴	۰/۹۳

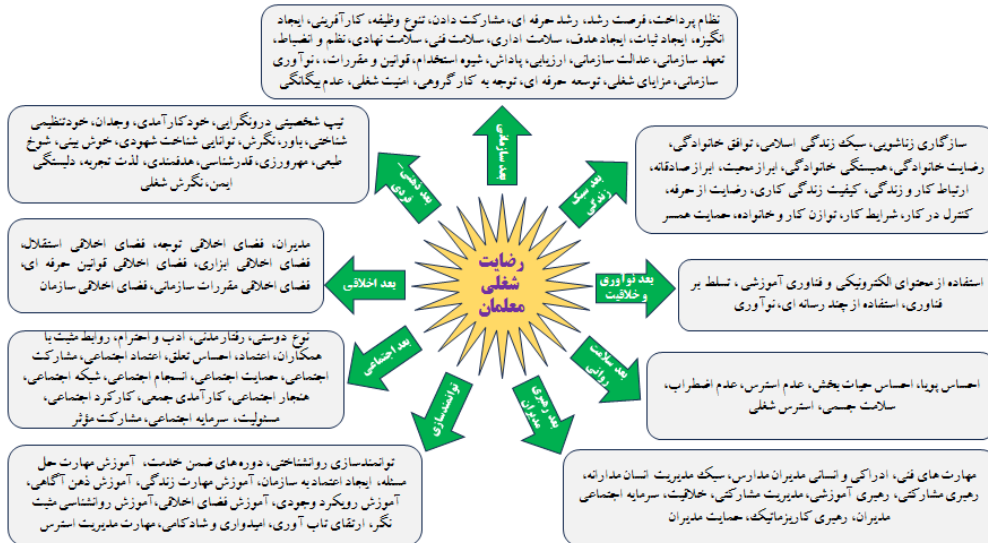
با توجه به یافته‌های جدول شماره ۷، مقدار کاپا ۰/۰۰۴ با ضریب ۰/۷۱ بوده که در سطح معناداری ۰/۹۳ است؛ با توجه به این که سطح معناداری قابل قبول می باشد و بین نظریات خبرگان و مدل حاصل شده همپوشانی وجود دارد، مدل طراحی شده تأیید می شود. همچنین، ضریب شاخص کاپا برابر با ۰/۷۱ است که مقدار قابل قبول در سطح توافق بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۰ است که مقدار به دست آمده نشان می دهد ضریب شاخص کاپا نیز نشان دهنده توافق در مورد مدل توین شده است.

گام هفتم. ارئه یافته‌ها و مدل مفهومی

در این مرحله، با روش فراترکیب یافته‌های مربوط به مراحل قبلی به صورت یک مدل مفهومی ارائه می شود. در مدل ارائه شده، عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ایران در نه بعد ذکر شده‌است که از میان ابعاد ذکر شده، بیشترین فراوانی مربوط به بعد بعد سازمانی و سپس بعد دوره‌های آموزشی

فرا ترکیب پژوهش های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

و رهبری مدیران، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین فراوانی مربوط به بعد نوآوری و خلاقیت رضایت شغلی می باشد.



شکل شماره ۳: مدل نهایی فرا ترکیب عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان

بحث و نتیجه گیری

تاکنون پژوهشی که بتواند با استفاده از رویکرد فرا ترکیب به طبقه بندی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی در ایران بپردازد، انجام نشده است و مقاله حاضر تلاشی بود برای شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ایران که با روش فرا ترکیب صورت گرفت. با توجه به ماهیت فرا ترکیب، پس از بررسی منابع و متون مختلف، عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ۹ بُعد شناسایی شد، که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. از میان ابعاد بررسی شده، بعد سازمانی رضایت شغلی معلمان از سایر ابعاد مهم تر می باشد. بعد سازمانی از عوامل گوناگونی تشکیل شده است که مهم ترین آن عدالت سازمانی، تعهد سازمانی و فرهنگ سازمانی است. به عبارت دیگر، آنچه می توان از این بعد رضایت شغلی استنباط کرد این مسأله است که، رضایت شغلی تا حد زیادی متأثر از برنامه ها و سیاست های سازمانی است. نتایج این بُعد را می توان نمودی از نظریه نیازهای آلدرفر دانست که معتقد است تدابیر سازمانی موجب برآورده شدن نیازهای فرد می شود. این بُعد همچنین با نظریه دو عاملی هرزبرگ هم خوانی دارد. از نظر هرزبرگ در عامل بهداشتی سیاست ها و مقررات سازمانی

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

و در عامل انگیزشی، ارزیابی و پاداش موجب رضایت شغلی می‌شوند که عمده مفاهیم بعد سازمانی رضایت شغلی معلمان با این نظرات مطابقت دارد. بر اساس چارچوب نظری تحقیق براساس نظریه هرزبرگ برخی از عوامل شغلی به رضایت خاطر و احساس ایمنی و امنیت منجر می‌شود، درحالی که دیگر عوامل ممکن است مانع نارضایتی باشند و منبع رضایت خاطر نیز نخواهند بود. هرزبرگ یک دسته از عوامل دیگر را در ایجاد رضایت موثر می‌داند که نبودشان در سازمان به نارضایتی می‌انجامد. او این عوامل را عوامل انگیزشی نامیده است که عبارتند از: موفقیت در انجام دادن کار، شناسایی نفس کار، مسئولیت، احساس امنیت و رشد یا پیشرفت.

بعد توانمندسازی رضایت شغلی نیز یکی از ابعاد مهمی است که شامل آموزش‌های ضمن خدمت، دوره‌های توانمندسازی و کارگاه‌های آموزشی می‌شود و موفقیت در برگزاری این دوره‌ها، بخش بزرگی از رضایت شغلی معلمان را تبیین می‌کند. برگزاری دوره‌های توانمندسازی روانشناختی، مهارت‌های حل مسئله، آموزش روانشناسی مثبت‌نگر، ایجاد اعتماد به سازمان، آموزش ذهن آگاهی و مانند آن، از جمله مؤلفه‌هایی است که بعد توانمندسازی رضایت شغلی معلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این بُعد از رضایت شغلی، نمودی از نظریه نیازهای مک‌کله‌لند می‌باشد زیرا بعد از حضور در دوره‌های آموزشی و توانمندسازی، اشتیاق به انجام دادن کارها و امور به گونه‌ای بهتر افزایش می‌یابد. در واقع معلمان پس از برگزاری دوره‌های آموزشی، بهتر از عهده انجام و تجزیه و تحلیل وظایف شغلی خود برمی‌آیند و به دنبال آن، احساس رضایت شغلی بیشتری نیز به آن‌ها دست می‌دهد. حضور در دوره‌های آموزشی، به معلمان اجازه می‌دهد دانش خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و نقش خود را برای ارتقای خلاقیت در شغل افزایش دهند و در جستجوی راه‌های خلاقانه برای اصلاح خطاها و بازسازی فرایندهای کاری باشند که این عوامل موجب رضایت شغلی آن‌ها می‌گردد.

در بعد رهبری مدیران، مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی مدیران مدارس، سبک مدیریت انسان‌مدارانه، رهبری مشارکتی، رهبری آموزشی، مدیریت مشارکتی و رهبری کارزماتیک می‌تواند زمینه بلوغ معلمان را فراهم سازد. در واقع، مدیر مدرسه می‌تواند با اتخاذ سبکی مناسب، زمینه‌های تشویق معلمان برای قبول مسئولیت‌های بیش‌تر و سنگین‌تر را فراهم سازد. در این حالت میزان تعلق معلمان به سازمان، بیش‌تر و افزون‌تر می‌شود و آموزش و پرورش را در رسیدن به اهدافش یاری

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

می‌کند. بدیهی است، یکی از چالش‌های مهم سازمان‌های آموزشی، کاستن اثرات گوناگون فشار روانی است. محیط کار و فعالیت‌های مدیران از جمله مواردی است که احساس‌های متفاوتی را در معلمان به وجود می‌آورد که مهم‌ترین آن‌ها، احساس رضایت یا عدم رضایت، داشتن سلامت روان یا عدم سلامت روان است. بر طبق نظر التون مایو، مؤثرترین روش رهبری بر پایه مشارکت و رعایت انصاف و توجه به فرودستان استوار است. بنابراین کارآیی و اثربخشی سازمان‌ها از راضی و خوشحال نگه داشتن عامل انسانی ناشی می‌شود نه ساخت روابط رسمی سازمان. با توجه به رشد سریع فناوری و سیستم‌های آموزشی، سال‌های آینده سال‌های چالش و تغییرند و قطعاً مستلزم این هستند که مدیران مدارس واجد مهارت‌ها و توانایی‌هایی باشند که آن‌ها را به پاسخگویی مسایل انسانی و شغلی قادر سازد. سبک رهبری انسان‌مدارانه، باعث توجه مدیران به جنبه‌های انسانی معلمان شده و با ایجاد گروه‌های کاری با کیفیت که هدف‌های بزرگ و مشترکی دارند، موجبات رضایت معلمان را فراهم می‌آورد. همچنین مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و امور آموزشی، سبب افزایش خودکارآمدی آنان و مهم دانستن اهداف مدرسه می‌شود.

سرمایه اجتماعی بر رفتار انسان‌ها با یکدیگر تأکید دارد و ابعاد آن از جمله مشارکت، حمایت، اعتماد، هنجار و انسجام اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد، به مثابه یک عامل اجتماعی مؤثر بر سلامت سازمانی و رضایت شغلی مطرح می‌باشد. پاتنام در بحث از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به شبکه افراد و تعلق گروهی آنان اشاره می‌کند و معتقد است که این عنصر در کنار سایر عناصر، موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه در اجتماع و در نهایت بهبود رضایت از زندگی آن‌ها می‌شود. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، به مثابه وسیله‌ای برای دستیابی به رضایت بالاتر از زندگی مطرح است. از نظر فوکویا (۱۹۹۵)، اعتماد اجتماعی یکی از مهمترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و خمیرمایه نظم در جامعه مدنی است. اعتماد، تسهیل‌گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های دموکراتیک است. زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی معلمان، به این نتیجه رسیدند که بعد انسجام اجتماعی بر رضایت شغلی معلمان تأثیر معناداری دارد. همچنین تحقیقات مختلف نشان داده‌اند، هنگامی که در سازمانی سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد، کارکنان آن سازمان در قالب چارچوب‌های ارتباطی و پیوندهای اجتماعی که در جریان تعاملات اجتماعی

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

به وجود می‌آید، قابلیت خود را افزایش می‌دهند و ضمن به دست آوردن رضایت شغلی، از اعتماد اجتماعی که در شبکه‌های ارتباطی آن‌ها به وجود آمده است برخوردار می‌شوند.

در بُعد سلامت روانی، مفاهیمی مانند عدم اضطراب، سلامت جسمانی، عدم استرس و کارکرد اجتماعی از جمله عواملی هستند که عملکرد کاری معلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع معلمان به واسطه ماهیت شغلی‌شان با مشکلات عدیده‌ای از قبیل پُر حجمی کار، اُفت تحصیلی دانش‌آموزان، حقوق و مزایای ناکافی، عدم علاقه دانش‌آموزان به تحصیل، عدم حمایت خانواده از آنان، کلاس‌های پر جمعیت، مسائل مربوط به ترفیع شغلی و تعارضات مربوط به نقش مواجه هستند، که این مسائل سلامت روان آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به مرور زمان باعث آسیب‌پذیری آن می‌گردد. با توجه به حساسیت سازمان آموزش و پرورش، به منظور اجرای موفقیت‌آمیز فعالیت آموزشی، علاوه بر منابع مالی، وسایل و فناوری، وجود نیروی انسانی سالم و متعهد، نقش اساسی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر تعهد کاری و واکنش عاطفی فرد نسبت به کار و همچنین بالا بودن سلامت روانی، قابلیت کار را بالا برده و موجبات رضایت شغلی را فراهم می‌آورد.

در نهایت، بعد اخلاقی، سبک زندگی و نوآوری و خلاقیت نیز شناسایی شد. به اعتقاد جیانگ (۲۰۱۸) جو اخلاقی سازمان یکی از عواملی است که می‌تواند خط‌مشی‌ها و برنامه‌های نیروی انسانی را به گونه‌ای عملیاتی نماید که پیامدهای آن به‌طور مشخص در ایجاد اعتماد درون سازمانی و رفتارهای کارکنان تجلی یابد. فضای اخلاقی مطلوب در سازمان منجر به ارتقاء مراتب و درجه رفتار شهروندی در سازمان آموزش و پرورش می‌گردد که این امر سخت‌کوشی معلمان را بیشتر نموده کارایی و اثربخشی عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد و مسلط بودن فضای اخلاقی مثبت، منجر به ترویج رفتار نوع‌دوستانه و مدنی در بین معلمان می‌شود و در نهایت انگیزه برای خدمت بیشتر آن‌ها در سازمان می‌گردد. همچنین سبک زندگی اسلامی با ابعاد دینداری، اخلاق‌مداری و سازگاری زناشویی، رضایت شغلی معلمان را تبیین می‌کند. کیفیت زندگی کاری بر احساس فرد درباره‌ی مطلوبیت مکان کاری و آنچه در آن بوده پایه‌گذاری می‌شود و مربوط به تجربه‌ی جاری فرد در حیطه‌های کاری است و هدف آن ارتقا و بهبود رضایت کارکنان است. همچنین کمالی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خود نشان دادند کیفیت زندگی، کاری با مؤلفه‌های ارتباط بین کار و زندگی، کنترل در کار، رضایت از حرفه و شرایط کار کردن تأثیر معناداری بر رضایت شغلی معلمان دارد.

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

تحقیقات هاشمی (۱۳۹۸) نشان داد که استفاده و تسلط معلمان در به‌کارگیری رسانه‌های آموزشی در آموزش دروس برای دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کرده و معلم را در آموزش این دروس یاری می‌دهد و موجبات رضایت شغلی را فراهم می‌کند. به‌طوری که وقتی در آموزش از تکنولوژی و رسانه استفاده می‌گردد و معلم با تسلط کامل به استفاده از این ابزار تکنولوژی دست می‌زند، طبیعتاً فراگیر بعد از مشاهده، مفاهیم را بهتر درک خواهد کرد، در نتیجه معلم احساس رضایت و مفید بودن خواهد داشت. تحقیقات دریاکولا (۲۰۱۲) نیز نشان داد بین تسلط معلمان در به‌کارگیری فناوری و محتوای الکترونیکی در تدریس با رضایت شغلی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

موضوع رضایت شغلی معلمان، از مباحث بسیار مهم در ایران است زیرا یکی از راه‌های رسیدن به اهداف ساحت‌های شش‌گانه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در گرو رضایت شغلی معلمان است. نتایج این پژوهش که با رویکرد فرا ترکیب انجام گرفته، به دسته‌بندی عوامل مختلفی که بر رضایت شغلی معلمان مؤثرند، پرداخته است و نشان می‌دهد، رضایت شغلی معلمان را باید از ابعاد مختلفی بنگریم. با توجه به یافته‌های این پژوهش و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان در ایران می‌توان گفت یکی از عوامل مهم یادگیری، پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش کیفیت آموزشی به رضایت شغلی معلمان وابسته می‌باشد. در واقع با توجه به این که معلم، زمینه پیشرفت و تعالی کشور را در عرصه‌های گوناگون علم و فناوری فراهم می‌کند، به‌عنوان یکی از ارکان مهم و اثرگذار مدرسه، نقش کلیدی و اساسی در آموزش مفاهیم، علوم و فنون مختلف به دانش‌آموزان دارد. فراهم شدن رضایت شغلی آن‌ها، زمینه‌ساز رسیدن به این اهداف می‌باشد. نتایج این پژوهش با آنچه که اکثر نظریه‌پردازان حوزه رضایت شغلی و پژوهش‌های انجام شده درباره این مقوله، همخوانی دارد. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش بیانگر این نکته مهم است که طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی معلمان، می‌تواند در شکل‌گیری نگاهی درست به تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌های آموزشی در کشور باشد.

پیشنهادات

با توجه به بررسی‌های انجام شده و یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- نظام پرداخت‌ها و پاداش‌های سازمان عادلانه و بر مبنای تخصصی و شایسته‌سالاری باشد و اصول و مقررات سازمان در معلمان به‌طوری نهادینه شود که آن‌ها بتوانند سطح توقعات خود را در سطح معقولی قرار دهند تا رضایت شغلی در محیط کار فراهم گردد.
- در انتخاب و انتصاب مدیران مدارس به میزان مهارت‌های (فنی، ادراکی بویژه ارتباطی و انسانی) آنان توجه شده و معلمان نیز مرتبط با رشته تحصیلی و تخصصی خود برای تدریس در کلاس‌های درس سازماندهی شوند.
- اجرای دوره‌های توانمندسازی و آموزشی ضمن خدمت کوتاه مدت متناسب با نیازها و شرح وظایف معلمان به روش‌های مختلف حضوری، نیمه‌حضوری و غیرحضوری با موضوعات مختلف از جمله روانشناختی و مثبت‌نگری، فناوری‌های نوین، مهارت‌های حل مسأله و مهارت‌های زندگی در دستور کار مسئولان سازمانی قرار گیرد.
- ایجاد ساز و کار مناسب در جهت تسهیل گفتگوی مشترک میان مسئولان آموزش و پرورش با مدیران و معلمان و در نتیجه آشنایی با چالش‌های معلمان و دستیابی به فهم و ارتباط بیشتر نسبت به محیط آموزشی.
- ایجاد بستر مناسب به‌منظور بهره‌گیری معلمان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با زبان و معانی مشترک و همچنین توسعه انجمن‌ها و تشکل‌های آموزشی که موجب ایجاد زبان مشترک و درک مفاهیم، میان معلمان و مسئولان آموزش و پرورش شود.

منابع

- آب خیز، شلر؛ میکائیلی منبع، فزانه (1398). بررسی روابط ساختاری خود تنظیمی شناختی و بهزیستی شغلی در معلمان دوره متوسطه دوم: نقش میانجی فرسودگی شغلی و رضایت شغلی، *فصلنامه مشاور شغلی و سازمانی*، دوره 12، شماره 44، صص 71-86.
- آذرنیوشان، مریم؛ مشایخ، مریم؛ محمدی شیر محله، فاطمه (1397). رابطه نوآوری سازمانی با عملکرد شغلی و رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه علمی- پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره هشتم، شماره سه، زمستان (1397)، صص 75-94.
- ابراهیمی، الناز؛ ارجمند نیا، علی اکبر؛ افروز، غلامعلی (1396). ارزیابی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر روانشناسی مثبت‌نگر در افزایش در رضایت شغلی معلمان مدارس استثنایی، *فصلنامه توانمند سازی کودکان استثنایی*، سال 8، شماره 22.

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

- ابراهیمی قوام، صغری (1390). رابطه بین تاب‌آوری و رضایت‌مندی شغلی در میان معلمان مدارس عادی و استثنایی شهر تهران، *روان‌شناسی افراد استثنایی*، شماره (1)، صص 67-82.
- اسدی، مسعود؛ نظری، علی محمد؛ شکوری، زینب؛ سعادت روح اله (1394). رابطه ابعاد سلامت روان و رضایت شغلی در بین معلمان زن و مرد، *زن و مطالعات خانواده*، سال هفتم، شماره بیست و پنجم.
- اشرف‌زاده، توحید؛ عیسی‌زادگان، علی و میکائیلی منیع، فرزانه (1398). الگوی علی روابط بین باورهای معرفت‌شناختی و مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی، *فصلنامه‌ی روانشناسی تربیتی*، شماره (15)، پیاپی (53)، صص 51-72.
- اندام، رضا و طاهری، حسین و (1398). طراحی مدل پیش‌بینی بی‌تفاوتی سازمانی بر اساس عدالت سازمانی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی (مورد مطالعه: معلمان زن تربیت‌بدنی استان البرز)، *مطالعات آموزش و دانشگاهی*، دوره 8، شماره 21، صص 193-215.
- امانی، ملاحظ؛ شباهنگ، محمد جواد (1395). بررسی نقش میانجی اضطراب و افسردگی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با رضایت شغلی معلمان، فصلنامه علمی تخصصی طب کار، دوره 9، شماره 2، صص 59-70.
- ایمانی، جواد (1391). تبیین مهارت‌های مدیریتی مدیران با جوسازمانی مدارس و رضایت معلمان از دیدگاه معلمان، *فصلنامه علوم تربیتی*، سال پنجم، شماره 147، صص 45-73.
- ایلاتلو، حسین؛ دلاور، علی؛ شریعتمدار، آسیه؛ احمدی، صدیقه (1399). اثربخشی آموزش رویکرد وجودی بر کیفیت زندگی و رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه آموزش پژوهشی*، دوره ششم، شماره 22.
- بای، ناصر؛ سلیمانی مقدم، رضا و علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم (1396). مطالعه اثر رضایت شغلی و حمایت سازمانی درک شده بر کیفیت خدمات ارائه شده توسط کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان گلستان. *نشریه مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، شماره (16)، صص 31-40.
- بخشایش، علیرضا؛ آذربنیاد، عبدالله (1391). رابطه سبک‌های مدیریت مدیران با رضایت شغلی و سلامت روانی معلمان، سال سوم، شماره (1)، صص 63-82.
- برزگر فروبی، کاظم؛ اربابی، یونس (1394). رابطه بین منبع کنترل و تنیدگی شغلی با رضایت شغلی در معلمان و کارکنان مدارس استثنایی. *تعلیم و تربیت استثنایی*، ص 15.
- برومند، مسعود؛ ظروفی، مجید (1393). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با میزان رضایت شغلی دبیران، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، صص 77-93.
- پاک‌مهر، حمیده؛ زعیمان باقی، ملیحه (1400). ارتقای آموزش فضای اخلاقی؛ نقش میانجی جو اخلاقی ادارک شده در رابطه رضایت شغلی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان دوره ابتدایی، *دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهش در آموزش ابتدایی*، سال سوم، شماره (6)، صص 66-76.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- جلیلی شیشوان، علی؛ طباطبایی عدنان، الهام و جلیلی شیشوان، فرحناز (1396). تحلیل رگرسیونی سلامت سازمانی و رضایت شغلی با فرسودگی شغلی معلمان تربیت بدنی استان تهران، *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، دوره پنجم، شماره (2)، پیاپی (18)، صص 109-101.
- جمالزاده، مریم؛ جوادی پور، محمد؛ خسرو بابادی، علی اکبر (1396). ارتباط بین سلامت سازمانی با رضایت شغلی معلمان تربیت بدنی دوره اول متوسطه شهر تهران، *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره 46، صص 30-17.
- جمالی، یوسف؛ کلاتر کوشه، سید محمد؛ شفیق آبادی، عبد...؛ سلم آبادی، مجتبی (1395). تدوین مدل رضایت شغلی براساس سبک زندگی اسلامی، سازگاری زناشویی و جنسیت در معلمان، *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال پنجم، شماره هشتم، صص 45-65.
- داوودی، حسین؛ بهاری، فرشاد؛ میرزا جانی، سید مرتضی (1391). رابطه فرهنگ سازمانی و انگیزش شغلی با رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره چهارم، شماره 13، صص 139-127.
- رایبیز، استیفن پی (1403). *مبانی رفتار سازمانی*. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- راستگو، ناهید؛ حرفه دوست، منصور؛ خیر جو، اسماعیل (1396). اثربخشی آموزش گرهی ذهن آگاهی بر فرسودگی شغلی، رضایت شغلی و برخی نشانگان آسیب شناسی روانی معلمان، *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، سال چهارم، شماره هفتم.
- رحمانی زاده، داوود؛ جعفری ثانی، حسین؛ داوود نیا، سارا (1393). نقش ابعاد فضای اخلاقی سازمان در پیش‌بینی رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دهم، شماره (3).
- رضایی، مصطفی؛ کریمی، یگانه و آصف، الناز (1398). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزش شغلی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر مبنای نظریه هرزبرگ، *فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه*، دوره 28، شماره 3، صص 46-58.
- رفیعی افوسی، حمید؛ خالوندی، فاطمه (1401). مقایسه تأثیر شیوه استخدام معلمان بر میزان رضایت شغلی آنان؛ تجربه جذب از طریق کنکور سراسری با آزمون استخدامی، *فصلنامه مطالعات سیاست گذاری تربیت معلم*، دوره (5)، شماره (3).
- زارع شاه آبادی، اکبر؛ اسلامی، بهروز؛ مهدی پورخراسانی، ملیحه (1397). تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی معلمان شهریزد، *فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*، دوره (16)، شماره (1)، صص 83-100.
- زوار، تقی؛ بهاری، پروین؛ عبدالهی اصل، صیاد؛ دلخوش، واقف (1400). نقش مدیریت مشارکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی مدیران در رضایت شغلی معلمان متوسطه اول: آزمون میانجی‌گری خلاقیت مدیران، *مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، سال دهم، شماره 1، صص 149-172.

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

- سبزی پور، امیر؛ رشنودی، بهزاد؛ امیری، سمیه؛ کرم‌الهی، علی (1392). رابطه بین تیپ شخصیتی درونگرایی-برونگرایی با میزان رضایت شغلی و تعهد سازمانی، *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال پنجم، شماره 2، صص 181-194.
- سلطانی، محمدرضا؛ ازگلی، محمد؛ احمدنیا آلاشتی، سیامک (1394). *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال پنجم، شماره (1)، پیاپی (17)، صص 145-172.
- سلیمی، جمال؛ عبدی، آرش (1396). مطالعه رابطه بین توانمندسازی روان‌شناختی و رضایت شغلی معلمان؛ بررسی نقش میانجی رفتار شهروندی سازمانی، *مجله روان‌شناسی مدرسه*، دوره 6، شماره (4)، صص 70-98.
- شفیع آبادی، عبدالله (1399). *راهنمایی و مشاوره شغلی*، انتشارات رشد، چاپ سی ام.
- کمالی، یحیی (1396). *روش‌شناسی فرا ترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی*. سیاست، دوره (22)، شماره (3)، صص 236-271.
- عابدی‌نیا، افشین (1399). رابطه بین سبک‌های رهبری راهبران آموزشی و تربیتی با رضایت شغلی معلمان مدارس چندپایه، *مجله علمی رهبری آموزشی کاربردی*، سال اول، شماره (1)، صص 29-42.
- علی پور، احمد؛ اعراب شیبانی، خدیجه (1390). رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، سال ششم، شماره 22، تابستان (1390).
- غفوریان، هما؛ قاسمی، ایرج؛ ابراهیمی محمد (1390). بررسی تاثیر میزان استرس شغلی بر رضایت شغلی مدیران مدارس، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، شماره 4، صص 33-48.
- فتحی، جلیل؛ احمدنژاد، محمد؛ صالحی، مهدی (1400). بررسی ارتباط میان رهبری آموزشی مدیران، کارآمدی جمعی معلمان و رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت مدرسه*، دوره نهم، شماره دوم.
- قلانی، بهروز؛ کدیور، پروین؛ صرامی، غلامرضا؛ اسفندیاری، محمد (1391). ارزیابی مدل باورهای خودکارآمدی معلمان به عنوان تعیین کننده میزان رضایت شغلی آنها و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال نهم، دوره 5، شماره 5، پیاپی (32).
- کشاوری، لقمان؛ کمندی، عیسی؛ فریدفتحی، اکبر و سلطانی، مرتضی (1394). ارتباط کارایی دوره‌های آموزش ضمن خدمت با رضایت شغلی معلمان تربیت بدنی، *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، دوره دوم، شماره (5)، صص 79-87.
- کمالی، محمد؛ معین شاهنگیان، محدثه السادات؛ مبارکی، حسین و اکبرفهمی، ملاحظ (1394). بررسی رابطه رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری در معلمان مدارس استثنایی شهر تهران، *مجله مطالعات ناتوانی*، جلد (10)، شماره (41).
- گل پرور، محسن؛ جوادیان، زهرا؛ برزنده، امین (1391). نقش هماهنگی شناختی در پیوند بین رهبری اخلاقی و رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، سال چهارم، شماره یکم، مسلسل (13).

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

لاوسون، رابرت؛ شن، زنگ (1380). *روان شناسی سازمانی: رفتار سازمانی (مبانی و کاربردها)*، ترجمه رمضان حسن زاده، انتشارات ساوالان، چاپ اول.

موسوی، فرانک؛ شیرزادی، پرستو (1397). نقش سرمایه اجتماعی مدیران مدارس بر رضایت شغلی معلمان، *فصلنامه توسعه حرفه ای معلم*، سال سوم، شماره چهارم، صص 51-62.

میرصفیان، حمید رضا (1396). تأثیر مداخله آموزشی مهارت های هفت گانه مدیریت کوانتومی بر رضایت شغلی، دبستگی شغلی و تعهد سازمانی معلمان تربیت بدنی، *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره (53)، صص 219-236.

هاشمی، سیداحمد (1398). رابطه نگرش معلمان در خصوص استفاده از محتوای الکترونیکی و فناوری آموزشی با رضایت شغلی معلمان در مدارس متوسطه اول، *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال دهم، شماره (4)، پیاپی (40).

Akiba (Eds.), *International handbook of teacher quality and policy* (pp. 374–387). London: Routledge.

Blömeke, S., Houang, R., Hsieh, F. J., & Wang, T. Y. (2017). Effects of job motives, teacher knowledge and school context on beginning teachers' commitment to stay in the profession: A longitudinal study in Germany, Taiwan and the United States. In G. K. LeTendre & M.

Crisci, A., Sepe, E., & Malafronte, P. (2019). "What influences teachers' job satisfaction and how to improve, develop and reorganize the school activities associated with them". *Quality & Quantity*, 53 (5), 2403-2419.

Collie, R. J., Shapka, J. D., & Perry, N. E. (2012). School climate and social-emotional learning: Predicting teacher stress, job satisfaction, and teaching efficacy. *Journal of Educational Psychology*, 104(4), 1189.

Davis, E., & Newstern, H. (2012). The importance of human resources development and its impact in increasing of national port productivity. *Procardia Engineering*, 125, 519-525.

Derykulu, D., Buyuzturk, S., & Ozcinar, H. (2012). Predictors of academic achievement of student ICT teacher with different learning styles. *International Journal of Human and Social Sciences*, 5(9), 567-573

Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York, NY: Free Press

Gultekin, O. (2019). "Social Capital's Effect on Physical Education and Teachers' Job Satisfaction". *Journal of Education and Learning*, 8(1), 164-171.

Kunter, M., Klusmann, U., Baumert, J., Richter, D., Voss, T., & Hachfeld, A. (2013). Professional competence of teachers: Effects on instructional quality and student development. *Journal of Educational Psychology*, 105(3), 805.

Kyriacou, C., & Sutcliffe, J. (1977). Teacher stress: A review. *Educational Review*, 29(4), 299–306.

Liang, G., & Akiba, M. (2017). Teachers' working conditions: A cross-national analysis using the OECD TALIS and PISA data. In G. K. LeTendre & M. Akiba (Eds.), *International handbook of teacher quality and policy* (pp. 388–402).

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت شغلی معلمان

- Macdonald, Robert, 1997, Youth, the under class and social exclusion London, Routledge.
- Parker, B., & Chusmir, L. H. (1992). Development and validation of a life-success measures scale. *Psychological Reports*, 70(2), 627–637.
- Rollinson, D. Broadfield, A. & Edwards, D. (1998) Organizational Behaviour and Analysis: An Integrated Approach, Addison wesly: longmen.
- Shann M H. **Professional Commitment and Satisfaction Among Teachers in Urban Middle Schools**. J Educa Res 1998; 92(2): 67-74.
- Skaalvik, E. M., & Skaalvik, S. (2011). Teacher job satisfaction and motivation to leave the teaching profession: Relations with school context, feeling of belonging, and emotional exhaustion. *Teaching and Teacher Education*, 27, 1029-1038.
- Spector, P. E. (1997). *Job Satisfaction: Application, Assessment, Causes and Consequences*. SAGE Publications, Londo.
- Toropova, A., Myrberg, E., & Johansson, S. (2021). Teacher job satisfaction: the importance of school working conditions and teacher characteristics. *Educational review*, 73(1), 71-9.
- Yining.Chen ,Gupta.A, Hoshower.L, (2006). Factors that motivate Business Faculty to conduct research, *Journal of Education for Business*, pp 179- 189.
- Wolfe, A., 1997 "The Moral Meaning of Work" *Journal of Socio-Economics*, Vol 26, No 6.
- Zimmer, L. (2006). "Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts". *Methodological Issues in Nursing Research*, 53(3), 311-318.

Contents

Study of the critical factors affecting the increase of divorce between couples living in Abadeh city	1
<i>Maryam Hemti, Marzieh Heydari*</i>	
Investigating Social and Political Components Affecting the Virtual Identity of Youth in Shiraz	30
<i>Farshid Nahid*, Majid Reza Karimi, Kurosh Sarvarzadeh</i>	
Meta-analysis of the relationship between religiosity and tendency towards democratic values	55
<i>Shaho Rastegari*, Asadollah Babaie Fard</i>	
Study students' attitudes towards the protests and unrest of 1401	83
<i>Yavar Eivazy*, Seyed Morteza Mirtabar, Alireza Edrisi, Morteza Golshani Gehraz</i>	
The Role of Sports in the Social Resilience of Athletes: A Study in Kerman	106
<i>Kamal Javanmard*, Kambiz Sanati, Azadeh Mosavi</i>	
Meta-Synthesis of Research Conducted about Teachers' job Satisfaction	122
<i>Saeid Gholami, Mohsen Niazi*, Asdollah Babaei Fard</i>	

Study of the critical factors affecting the increase of divorce between couples living in Abadeh city

Maryam Hemti,

Department of Educational Sciences, Abadeh Branch, Islamic Azad University, Abadeh, Iran

Marzieh Heydari¹

*Associate Professor of Educational Sciences, Abadeh Branch, Islamic Azad university,
Abadeh, Iran*

Abstract

This research aims to "examine the key factors affecting the increase in divorce among couples living in Abadeh." The mixed method (qualitative and quantitative) uses the qualitative part of the meta composite approach and the quantitative part of the descriptive method of the correlation type. The statistical population in the qualitative section includes the existing Nepri foundations, including the most critical domestic and foreign studies related to the subject area of the research, and in the quantitative section, it includes the total of psychologists (59 people) and couples about to divorce (with an age limit of 20 to 60 years, 60 people). They were active in counseling centers (119 people in Abadeh city). The sampling method was targeted and theoretical. Validity was confirmed in a qualitative method using the triangulation method and in a quantitative method using the content type. Also, reliability in the meta-composite approach was determined based on Lincoln and Goba indices, and Cronbach's alpha coefficients estimated the quantitative part. In order to analyze the findings of this study, descriptive statistics (demographic indicators using SPSS software) and inferential statistics (resulting from structural equation modeling criteria) were used in the qualitative part of the document analysis and the quantitative part. Finally, the results showed that personal-family, environmental, cultural-social, physical-psychological, and financial-economic factors were recognized. These critical factors affect the increase in divorce. For this reason, it seems that having a strong individual personality, accompanying families, strengthening economic income, improving the physical and mental conditions of couples, and being in calm and happy environments, along with special attention of couples and their families to cultural categories before the formation of marriage, are among the things, which can essentially prevent the occurrence of divorce and its negative consequences.

Keywords: Increasing divorce, Couples, Abadeh

¹Corresponding Author: mhidary@iauabadeh.ac.ir

Investigating Social and Political Components Affecting the Virtual Identity of Youth in Shiraz

Farshid Nahid¹

PhD Candidate, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University,
Jahrom, Iran

Majid Reza Karimi

Assistant Professor, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad
University, Jahrom, Iran

Kurosh Sarvarzadeh

Assistant Professor, Department of Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad
University, Jahrom, Iran

Abstract

Differences between age groups are a critical issue that can be the source of various cultural and social phenomena and issues. This research investigated intergenerational social capital and its dimensions among men and women in Tuyserkan city. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population included men and women over 15 years of age in Tuyserkan City in 2019, of which 392 arrived into samples by cluster sampling. ANOVA, Independent T-test, and Path Analysis were used in SPSS-25 software to analyze data. The results showed a difference between generations in terms of social capital; the older generation has higher social capital than younger ones; there is a difference between women and men, and men have more social capital than women. There is a difference between age groups regarding social capital; the age group of 66 to 75 years has a higher tendency to have social capital. Also, there is a relationship between income and social capital ($P < 0.05$). In short, we can say that there is a relationship between intergenerational variables, gender, age groups, income, type of job, marital status, level of education, place of residence, age of marriage, presence in society, and social capital; There is a difference between men and women as well as between different generations in terms of the variables of the age of marriage, presence in society, economic capital, individual and social freedoms, social trust, and social mobility.

Keywords: Social components, political components, youth, virtual Identity, Shiraz

¹. Corresponding Author: Fnahid23@gmail.com

Meta-analysis of the relationship between religiosity and tendency towards democratic values

Shaho Rastegari¹

PhD Candidate of social issues of Iran, Kashan University, Kashan, Iran

Asadollah Babaie Fard

Associate Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan , Iran

Abstract

Regarding the effect of religiosity on people's political attitudes; There are theories and theories, each of which, by taking into account before, seeks to explain what is the relationship between these two. The main question of this research is the degree of influence of religiosity on democratic values. The main goal of this research is the meta-analysis of the researches conducted in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy. In order to carry out the meta-analysis, 30 researches conducted in relation to this subject were examined and among these 17 researches conducted between 1384 and 1398 in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy, which were published in authoritative scientific journals. And were selected. The mentioned researches have been carried out using the survey method in different statistical communities and based on reliable measures. In the first step of evaluating the selected studies, the assumptions of homogeneity and publication error were examined; Based on this, the findings indicate the heterogeneity of the effect size and the lack of publication bias of the studied studies. In the second step, the effect size coefficient was calculated using the second version of the CMA evaluation software. The obtained results showed that the effect size or the effect coefficient of the level of religiosity on the tendency to democracy is (0.439), which is evaluated at a moderate level according to Cohen's interpretation system.

Keywords: Religiosity, Democracy, Meta-Analysis, Religious Identity, Effect Size

¹ Corresponding Author: shahorastegari@gmail.com

Study students' attitudes towards the protests and unrest of 1401

Yavar Eivazy¹

Faculty Member of the Mabna Research Center, Qom, Iran

Seyed Morteza Mirtabar

Faculty Member of the Mabna Research Center, Qom, Iran

Alireza Edrisi

PhD Candidate in security Imam Muhammad Baqir University, Tehran, Iran

Morteza Golshani Gehraz

Allameh Tabataba'i Farhangian University, Ardabil, Iran

Abstract

The unrest of 1401 after the Islamic Revolution was unique in terms of its scope and intensity of impact on social order. Considering the critical role of young people, especially students, in the occurrence and escalation of these developments on the one hand and their influence in maintaining social unity and cohesion on the other hand, the study of this group's attitude towards stability/instability is essential. The current research aims to measure students' attitudes towards the unrest of 1401 and strategize to strengthen social unity and cohesion. In this regard, the research method is a survey; the data collection tool is a questionnaire. The statistical population is Iranian students of domestic universities, with a sample population of 620. From the point of view of students, the unfavorable economic situation and the feeling of deprivation, the performance of non-discursive media, the decrease in the efficiency and acceptability of the political system, and the prevalence of economic-administrative corruption have been the most important reasons for the unrest, respectively. The increase in willingness to protest or the desire to participate in protests, the increase in the desire to immigrate abroad due to the unrest, and the decrease in the desire to participate politically are the most important consequences of the 1401 unrest among the student population. From a strategic point of view, grounding and planning to create a demanding platform with a tendency to interact among students, organizing the student lifestyle by formulating its model, and strengthening the system's efficiency, especially in the economic field, have been emphasized.

Key Words: Young, Political Unrest, Social Cohesion, Student's Lifestyle

¹Corresponding Author: afsanfazli1996@gmail.com

The Role of Sports in the Social Resilience of Athletes: A Study in Kerman

Kamal Javanmard¹

*Assistant Professor of Sociology, Shahre Ghods Branch, Islamic Azad University,
Shahre Ghods, Iran*

Kambiz Sanati

*Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran*

Azadeh Mosavi

Department of Sociology, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Abstract

The current research was conducted to know the role of sports in the social resilience of physical fitness athletes in Kerman city in 1401-1402. This research is practical in terms of purpose. The method is grand theory. The statistical population in this research was the physical fitness athletes of Kerman. The sample size continued until conceptual saturation, which was possible with 16 in-depth interviews among physical fitness athletes in Kerman. The sampling method was purposeful. The data was coded with MAXQDA version 20 software. In order to validate the codes, two other experts did the coders again, and the agreement coefficient of the coding was 0.77. The findings showed that exercise affects the social resilience of athletes. In other words, by changing the way of solving problems and creating resilient habits in athletes, creating social solidarity increases the behavioral characteristic of resilience in athletes. As a result, sports can be introduced as an essential factor in creating psychosocial balance and as a suitable solution for people to transition from crisis.

Keywords: Social resilience, social solidarity, resilient habits, problem solving

¹ . . Corresponding Author: javanmardkamal@yahoo.com

Meta-Synthesis of Research Conducted about Teachers' job Satisfaction

Saeid Gholami

PhD candidate of Sociology, Faculty of Law and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Mohsen Niazi¹

Professor Department of Social Sciences, Faculty of Law and Human Sciences, Kashan University, Kashan, Iran

Asdollah Babaei Fard

Professor Department of Social Sciences, Faculty of Law and Human Sciences, Kashan University, Kashan, Iran

Abstract

Teachers' job satisfaction is one of the most important factors affecting their performance, and the role of teachers' job satisfaction in developing and achieving the goals of the educational system is broad and clear. Based on this, it is necessary to investigate the factors affecting the job satisfaction of teachers in Iran. The purpose of this research is to investigate the factors affecting the job satisfaction of teachers in Iran. This research was carried out using the Meta-synthesis qualitative method and the seven-step model of Sandelowski and Barroso. For this purpose, the results of the studies conducted between 1390 and 1403 were examined. And by using related keywords, a number of relevant articles were identified and finally 34 articles were selected from among 205 articles using meta-composite criteria. Kappa index was used to check the quality and reliability of the findings of this research, and its results show the appropriate quality of the research findings. The findings of this research led to the extraction of various codes, and after continuous back and forth and examination and integration of the initial findings of this research in sub-fields, nine main fields were obtained, which in order of frequency are; Organizational dimensions, empowerment dimensions, leadership dimensions of managers, mental and individual dimensions, social dimensions, mental health dimensions, lifestyle dimensions, ethical dimensions and dimensions of innovation and creativity. Also, the results of this research show that organizational justice, performance-based reward system, teachers' participation in decision-making, psychological empowerment courses and electronic content, charismatic leadership, ethical environment of the organization, etc., affect the job satisfaction of teachers in Iran. It is very important and the findings of this research confirm some of the previous theories regarding job satisfaction.

Key Words: Job Satisfaction, Teachers, Meta-Synthesis, Education

¹. Corresponding Author: niazim@kashanu.ac.ir

Journal of Sociological Researches

2024 (Summer), Vol. 18, No.2

License: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Director: Dr. Soheila Alirezanejad

Chief Editor: Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi

Executive Director: Dr. Soroush Fathi

Editorial Board:

Dr. Bagher Saroukhani, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Akbar Farhangi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Mehrdad Navabakhsh, Professor, Islamic Azad University science & Research Branch, Tehran, Iran

Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi, Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Dr. Khadijeh Safiri, Professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Dr. Mansour Vosoughi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Reza Mohseni Tabrizi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Tahereh Mirsardoo, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Soheila Alirezanejad, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Soroush Fathi, Associate Professor, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran

ISSN: 1735-5516

This Magazine will be published in according to the 16th examination and approval commission of scientific magazines of Islamic Azad University, with the authority No 87/162342 dated 2004

Published by: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Address: P.O. Box 35818/144 Garmar, Semnan, Iran, Tel: 0098232-4225009-12

***Journal of Sociological
Researches***

Islamic Azad University, Garmsar Branch

2024 (Summer), Vol. 18, No.2